کیهان ۳۹۵
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۳ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم ـ شماره ۱۸۶۱



ضرورت آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی

مژده به هم‌میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قباله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com
Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH
دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «**سوریه: چاله عنکبوت**» به قلم **حامد محمدی** (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london
و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

P.O. Box 435,Old Brompton Road 2,London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

*****

سال سی و نهم
کیهان شماره ۱۸۶۱ (۳۹۵)

جمعه ۲۳ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۱
۱۳ تا ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳



کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - **شعار روشنگری: شجاعت و جرأت استفاده از فهم و خرد خویشتن!** /الاهه بقراط ۴

ضرورت آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی .../روشنک آسترکی ۴-۵

بیانیه هفته‌نامه «شارلی ابدو»: ملاها از کاریکاتورهای خامنه‌ای احساس خطر کردند.../..... ۶

پیام روس‌ها به جمهوری اسلامی: آمریکا و اروپا سراغ «پلان B».../..... ۷

«انجمن‌های مشروطه» در تدارک تشکیل «سازمان مشروطه ایران».../..... ۸-۹

آیا اوضاع از کنترل رژیم ایران خارج شده است؟.../مصطفی فحص (شرق‌الاوسط)..... ۱۰

بازنشر **با من به جمکران بیائید...(۲)**.../احمد احرار..... ۱۱

بازنشر **معمایی به نام هویدا (بخش پایانی)**.../عباس میلانی..... ۱۲-۱۳

بهار خورشیدی دختری که پس از حمله مأموران به خانه‌شان.../..... ۱۴

جمهوری اسلامی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را هم به قتل رساند.../..... ۱۵-۱۶

ادامه گرانی کالاها؛ اقتصادی که «علم‌الهدی» برایش رهنمود دهد.../..... ۱۶-۱۷

کمپین پشتیبانی ستارگان هالیوود از خیزش آزادیخواهی مردم ایران.../..... ۱۸

هشدار «خودی» ها به نظام: همکاری با روسیه همراه با سرکوب مردم.../..... ۱۹

چشم‌انداز اقتصادی در ایران فردا.../نصرت واحدی..... ۲۰-۲۱

ادامه مرگ مشکوک بازداشت‌شدگان در ایران؛ یک فیلمساز پس از آزادی.../..... ۲۲

سه شهروند معترض دیگر اینبار در اصفهان به «اعدام» محکوم شدند.../..... ۲۳

پرونده «خانه اصفهان»؛ پرونده‌ای پر از تناقض برای اعدام جوانان.../..... ۲۴-۲۵

احمد رضا رادان «قصاب کردستان»؛ با اختلال در ماشین سرکوب،.../..... ۲۶

فاطمه حربی؛ بازداشت به خاطر «بدحجابی»، پرونده‌سازی برای/..... ۲۷

«زمستان سخت» فرا رسید اما برای ایران.../..... ۲۸-۲۹

علیرضا شهرداری: پیروز در حال حاضر شرایط خوبی دارد.../..... ۲۹

واکنش شهروندان معترض و جامعه جهانی به قتل حکومتی.../..... ۳۰-۳۱

معاون امنیتی وزیر کشور جمهوری اسلامی: واتس‌اپ و اینستاگرام عامل اصلی.../..... ۳۱

محمد سلطانی را در مشهد با وجود تهیه وثیقه یک میلیارد تومانی.../..... ۳۲

یک نماینده مجلس شورای اسلامی: محور تظاهرات قشر ضعیف جامعه.../..... ۳۲-۳۳

رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ: هر امتیاز غربی‌ها به جمهوری اسلامی.../..... ۳۳

حمید نوری در نخستین جلسه دادگاه تجدیدنظر نیز شلوغ کرد.../..... ۳۴

«وحشت از تنهایی و خیانت اطرافیان» هراس سهمگینی که به جان.../..... ۳۵-۳۶

صدور حکم اعدام برای سرهنگ علیرضا اکبری؛ پایان مأموریت یک افسر.../..... ۳۶-۳۷

بیانیه اعلام موجودیت «حزب ایران نوین» توسط فرشگرد.../..... ۳۷

ادامه بازداشت روزنامه‌نگاران، دانشجویان و دانش‌آموزان در چهارمین ماه.../..... ۳۸

حذف چهار صفر از اسکناس‌های ایران؛ نه بر تورم مؤثر است نه.../..... ۳۹

تشدید جنگ جمهوری اسلامی با اینترنت.../..... ۴۰

استقبال حامیان نظام از بازداشت نواب ابراهیمی استاد آشپزی.../..... ۴۱

اساس بودجه ۱۴۰۲: سرکوب بیشتر شهروندان و جلوگیری از فروپاشی نظام.../..... ۴۲

تجارت آلمان با جمهوری اسلامی مانع حمایت کافی از خیزش آزادیخواهانه.../..... ۴۳

پشت جلد - **عکس هفته** /محمد حسینی شهروندی با خانواده‌ای به بزرگی ایران ۴۴











سرمقاله

شعار روشنگری:
شجاعت و جرأت استفاده از فهم و خرد خویشتن!

ایمانوئل کانت که در هشتاد سال زندگی خود هرگز از شهر کوچک پروسی خود، کونیگزبرگ (کالینینگراد بعدی در روسیه شوروی) قدمی بیرون نگذاشت، بیش از دو قرن پیش آنچه را در مقابله با صغیر بودن و قیمومیت انسان، «شعار روشنگری» نامید که چیزی جز شجاعت و جرأت استفاده از فهم و خرد خویشتن نبود! همان امتیازی که انسان را از موجودات دیگر و انسان بالغ و مستقل و خردمند و مسئول



را از انسان صغیر و مقلد و مرعوب و نوچه متمایز می‌کند.

عبارت معروف کانت در فارسی با واژه‌های مختلف ترجمه شده اما معنی همگی چیزی جز همانکه گفته شد نیست. این «شعار روشنگری» در قرون وسطای جمهوری اسلامی از جمله در شرایط کنونی اهمیت ویژه دارد. مروری بر تاریخچه این نظام نشان می‌دهد که چگونه غیبت فهم و خرد و امتناع از آن در روی کار آمدن این حکومت و ماندن آن نقش داشته است! مثالی تکراری‌تر از باور به وعده‌های غیرعقلانی خمینی و یا تصویرش بر ماه وجود ندارد! وقتی جرأت و شجاعت برای استفاده ازعقل و خرد غایب است، همه اینها با تبلیغ و جنجال به انسان ترسو که می‌خواهد همرنگ جماعت باشد تا مورد حمله قرار نگیرد، باورانده می‌شود.

در مثالی دیگر، می‌گویند در رفراندوم جمهوری اسلامی ابهام وجود داشت و مردم به روشنی نمی‌دانستند به چه رای می‌دهند. به این ترتیب کسانی که در آن شرکت نمودند، جدا از رای آری یا نه آنها، کاملا نابخردانه رفتار کردند چون فهم و خرد می‌گوید در آنچه مبهم است و اطلاعات کافی نداری و چه بسا به سود تو نباشد، مشارکت نکن!

در همه این سال‌ها، از جمله در دوران پروژه اصلاحات، و هم‌اکنون نیز با موارد مشابه اما در اشکال و قالب‌های دیگر روبرو بوده و هستیم. اگرچه به برکت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، عین شمشیر دو دَم، هم امکانات روشنگری و تقویت جرأت و شجاعت برای استفاده از فهم و خرد خود بسیار گسترده شده و هم امکانات سلب این جرأت و تبدیل مخاطبان به مقلد و مرید و نوچه بسی بیشتر از گذشته! با این تفاوت مهم که افراد شجاع و خردمند و مسئول و مستقل از فالوئرهای دروغین و سایبری‌ها و بات‌ها برای حمله به دیگران استفاده نمی‌کنند، اما لشکر فیک و نوچه که از منابع مادی و فکری دیگران تغذیه می‌کنند به همراه سایبری‌های رژیم همیشه برای حمله به دیگرانی که برخلاف آنها بر فهم و خرد خویشتن متکی‌اند، آماده‌اند!

با اینهمه همانطور که با غلبه‌ی عصر خرد و روشنگری بر دوران قیمومیت مذهبی و سیاسی ثابت شد که قدرت فهم و خرد انسان از تبلیغ و تطمیع و منافع فردی و گروهی در پرورش مقلد و مرید و رعیت فکری بسیار قوی‌تر است، امروز نیز همان خرد و روشنگری بر مقلد و مرید با نام‌های جدید هوادار و سایبری و فیک و بات، از هر جریانی که باشند، غلبه خواهد کرد.

تیتر هفته

ضرورت آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی



آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی یکی از حلقه‌های مهم انقلاب ملی ایران است که می‌تواند چرخ خونریز جمهوری اسلامی را متوقف سازد. این کار به سازماندهی و ابزار مؤثر برای جلب و تمرکز افکار عمومی داخل و خارج و دولت‌های غربی و رسانه‌های بین‌المللی نیاز دارد.

در آغاز پنجمین ماه از از انقلاب ملّی ایران، زندان‌ها در شهرهای مختلف پر از شهروندانی است که در خانه و خیابان و مدرسه و دانشگاه بازداشت شده‌اند و یا وکیل و روزنامه‌نگار و فعالان مدنی و سیاسی هستند که به زندان افتاده‌اند. همچنین زندان‌ها با اعدام و مرگ‌های مشکوک و آتش‌سوزی‌های پرابهام به قتلگاه مخوف مردم تبدیل شده است. از همین رو، تمرکز بر آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و بررسی ابزارهای مؤثر برای پیشبرد این امر بسیار ضروریست تا بر چرخه‌ی مرگبار حکومت نقطه پایان بگذارد.

جنبش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در روزهای آینده وارد پنجمین‌ماه می‌شود؛ مردم ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور طی ۱۵ هفته گذشته با ایستادگی و همبستگی توانسته‌اند یکی از تاریخ‌سازترین جنبش‌های مردمی تاریخ ایران و حتا جهان را رقم بزنند. پریشانگویی و اظهارات مضطرب مقامات نظام نشان می‌دهد آنها نیز این واقعیت را دریافته‌اند که انقلاب در ذهن ایرانیان تثبیت شده و این خیزش تا به نتیجه نرسد، آرام نمی‌گیرد.

جمهوری اسلامی اما مثل همیشه سرکوب گسترده شهروندان را با وحشیانه‌ترین روش‌ها در دستور کار قرار داده است. در این میان، بازداشت شهروندان و ارتکاب شکنجه‌های جسمی، جنسی و روانی علیه آنها در کنار اتهامات سنگین و صدور احکام «اعدام» و «زندان طویل‌المدت» و حذف فیزیکی با مرگ‌های مشکوک در زندان و خارج زندان، همگی علیه مخالفان به کار برده می‌شود.

شکنجه، اعدام و مرگ‌های مشکوک

شمار بازداشت‌شدگان طی چهار ماه گذشته در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است. بیش از ۱۹ هزار و ۲۰۰ شهروند در طول حدود ۱۴ هفته بازداشت شدند؛ اغلب آنها دارای پیشینه فعالیت سیاسی و یا عضو احزاب و جریانات مخالف حکومت نیستند اما شهروندان معترضی هستند که با درک همه نابسامانی‌ها و ویرانی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی برای کسب آزادی و امنیت و رفاه و آبادی به خیابان آمده‌اند تا عامل همه این تباهی‌ها، یعنی جمهوری اسلامی، را از میان بردارند.

برخی از این شهروندان قربانی سناریوهای نهادهای امنیتی شده و اتهامات سنگینی چون «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» به آنها زده شده و در دادگاه با احکام «اعدام» و حتی «دو بار اعدام» روبرو شده‌اند. اینهمه برای ایجاد رعب و وحشت عمومی نسبت به ماشین سرکوب خونین جمهوری اسلامی طراحی شده است. همچنین با این وحشت‌آفرینی قرار است به اقلیتی که بدنه جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند از جمله مزدوران و بسیجی‌هایی که همراه نیروهای رسمی سرکوب نظام، به سرکوب شهروندان معترض می‌پردازند، اطمینان داده شود که نظام توان محافظت از آنها را دارد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی طی این مدت به بازداشت‌های سازمانیافته و هدفمند نیز دست زده است. بیش از ۴۴ وکیل دادگستری در چهار ماه گذشته بازداشت و ده‌ها وکیل دیگر احضار و یا تهدید تلفنی شدند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از بازداشت دست‌کم ۷۰ روزنامه‌نگار از ابتدای جنبش انقلابی تا کنون خبر داده که بیش از ۳۰ نفر از آنها همچنان در زندان هستند. شمار زیادی از هنرمندان و ورزشکارانی هم که از اعتراضات مردم حمایت کرده‌اند بازداشت شده و یا برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده است. به گزارش نهاد صنفی «خانه سینما» ۱۰۰ سینماگر طی دو ماه نخست اعتراضات با پرونده‌های امنیتی و قضایی روبرو شدند.

گذشته از موج بزرگ اعتراضات، اعدام شهروندان و مرگ‌های مشکوک بازداشت‌شدگان نیز از جمله ابزارهای سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی است.

بر اساس گزارش‌های نهادهای حقوق بشری تا کنون علیه ۴۳ نفر از شهروندان معترض حکم اعدام صادر شده در حالی که بیش از ۱۰۰ زندانی به دلیل اتهامات سنگین با خطر اعدام روبرو هستند.

موضوع اعدام به عنوان یک مجازات رایج در قوانین جمهوری اسلامی، موضوع تازه‌ای نیست. از کشتار مقامات، ارتشی‌ها، کارآفرینان و نخبگان ایرانی در نخستین روزهای پیروزی انقلاب ۵۷ به بهانه همکاری یا اشتغال در دروان پهلوی، تا اعدام اعضا و هواداران گروه‌های سیاسی مخالف و منتقدان نظام در دهه شصت و همچنین اعدام متهمان پرونده‌های کیفری مانند قتل و مواد مخدر، «اعدام» مهمترین «راهکار» نظام برای مواجهه با مشکلات است! برای نمونه در گزارشی از سوی سازمان عفو بین‌الملل اعلام شده جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۱ میلادی ۳۱۴ نفر را به چوبه دار سپرده است. اعدام شهروندان معترضی که در اعتراضات خیابانی شرکت داشتند اما یکی از وحشیانه‌ترین انواع برخورد با تظاهرات مسالمت‌آمیز است.

از سوی دیگر شمار قابل توجهی از بازداشت‌شدگان نیز در مرگ‌های مشکوک که غالبا «خودکشی» یا «مسمومیت» و «سکته» قلمداد می‌شوند، جان خود را در زندان و یا به فاصله چند روز در آزادی از دست داده‌اند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرده که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

اقدامات لازم اما ناکافی در برابر بازداشت‌های انبوه

شکنجه، اعدام و مرگ مشکوک بازداشت‌شدگان و همچنین نمایش «وحشت‌آفرینی» با بازداشت‌های انبوه همگی نشان می‌دهد که تمرکز بر آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی به عنوان یکی از محورهای این مبارزه ملّی ضرورت دارد. در همین رابطه سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ابزاری برای «انتقام‌جویی» مقامات از مردم این کشور است.

همزمان در هفته‌های گذشته تلاش‌های زیادی از سوی فعالان سیاسی، صنفی و جامعه بین‌الملل در واکنش به بازداشت گسترده، اعدام و شکنجه شهروندان انجام شده از جمله صدها پیام و بیانیه از سوی نهادهای رسمی و فعالان مدنی و سیاسی و صنفی علیه اعدام و بازداشت و شکنجه صادر شده است.

مقامات بسیاری از کشورهای غربی با انتشار پیام‌هایی کوتاه در شبکه‌های اجتماعی و یا اظهاراتی در رسانه‌ها و از تریبون‌های رسمی به جمهوری اسلامی هشدار دادند که به سرکوب شهروندان معترض پایان دهد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در اقدامی کم‌سابقه رأی به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب برای پیگیری کشتار و سرکوب معترضان در ایران داد.

برخی دولت‌های اروپایی نیز با احضار سفرای جمهوری اسلامی به آنها هشدار داده‌اند و یا مخالفت و انزجار خود را از سرکوب شهروندان بی‌گناه اعلام کردند. همچنین نمایندگان پارلمان در چند کشور از جمله فرانسه نسبت به این سرکوب‌ها واکنش‌های رسمی نشان دادند.

ده‌ها نماینده پارلمان در کشورهای اروپایی نیز کفالت سیاسی معترضانی را که در خطر اعدام قرار داشته یا با اتهامات سنگین روبرو هستند پذیرفتند؛ اقدامی کم‌سابقه که با هدف مسئولیت‌پذیری و فشار مضاعف بر جمهوری اسلامی انجام می‌شود.

«کفالت سیاسی» که الزام قضائی ندارد به عنوان یک اقدام سیاسی برای حمایت از زندانیانی که با اتهامات و احکام سنگین روبرو هستند نخستین بار در مجلس آلمان و برای حمایت نمایندگان پارلمان دیگر کشورها مطرح شد و به پیشنهاد دولت وقت آلمان در سال ۲۰۰۳ در کمیسیون حقوق بشر پارلمان این کشور به تصویب رسید. اما این کفالت به معنای حمایت اخلاقی از افراد است و سبب تعهد و الزام حقوقی برای هیچکدام از طرفین نمی‌شود. از همین رو جمهوری اسلامی به آن اعتنایی نکرده و با وجود همه هشدارها و تلاش‌های بین‌المللی، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی دو جوان ۲۳ و ۳۸ ساله را با وجود داشتن کفیل سیاسی در بی‌خبری خانواده و حتی بدون اطلاع وکلای تعیینی به دار آویخت! یعنی کفالت سیاسی به تنهایی نمی‌تواند زندانیان را از خطر نجات دهد.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی به عنوان یکی از سرکوبگرترین حکومت‌های تاریخ ایران و جهان، هیچ اهمیتی به اقدامات حقوق بشری و اخلاقی مرسوم در اینسوی جهان نمی‌دهد. در حالی که فعالان حقوق بشری و سیاسی و حتی نمایندگان پارلمان‌ها در کشورهای غربی مدام در حال واکنش هستند و شهروندان با راه‌انداختن توفان توئیتری و ترند کردن نام زندانیان در خطر، برای نجات جان آنها تلاش می‌کنند، مقامات خونریز جمهوری اسلامی نه تنها حکم اعدام صادر و اجرا می‌کنند بلکه از تریبون‌های رسمی از این جنایت دفاع نیز کرده و شهروندان معترض را سزاوار چوبه دار و قطع دست و پا می‌دانند.

در چنین شرایطی آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی یکی از حلقه‌های مهم انقلاب ملی ایران است که می‌تواند چرخ خونریز جمهوری اسلامی را متوقف سازد. این کار به سازماندهی و ابزار مؤثر برای جلب و تمرکز افکار عمومی داخل و خارج و دولت‌های غربی و رسانه‌های بین‌المللی نیاز دارد. در خارج کشور جامعه مهاجران ایرانی در چهار ماه گذشته به شکل هماهنگ و پیوسته با مردم درون کشور همراهی کرده است. در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی چهارشنبه ۲۱ دی در توییتی به اشاره به این موضوع مهم و همچنین سامان یاسین هنرمند رپ که با خطر اعدام روبروست اشاره کرده و نوشته است: «همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط و فورا آزاد شوند.»

در این میان، روشن است که استفاده از ظرفیت ایرانیان درون و خارج کشور برای پیشبرد انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی نیاز به سازماندهی کارآمد دارد و این سازماندهی با فعالیت جریانات و نیروهای متشکل که اهداف و برنامه شفاف سیاسی دارند کاملا امکانپذیر است. در همین ارتباط، طی روزهای گذشته حزب «ایران نوین» اعلام موجودیت کرده و «انجمن‌های مشروطه» در خارج کشور با هدف تشکیل «سازمان مشروطه ایران» آغاز به کار کرده‌اند. این تشکل‌های سیاسی نوپا که با تکیه بر میراث حقوقی و دستاوردهای اجتماعی و تجارب سیاسی تاریخ معاصر ایران و با حضور نسل‌های جوان فعال شده‌اند از یکسو مرحله دیگری از به میدان آمدن نیروهای متشکل برای مبارزه در راه آزادی از جمله آزادی هزاران زندانی سیاسی را به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر برای هماهنگی در فعالیت‌های جدی و مؤثر جهت پیروزی انقلاب ملی ایران امید می‌آفرینند.

روشنک آسترکی



بیانیه هفته‌نامه «شارلی ابدو»:

ملاها از کاریکاتورهای خامنه‌ای احساس خطر کردند؛ حسین سلامی: انتقام می‌گیریم!



نشریه فرانسوی شارلی ابدو برای دومین
هفته پیاپی کاریکاتور ملاها و خامنه‌ای را منتشر که با واکنش فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روبرو شد

سردار پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریریه نشریه فرانسوی شارلی‌ابدو را به دلیل کشیدن کاریکاتورهای خامنه‌ای به انتقام تهدید کرده و با بی‌شرمی و وضوحی بی‌نظیر گفته است: «مسلمانان دیر یا زود انتقام خواهند گرفت و ممکن است شما انتقام‌گیرندگان را بازداشت کنید، اما مردگان دیگر زنده نمی‌شوند!» در هفتم ژانویه ۲۰۱۵ شماری از همین «مسلمانان» مورد نظر حسین سلامی به دفتر این نشریه در پاریس حمله کرده و ده‌ها تن را کشته و زخمی کردند چرا که کاریکاتورهایی از محمد منتشر کرده بود.

دو هفته پیش، تصویر روی جلد این نشریه (اولین شماره ژانویه ۲۰۲۳) زنی برهنه با موهای افشان بود که در مقابل ملاهای فرتوت پاهای خود را گشوده و به آنان می‌گوید: «برگردید به همانجایی که از آن بیرون آمدید». کنایه‌ای از این حقیقت که ملایان ضدزن نیز از زهدان زنان پای به جهان گذاشته‌اند! حالا در روی جلد شماره تازه این نشریه همان ملاها در حالی که توسط زن دفع می‌شوند، می‌گویند: «یک هفته طول کشید تا راه خروج را پیدا کنیم!» این نشریه همچنین تیتر زده است: «واضح است که ملایان چیزی از زنان نمی‌فهمند!»

در بخشی از بیانیه ۱۱ ژانویه نشریه شارلی‌ابدو که وبسایت آن مورد حملات مداوم هکرها قرار گرفته، در حمایت از خیزش مردم ایران آمده «آخوندها آرزوها و امیال جوانان ایران را سرکوب می‌کنند زیرا هرگز نسبت به امیال خود متعهد نبوده‌اند. آنچه در ایران می‌گذرد فقط یک انقلاب دموکراتیک نیست، شورش تمایلات و میل به لذت زندگی است. محکومین به اعدام که در تهران به دار آویخته شده‌اند، زنان یا مردان سن و سال‌دار نیستند که زندگی پرشوری را پشت سر گذاشته باشند. آنها جوانانی هستند، در سپیده‌دم زندگیشان، سرشار از امید و آرزو. هیجان نوحه و عزاداری آخوندها هرگز تاب به چالش کشیدن شور شادمانه‌ی جوانان ایران را ندارد.»

همزمان با انتشار سری دوم کاریکاتورهای علی خامنه‌ای و ملاها در هفته‌نامه فرانسوی «شارلی ابدو» لوران سوریسو (ریس) سردبیر این هفته‌نامه در ایمیلی به خوانندگان و مشترکان این نشریه از «حملات وسیع کامپیوتری» به فروشگاه اینترنتی این هفته‌نامه خبر داد.

در این ایمیل آمده است: «اولویت ما مسدود کردن وبسایت، مراجعه به پلیس و تنظیم شکایت بود. تحقیقات به منظور کشف منشاء، وسعت و میزان تاثیر این حملات بلافاصله آغاز شد. ما تنها می‌توانیم از شما بخواهیم که هنگام دریافت ایمیل‌های مشکوک بسیار احتیاط کنید، زیرا به نظر می‌رسد که مهاجمان موفق به بازیابی اطلاعات شخصی مشترکان، مشتریان و فروشگاه ما شده‌اند.»

ریس با توجه به اطلاعات موجود می‌گوید که هیچگونه اطلاعاتی مربوط به حساب‌های بانکی که از وبسایت خرید کرده‌اند، به سرقت نرفته است. وی همچنین به خوانندگان و مشترکان شارلی ابدو توصیه می‌کند که اگر در وبسایت دیگری رمز عبوری مشابه رمز عبور حساب کاربری خود در وبسایت این هفته‌نامه دارند، آن را تغییر دهند و می‌افزاید: «به شما اطمینان می‌دهیم که برای حل این مشکل هرچه می‌توانیم انجام دهیم. فروشگاه وبسایت نیز با اقدامات امنیتی تقویت شده و بار دیگر در دسترس است.»

در این میان، سردار پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریریه نشریه فرانسوی شارلی‌ابدو را به دلیل کشیدن کاریکاتورهای خامنه‌ای به انتقام تهدید کرده و با بی‌شرمی و وضوحی بی‌نظیر گفته است: «مسلمانان دیر یا زود انتقام خواهند گرفت و ممکن است شما انتقام‌گیرندگان را بازداشت کنید، اما مردگان دیگر زنده نمی‌شوند!» در هفتم ژانویه ۲۰۱۵ شماری از همین «مسلمانان» مورد نظر حسین سلامی به دفتر این نشریه در پاریس حمله کرده و ده‌ها تن را کشته و زخمی کردند چرا که کاریکاتورهایی از محمد منتشر کرده بود.

دو هفته پیش، تصویر روی جلد این نشریه (اولین شماره ژانویه ۲۰۲۳) زنی برهنه با موهای افشان بود که در مقابل ملاهای فرتوت پاهای خود را گشوده و به آنان می‌گوید: «برگردید به همانجایی که از آن بیرون آمدید». کنایه‌ای از این حقیقت که ملایان ضدزن نیز از زهدان زنان پای به جهان گذاشته‌اند! حالا در روی جلد شماره تازه این نشریه همان ملاها در حالی که توسط زن دفع می‌شوند، می‌گویند: «یک هفته طول کشید تا راه خروج را پیدا کنیم!» این نشریه همچنین تیتر زده است: «واضح است که ملایان چیزی از زنان نمی‌فهمند!»

همچنین هفته‌نامه شارلی ابدو امروز چهارشنبه ۱۱ ژانویه در بیانیه‌ای که به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه منتشر کرده، با مقایسه حمله هکرها با حملات مرگبار و تروریستی هشت سال پیش به دفتر این نشریه نوشت: «این حملات به احتمال قوی توسط جمهوری اسلامی ایران انجام شده. شارلی ابدو را باید به هر طریقی ساکت کنند حالا یا با گلوله یا از طریق هکرها. حتی اگر این حملات فقط مربوط به یک وبسایت باشد، یعنی مربوط به یکسری اعداد، فرمول‌های ریاضی و الگوریتم‌ها، باز هم در تیررس بودن اینهمه تعصب، احساس نسبتا عجیبی در انسان ایجاد می‌کند. تقریباً انگار همان حس و حال دشوار ۷ ژانویه ۲۰۱۵ را داشتیم. احساسی که انتقال آن به دیگران بسیار دشوار بود.»

بیانیه شارلی ابدو می‌افزاید «یک حمله سایبری باعث مرگ کسی نمی‌شود، اما طنین این مرگ را یادآور می‌شود. یعنی رژیم آخوندها آنقدر احساس خطر کرده که حمله کردن به وبسایت یک روزنامه فرانسوی را برای موجودیت خود حیاتی می‌داند. از یکسو این برای ما افتخار است و از سوی دیگر به ویژه بیانگر شواهدی است که نشان می‌دهد، نسبت به قدرت خود احساس تزلزل و شکنندگی می‌کند.»

این نشریه در بیانیه خود با انتقاد از حکومت اسلامی در ایران چنین تحلیل می‌کند: «آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد، یک توهم بود، توهم جامعه‌ای که تماماً توسط دین اداره شود. ارعاب و سرکوب توانست این باور را به وجود بیاورد که این آرمانشهر مذهبی موفق بوده است اما در عمل، در پشت حجاب‌ها و اعدام‌های علنی، خواست‌های حقوقی و انگیزه‌های حیاتی می‌جوشید که دیگر نمی‌شد آنها را برای همیشه خفه کرد. آخوندها از میل و علاقه و اشتیاق چه می‌فهمند؟ احتمالا چیز زیادی از این مفاهیم درک نمی‌کنند. وسواس فکری و تنها لذت آنها در کنترل کردن دیگران است و برای این کار باید بترسانند، محدودیت و ممنوعیت ایجاد کنند و دست به سرکوب بزنند. آنها قادر نیستند به همنوعان خود در جهت شکوفایی کمکی بکنند زیرا خودشان نیز شکوفا نیستند. وقتی که به دست خودتان، خویشتن را در چنین بن‌بستی قرار داده‌اید، تنها راه نجات این است که دیگران را مجبور کنید تاوان سرخوردگی‌ها و شکست‌های شما را بپردازند. آخوندها آرزوها و امیال جوانان ایران را سرکوب می‌کنند زیرا هرگز نسبت به امیال خود متعهد نبوده‌اند. آنچه در ایران می‌گذرد فقط یک انقلاب دموکراتیک نیست، شورش تمایلات و میل به لذت زندگی است. محکومین به اعدام که در تهران به دار آویخته شده‌اند، زنان یا مردان سن و سال‌دار نیستند که زندگی پرشوری را پشت سر گذاشته باشند. آنها جوانانی هستند، در سپیده‌دم زندگیشان، سرشار از امید و آرزو. هیجان نوحه و عزاداری آخوندها هرگز تاب به چالش کشیدن شور شادمانه‌ی جوانان ایران را ندارد.»

هفته گذشته پس از انتشار نخستین کاریکاتورهای ملاها در هفته‌نامه شارلی ابدو، آخوندها و بسیجی‌ها در مقابل سفارت فرانسه و چند حوزه علمیه در قم و تهران و شهرهای دیگر تجمع کردند و علیه این کشور شعار دادند.

پیام روس‌ها به جمهوری اسلامی: آمریکا و اروپا سراغ «پلان B» رفته‌اند

● روزنامه دولتی «ایران» با خوش‌خیالی نسبت به این توهم عجیب که گویا اعتراضات مردم ایران برای امتیاز گرفتن غرب در «احیای برجام» است، در گزارشی با اشاره به صحبت‌های اولیانوف نوشته است «آشوب‌های خیابانی» و «هدایت اغتشاشات» یکی از موارد «پلان B» است تا بتواند فضای گسترده‌تری در شورای حکام اژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند!

● ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه رژیم و سایر مقامات نظام با وجود تکذیب مقامات آمریکایی مدام ادعا می‌کنند که آمریکا پشت پرده برای توافق اتمی پیام می‌فرستد اما میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی وین هشدار داده است که آمریکایی‌ها سراغ «پلان B» رفته‌اند و برای همین است که ادعای انتقال پهپاد از سوی جمهوری اسلامی به روسیه را برای متوقف کردن مذاکرات برجام مطرح می‌کنند که به نظر وی یک اشتباه بزرگ است!

● بعضی رسانه‌های داخلی در ایران نیز بر اساس همان توهم خوش‌خیالانه نوشته‌اند که غرب به دنبال برجام دو و سه (برجام موشکی و منطقه‌ای) است. ولی برخی دیگر در مورد زمینه‌سازی غرب برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند.

● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به «اسرائیل هیوم» گفته است که «برجام چند ماه است در دستور کار قرار نگرفته و دیگر تمرکز اصلی دولت مذاکرات نیست و تمرکز بر ایستادن در کنار ایرانی‌ها و حمایت از مبارزه آنها برای آزادی‌های اساسی و مقابله با تعمیق همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بر سر جنگ اوکراین است».

● جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اواخر مهرماه ۱۴۰۰ به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بود تا فرصت هست تن به توافق بدهند وگرنه گزینه بعدی یا همان «پلان B» چیز خوبی نیست! اشاره او به احتمال تشدید تحریم‌ها و اقدام نظامی بود.



نمایش عمومی موشک «عماد» ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / اردیبهشت ۱۴۰۱

در شرایطی که مذاکرات اتمی ماه‌ها پیش از آغاز خیزش انقلابی در ایران متوقف شده بود پس از تداوم و گسترش تظاهرات مردم ایران برای آزادی و علیه جمهوری اسلامی، غربی‌ها به ویژه مقامات دولت آمریکا و آلمان رسماً اعلام کردند دیگر مذاکرات با جمهوری اسلامی برای آنها در اولویت نیست و روی اعتراضات مردم ایران و حمایت از صدای آزادیخواهان متمرکز شده‌اند.

اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ وقتی مقامات ارشد جمهوری اسلامی برای مذاکره با غرب پیام می‌فرستادند، روزنامه کیهان تهران در گزارشی نوشت اگر «ایران برای مذاکره دو ماه صبر کند، زمستان سرد و سیاه خواهد رسید و اشک اروپا درخواهد آمد و به ایران در احیای برجام بیشتر امتیاز می‌دهند.»

محمد مرندی مشاور ارشد تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی و پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای ادعا می‌کرد «جمهوری اسلامی صبور است و زمستان نزدیک است و اروپا با بحران انرژی فلج کننده مواجه است.»

البته زمستان سرد فرا رسید اما نه در اروپا بلکه برای جمهوری اسلامی! اروپا نه تنها با کمبود گاز و منابع انرژی روبرو نشده بلکه کمبود گاز در خود ایران آنقدر بحرانی شده که گاز ده‌ها نیروگاه و کارخانه صنایع سنگین و سازمان دولتی قطع شد و کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها شروع به سوزاندن مازوت کردند و آلودگی هوا را به حداکثر رساندند. بعلاوه کمبود بنزین و گازوئیل از یکسو و رسیدن قیمت دلار به ۴۳ هزار تومان وضعیت نظام را بسیار دشوارتر کرد. اما همه اینها پیامد یک مسئله مهم‌تر است: خیزش سراسری در ایران علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی که با وجود سرکوب گسترده با بیش از ۵۵۰ کشته و اجرای حکم اعدام علیه معترضان زندانی، همچنان تداوم دارد.

ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه رژیم و سایر مقامات نظام با وجود تکذیب مقامات آمریکایی مدام ادعا می‌کردند آمریکا پشت پرده برای توافق اتمی پیام می‌فرستد اما حالا میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی وین هشدار داده است که آمریکایی‌ها سراغ «پلان B» رفته‌اند و برای همین است که ادعای انتقال پهپاد از سوی جمهوری اسلامی به روسیه را برای متوقف کردن مذاکرات برجام مطرح می‌کنند که البته به نظر وی یک اشتباه بزرگ است!

حالا دیگر این فقط رابرت مالی مسئول امور ایران وزارت خارجه آمریکا یا ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده نیستند که از «توقف مذاکرات» می‌گویند بلکه نماینده روس‌ها نیز ناکام ماندن احیای برجام را تأیید می‌کند. کسی‌که همواره طرفدار دوآتشه‌ی آن بوده است!

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اواخر مهرماه ۱۴۰۰ به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بود تا فرصت هست تن به توافق بدهند وگرنه گزینه بعدی یا همان «پلان B» چیز خوبی نیست! اشاره او به احتمال تشدید تحریم‌ها و اقدام نظامی بود.

در این میان، روزنامه دولتی «ایران» با خوش‌خیالی نسبت به این توهم عجیب که گویا اعتراضات مردم ایران برای امتیاز گرفتن غرب در «احیای برجام» است، در گزارشی با اشاره به صحبت‌های اولیانوف نوشته است «آشوب‌های خیابانی» و «هدایت اغتشاشات» یکی از موارد «پلان B» است تا بتواند فضای گسترده‌تری در شورای حکام اژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند!

این روزنامه می‌افزاید ادعای همکاری نظامی جمهوری اسلامی و روسیه در جنگ با اوکراین بهانه دیگری برای توقف مذاکرات اتمی از سوی سه قدرت اروپایی و آمریکاست.

مقامات جمهوری اسلامی اصرار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای پاسخگو کردن رژیم ایران در مورد علت آثار ذرات اورانیوم کشف شده در سه سایت اعلام نشده را هم «توطئه اسرائیل» با همکاری رافائل گروسی مدیرکل آژانس می‌دانند.

بعضی رسانه‌های داخلی در ایران نیز بر اساس همان توهم خوش‌خیالانه نوشته‌اند که غرب به دنبال برجام دو و سه (برجام موشکی و منطقه‌ای) است. ولی برخی دیگر در مورد زمینه‌سازی غرب برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند. همزمان شمار دیگری از عوامل جمهوری اسلامی نزدیک به جریان «اصلاح‌طلب» معتقدند روسیه در جریان مذاکرات اتمی به جمهوری اسلامی خیانت کرد و به خاطر منافع خودش مانع توافق اتمی شد.

در چنین شرایطی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به «اسرائیل هیوم» گفته است که «برجام چند ماه است در دستور کار قرار نگرفته و دیگر تمرکز اصلی دولت مذاکرات نیست و تمرکز بر ایستادن در کنار ایرانی‌ها و حمایت از مبارزه آنها برای آزادی‌های اساسی و مقابله با تعمیق همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بر سر جنگ اوکراین است.»

«انجمن‌های مشروطه» در تدارک تشکیل «سازمان مشروطه ایران»؛ نشست «انجمن مشروطه آلمان» در شهر کلن

● این نشست با حضور بیش از ۱۳۰ تن از فعالان مشروطه‌خواه و ملی‌گرا در شهر کلن برگزار شد. فرخنده مدرسی، حجت کلاشی، امید اکرمی و شیدا تهرانی سخنرانان این نشست بودند.

● حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه در این نشست با اعلام آغاز سازماندهی رسمی «انجمن مشروطه آلمان»، از راه‌اندازی و فعالیت انجمن‌های مشروطه در چند کشور دیگر طی آینده نزدیک خبر داد.

● فرخنده مدرس: ما وقتی بر رژیم اسلامی چیره خواهیم شد که ایران حفظ شود، تا بتوانیم، تا جوانان و آیندگان ما بتوانند، آن سرزمین را بر بستر آرامش، ثبات، امنیت، آزادی و پویایی و در مسیر رشد و ترقی شکوفایی به پیش ببرند.

● امید اکرمی: «جانم فدای ایران» از اصلی‌ترین شعارهای آن و برافراشتن درفش ملی در ده‌ها نقطه و به ویژه در تجمات مشخصه‌ی بی‌سابقه‌ی آن است. اینجا جاییست که ایستاده‌ایم: «در میانه‌ی جنبشی ملی برای پس گرفتن وطن و اعاده‌ی حاکمیت قانون».

● شیدا تهرانی: وقتی ما از نظام پادشاهی مشروطه دفاع می‌کنیم فقط از یک شخص یا خاندان دفاع نمی‌کنیم، از نظام و قانون اساسی دفاع می‌کنیم. از دوران رشد و شکوفایی که تحت این نظام سیاسی امکانپذیر شد دفاع می‌کنیم. از تاریخ و سنت و فرهنگ ایران دفاع می‌کنیم.

● حجت کلاشی: مبارزه‌ی اصلی در ایران صورت می‌گیرد. تمام کوشش‌های سازمان مشروطه‌ی ایران معطوف به پیشرفت مبارزه در داخل خواهد بود. ساختار رهبری مبارزات و کارهای بیرون را به مبارزات داخل ایران پیوند خواهد زد. سازمان در بیرون به شرطی زنده خواهد ماند و خواهد بالید که به صورت پیوسته و هماهنگ با مبارزات سازمان در داخل پیش برود. مبارزات ما نمی تواند فصلی و تابعی از موج هیجان باشد. ایرانیانی که می‌خواهند برای این هدف فداکاری کنند باید در درون سازمان خود را متشکل کنند و گام‌های سنجیده و اندیشیده را جایگزین تندروی در کلام و انفعال در عمل کنند. نیروهایی که در کنار ایران ایستاده‌اند باید توان خود را صرف کوشش‌های پیگیر و روزانه در راستای اهداف سازمان کنند و سازمان را به موجودی شایسته برای راهبری مبارزات ملی تبدیل کنند.

جمعی از مشروطه‌خواهان ساکن خارج از ایران روز یکشنبه هشتم ژانویه ۲۰۲۳ برابر با ۱۸ دی ۱۴۰۱ خورشیدی نشستی در شهر کلن آلمان برگزار کردند. در این نشست با اعلام آغاز به کار رسمی «انجمن مشروطه آلمان»، اعلام شد به زودی انجمن‌های مشروطه در چند کشور از جمله بریتانیا، فرانسه، کانادا و ایالات متحده نیز تأسیس خواهد شد و در پی آن «سازمان مشروطه ایران» شکل خواهد گرفت.

حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه در این نشست با اعلام آغاز سازماندهی رسمی «انجمن مشروطه آلمان»، از راه‌اندازی و فعالیت انجمن‌های مشروطه در چند کشور دیگر طی آینده نزدیک خبر داد. او در سخنانی گفت از درون فعالیت انجمن‌های مشروطه، یک کنگره عمومی برای تأسیس سازمان مشروطه تشکیل خواهد شد.

او تأکید کرد برعکس آنچه تا کنون مرسوم بوده، سازمان مشروطه از پایین به بالا، و به سوی ساخت هرم رهبری، پیش خواهد رفت؛ تأسیس سازمان حاصل چنین روند پویایی خواهد بود و نه یک حرکت خلق‌الساعه و چند نشست و برخاست میان چهره‌های سیاسی.


نشست انجمن مشروطه آلمان

این نشست با حضور بیش از ۱۳۰ تن از فعالان مشروطه‌خواه و ملی‌گرا در شهر کلن برگزار شد. فرخنده مدرسی، حجت کلاشی، امید اکرمی و شیدا تهرانی سخنرانان این نشست در بخش نخست بودند.

آزاده خواجوی فعال مشروطه‌خواه و دبیر جلسه «انجمن نشست مشروطه آلمان» در سخنانی گفت: « آنچه امروز از سوی این زنان و مردان، از سوی نوباوگان و جوانان، در ایران در جریان است حاصل سال‌ها تلاش افرادی است که در ۴۳ سال گذشته در درون و خارج از کشور چراغ ایرانخواهی را برافروختند و با تلاش بی‌دریغ، بذر وطن‌دوستی را کاشتند و نگذاشتند جمهوری اسلامی از ملت ایران، اُمت‌سازی کند و یکپارچگی کشور قربانی خواست انقلابیون ۵۷ شود.»

او همچنین در بخش دیگری از نشست با نام بردن از آرسام محمودی، آرش کیخسروی و دیگر فعالان مشروطه‌خواه که در جریان خیزش ملی بازداشت شده‌اند، و همچنین یادآوری از دیگر هموطنانی که در هفته‌های گذشته بازداشت شده و جان باختند، گفت که «سال‌هاست دوستان و همرزمان ما در ایران، زیر سنگین‌ترین فشارهای امنیتی و قضایی، چراغ مشروطه‌خواهی را برافراشته و با وجود همه گزندهایی که دیدند، و هر آنچه در روند عادی زندگی و تحصیل و کار از آنها دریغ شد، پای ایران ایستاده‌اند.»

دکتر شیدا تهرانی دانش‌آموخته رشته فیزیک و فعال سیاسی مشروطه‌خواه که از کپنهاگ دانمارک در این نشست حاضر بود در سخنانی به ویژگی‌ها و تجربه درخشان بیش از نیم قرن نظام پادشاهی مشروطه در ایران اشاره کرد و گفت: «وقتی ما از نظام پادشاهی مشروطه دفاع می‌کنیم فقط از یک شخص یا خاندان دفاع نمی‌کنیم، از نظام و قانون اساسی که آزمایش‌اش را به خوبی پس داده دفاع می‌کنیم. از دوران رشد و شکوفایی که تحت این نظام سیاسی امکانپذیر شد دفاع می‌کنیم. از تاریخ و سنت و فرهنگ ایران دفاع می‌کنیم. ایران یک برگه سفید نیست که هر کس هر نقشی دوست داشت بر آن بیاندازد.»

دکتر شیدا تهرانی همچنین به الگوهای نظام‌های پادشاهی مشروطه در جهان از جمله نروژ و دانمارک اشاره کرد که دو نمونه از نظام‌های سیاسی پایدار، کارآمد و دمکراتیک هستند. او همچنین گفت در ایرانِ پیش از انقلاب ۵۷ نیز همه شهروندان با هر دین و باوری از حقوق برابر برخوردار بودند؛ حجاب اجباری نبود و موسیقی و نوشیدن الکل مجاز بود. کلیمی، ارمنی، بهایی و زرتشتی آزادانه کار و تحصیل و زندگی می‌کردند و از حقوق متساوی با اکثریت مسلمان برخوردار بودند.»


حجت کلاشی

دکتر امید اکرمی جراح ارتوپد و فعال سیاسی مشروطه‌خواه که از شهر فرانکفورت در این نشست حضور داشت در ابتدای سخنرانی خود با توجه به آغاز خیزش ملّی ایرانیان در چهار ماه گذشته و همچنین مبارزات ملی که یکی از نقاط عطف آن در هفتم آبان ۱۳۹۵ در حضور چند هزار نفره شهروندان در پاسارگاد آغاز شد و تا کنون به اشکال و در دوره های مختلف ادامه داشته، این پرسش را مطرح کرد که «امروز در کدام مرحله از مبارزه قرار داریم و نقش و جایگاه دیاسپورای ایرانی یا ایرانیان در تبعید در این مرحله چیست؟»

او در ادامه سخنرانی خود گفت که «خیزش انقلابی کنونی در ۱۱۴ روز گذشته، اوج‌گیری همین جنبش ملی است. «جانم فدای ایران» از اصلی‌ترین شعارهای آن و برافراشتن درفش ملی در ده‌ها نقطه و به ویژه در تجمات مشخصه‌ی بی‌سابقه‌ی آن است. اینجا جاییست که ایستاده‌ایم: «در میانه‌ی جنبشی ملی برای پس گرفتن وطن و اعاده‌ی حاکمیت قانون». اما ابداً نباید گمان کنیم روندی که تا کنون چنین مثبت بوده قطعا و فارغ از آنکه به چه راهی رویم، نتیجه‌ای مثبت خواهد داشت. بجز جناح‌های مختلف حکومت که در پی بازیابی خود و آرایش دوباره‌ی مهره‌هایشان در داخل و خارج از کشور هستند، آندسته از نیروهای مرتجع و بی‌وطن ۵۷ که نتوانستند سهمی از حاکمیت داشته باشند نیز با تمام توان می‌کوشند با سلبِ ماهیت ملی این جنبش، جایی برای خود در نظم یا بی‌نظمی آینده‌ی ایران باز کنند.»

او در بخش دیگری از سخنان خود افزود که «برای این مبارزه اولاً احتیاج داریم همه‌ی این شهود ملی که از آن گفتم را به شکلی نظری صورتبندی کنیم. دوماً باید تشکیلاتی برای ایجاد هماهنگی در اعتراضات، اعتصابات و اشکال دیگر مبارزه ایجاد کنیم سوماً احتیاج به رهبری داریم تا موجودیت این جنبش را نمایندگی کند. تنها به کمک این سه وجه یعنی اندیشه، تشکیلات و رهبری است که می‌توانیم با ایجاد تصویری نسبتاً روشن از آینده، ادامه‌ی حرکت جنبش را ممکن کنیم.»

فرخنده مدرس نویسنده و پژوهشگر مشروطه‌خواه نیز در سخنانی تأکید کرد که «بزرگترین سپاس و قدردانی‌مان از بخت بلندیست که به ما فرصت داد تا بار دیگر سربلندی ایران را، به خاطر داشتن فرزندان، جوانان و ایراندخت‌های دلاورش تجربه کنیم، هرچند که بهای این تجربه بسیار سنگین است و از آن غمی سنگین‌تر بر دل‌ها نشسته است. به‌رغم این ما برآورده شدن انتظاری را سپاس می‌داریم که سال‌های سال آرزومند و امیدوارش بودیم. ما سال‌ها بود که در انتظار آمدن نسل‌های دلبسته ایران بودیم، انتظار برآمدن نسل‌های تازه‌ای که دوستدار ایرانند، برخلاف آن نسل‌های انقلاب پنجاه و هفتی که عموماً قدرناشناس و ناسپاس میهن خود بودند، نسلی که ما خود به آن تعلق داشتیم و آن زمان در جرگه جوان‌ترین‌هایشان بودیم.»

فرخنده مدرس در بخش دیگری از سخنانش گفت: «دلبستگی و مهر به ایران بود، همان مهری که امروز فرزندان دلیرمان را در خاک کشور و برای زندگی و آزادی و برای پس گرفتن ایران به کارزار کشانده، همین دلبستگی که همه ما را امروز در اینجا گرد آورده، همین مهر و دلبستگی در سی و پنج سال پیش مانع از آن شد، که ما سرخورده و ناامید شویم و کمر خم کنیم. ما نیک‌بخت بودیم که توانستیم در تبعید، یکبار دیگر، و اینبار به نام نامی ایران، دوباره قد راست کنیم.»

فرخنده مدرس افزود که «اگر امروز هر یک از ما بتواند مسئولیت‌پذیری و پویایی فردی و جمعی خود را با حقیقت بزرگتری، با ماهیت برتری به عنوان ایران پیوند زند، اگر ما بتوانیم در راه مبارزه علیه رژیم اسلامی و در راه رهایی کشورمان و در راه سعادت ملت‌مان، تلاش‌های فردی و جمعی‌مان را به یکدیگر و با درون گره بزنیم، و بر رژیم اسلامی چیره شویم، آنگاه بی‌تردید، خواهیم توانست انسان‌های مفیدتری در خدمت به انسانیت در جهان نیز باشیم. زیرا جهان، با ایرانِ بدون رژیم اسلامی دنیای بهتری خواهد بود. بنابراین، اینهم به سود تک تک ما، هم به سود ایران‌مان و هم به سود جهانیان خواهد بود.»

فرخنده مدرس افزود که «تلاش برای تحقق پیروزی، بعد از چیرگی بر رژیم اسلامی، به باور ما، مسئولیتی‌ست به مراتب سنگین‌تر. به عبارت دیگر ما وقتی بر رژیم اسلامی چیره خواهیم شد که ایران حفظ شود، تا بتوانیم، تا جوانان و آیندگان ما بتوانند، آن سرزمین را بر بستر آرامش، ثبات، امنیت، آزادی و پویایی و در مسیر رشد و ترقی شکوفایی به پیش ببرند. آمادگی برای آن پیروزی اصلی، از همین امروز باید فراهم گردد. و به نظر ما اینجاست که آن شالوده فکری و زمین استوار دستاوردهای این ملت به یاری پیکار ملی ما خواهد آمد و به کار پیکارگران جوان‌مان در آینده خواهد خورد.»

فرخنده مدرس در بخش دیگری از سخنرانی خود تأکید کرد: «ما به عنوان کسانی که دفاع از افکار مشروطه‌خواهی با مقدمه دفاع از ایران را از سه دهه و اندی پیش آغاز کردیم، یعنی زمانی که کمترین رویکردی به مشروطیت و دفاع از تداوم آن در دوره دو پادشاه فقید پهلوی، حداقل در بیرون، انزوا و تنهایی سیاسی در غربت را برای ما سنگین‌تر می‌کرد، هنوز هم بر این باوریم که ایستادن بر ایده بازگشت به مشروطه پادشاهی و دفاع از دستاوردهای آن یکی از دشوارترین کارهاست. زیرا مشروطه پادشاهی در ایران تجربه‌ای تحقق یافته است و با همه درخشش آن، اما می‌دانیم که نگاه‌های خرده‌گیر و مخالف تنها به نقاط قوت آن دوخته نمی‌مانند. علاوه بر این، به باور ما، گفتن هیچ نیم‌حقیقتی یا دفاع از سر ناآگاهی یا نیم‌آگاهی شایسته ایده مشروطه پادشاهی نیست.»

در این نشست حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه نیز طی توضیحاتی درباره ایده و شیوه فعالیت انجمن‌های مشروطه، با بیان اینکه دفتر انجمن مشروطه به زودی طی نشست دیگری افتتاح خواهد شد و مقدمات تأسیس انجمن‌های مشروطه در چند کشور دیگر از جمله آمریکا، کانادا، فرانسه و بریتانیا نیز فراهم شده است، گفت تمام انجمن ها در قالب سازمان مشروطه که سازمان مبارزه است هویت واحد داشته و به صورت یکپارچه به عنوان سازمان مشروطه ی ایران عمل خواهند کرد.

حجت کلاشی با برشمردن اصول مشخص شده برای «انجمن‌های مشروطه» گفت که «سازمانِ مبارزه با احزابی که در کشورهای دموکراتیک وجود دارند و برای رفتن به پارلمان یا تصاحب مناصب رقابت می کنند متفاوت است. سازمان ما برای بازگرداندن حق حاکمیت به ملت، همراه با مردم مبارزه می کند. بنابراین نیاز به سازمانی است که بتواند این پیروزی را برای ملت ممکن کند. این سازمان باید پیشاهنگ و راهنمای حرکت و مبارزه ی مردم باشد. سازمان باید با برنامه‌های روشن و فداکاری نیروها مردم را مطمئن کند که صلاحیت پیشبرد مبارزه ی ملی را دارد و باید برنامه ها و روش مبارزه‌اش حمایت شود. شکل کلی سازمان ما باید با چنین هدف و چنین انتظاری و شرایط متغیر و دگرگون‌شونده‌ی جامعه و مبارزه تطبیق داشته باشد. سازمان اگرچه اصول ثابت و بنیادین دارد اما ساختار آن مانند موجود زنده‌ی هوشمند انعطاف‌پذیر بوده و خود را با شرایط تطبیق خواهد داد.»

این فعال سیاسی همچنین گفت که «مبارزه‌ی اصلی در ایران صورت می‌گیرد. تمام کوشش‌های سازمان مشروطه‌ی ایران معطوف به پیشرفت مبارزه در داخل خواهد بود. ساختار رهبری مبارزات و کارهای بیرون را به مبارزات داخل ایران پیوند خواهد زد. سازمان در بیرون به شرطی زنده خواهد ماند و خواهد بالید که به صورت پیوسته و هماهنگ با مبارزات سازمان در داخل پیش برود.»

حجت کلاشی در توضیح بخش دیگری از اصول انجمن‌های مشروطه گفت این کافی نیست که نیروهای مشروطه‌خواه صرفا در تجمعاتی که در شهر و کشورشان برگزار می‌شود شرکت کرده یا به اعلام موضع و واکنش در شبکه‌های اجتماعی بپردازند، بلکه «مبارزات ما نمی تواند فصلی و تابعی از موج هیجان باشد. ایرانیانی که می‌خواهند برای این هدف فداکاری کنند باید در درون سازمان خود را متشکل کنند و گام‌های سنجیده و اندیشیده را جایگزین تندروی در کلام و انفعال در عمل کنند. نیروهایی که در کنار ایران ایستاده‌اند باید توان خود را صرف کوشش‌های پیگیر و روزانه در راستای اهداف سازمان کنند و سازمان را به موجودی شایسته برای راهبری مبارزات ملی تبدیل کنند.»

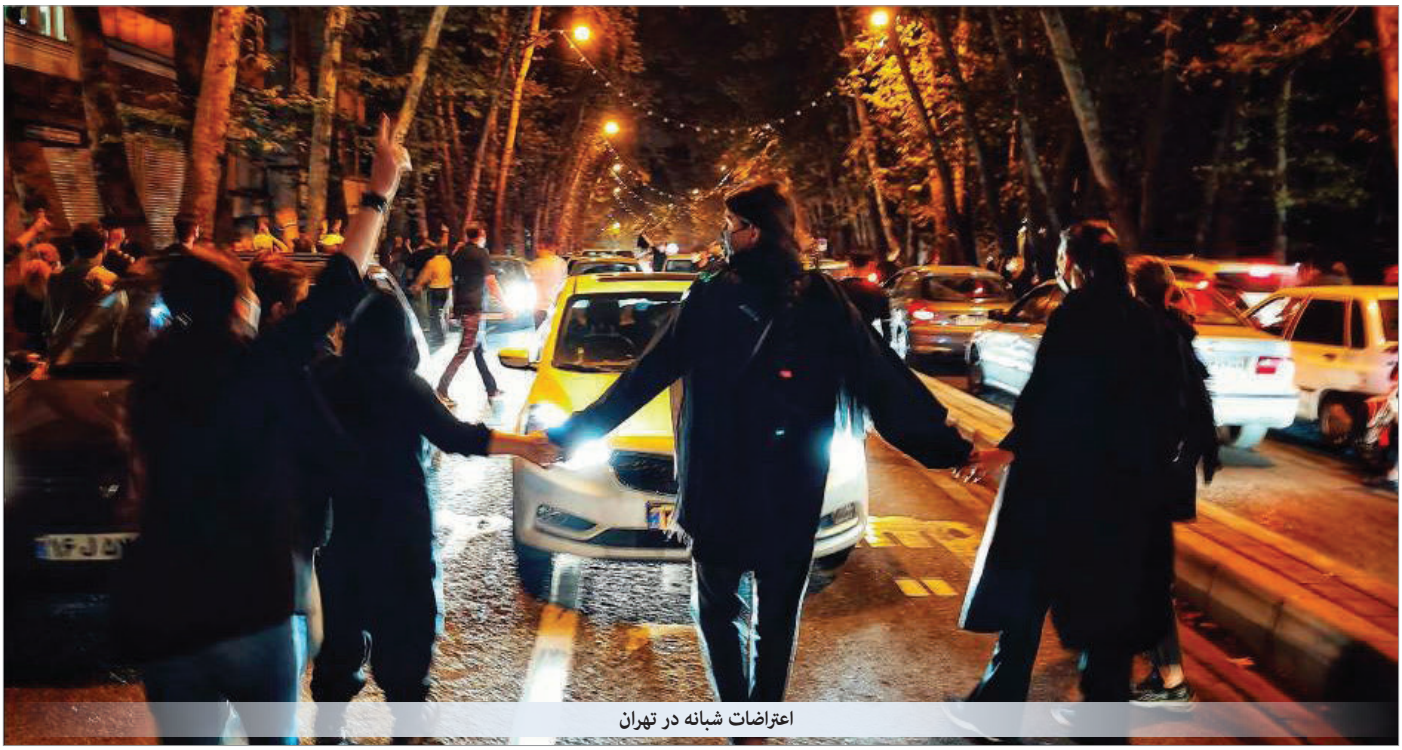
او پس از بیان مبانی و اصول «سازمان مشروطه ایران» اعلام کرد که به زودی اطلاعات تکمیلی درباره چگونگی فعالیت و همکاری علاقمندان با دفتر انجمن مشروطه آلمان از طرف دفتر سیاسی و سخنگوی این انجمن به اطلاع عموم خواهد رسید.


فرخنده مدرس


امید اکرمی


دکتر شیدا تهرانی

آیا اوضاع از کنترل رژیم ایران خارج شده است؟



اعتراضات شبانه در تهران

موضوع حجاب و قتل مهسا امینی تنها یک جرقه است اما در این میان چیزی که رژیم جمهوری اسلامی و رهبر آن نمی‌خواهند آن را بفهمند یا متوجه آن شوند این است که جنبش سراسری ایرانیان از مسئله حجاب فراتر رفته و اهداف گسترده‌تری دارد.

به نظر می‌رسد اوضاع در ایران از کنترل خارج شده بطوری که رژیم دیگر قادر به خاموش کردن اعتراضات سراسری نیست به همین دلیل خامنه‌ای در اقدامی با نتایج نامشخص برای مهار بحران بطور مستقیم وارد عرصه شده و در باره «ضعف حجاب» که نشانه «بی‌دینی» و «ضدانقلاب» بودن نیست سخنرانی کرده است!

مصطفی فحص (شرق الاوسط) - سرانجام با تاخیر فراوان علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی متوجه شد که دستگاه امنیتی و نظامی رژیم در سرکوب جنبش اعتراضی ناکام مانده بطوری که حتی با به کار گرفتن شدیدترین ابزار سرکوب و استفاده از خشونت و ارعاب بیش از حد معترضان از طریق صدور احکام اعدام فله‌ای و تبدیل ایران به جمهوری چوبه دار، در جلوگیری از قیام ملی ایرانیان ناموفق بوده و نتوانسته اوضاع کشور را به شرایط قبل از ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ برگرداند.

از این رو خامنه‌ای مجبور شد سکوت خود را در قبال بحران مربوط به حجاب اجباری و ظلمی که دستگاه ایدئولوژیک حکومت بر زنان ایران روا داشته بشکند. به نظر می رسد که سخنان خامنه‌ای تلاشی تازه از سوی رأس هرم قدرت رژیم اسلامی و دولت انقلابی برای مهار کردن اوضاع آشفته کشور است.

خامنه‌ای روز چهارشنبه گذشته در سخنانی هدف قرار دادن زنان دارای «حجاب ضعیف» به بهانه اتهام ضد دینی و ضد انقلابی بودن را عملی نادرست دانست.

چنین اظهاراتی را آنهم از سوی خامنه‌ای با توجه به ماهیت و نوع رابطه رژیم دینی و حقوق محدودی که برای زنان ایرانی قائل است، می‌توان نوعی عقب‌نشینی از عالی‌ترین مرجع دینی و سیاسی رژیم در قبال رویدادهای اخیر دانست.

خامنه‌ای در جمع جمعی از زنان گزینش‌شده و طرفدار ولایت گفت:« ضعف حجاب کار درستی نیست اما موجب نمی‌شود آن فرد را از دایره دین و انقلاب خارج بدانیم همه ما هم نقص‌هایی داریم که باید تا حد امکان آنها را برطرف کنیم!»

در اظهارات اخیر خامنه‌ای، در دو بعد عقب‌نشینی قابل توجهی مشاهده می‌شود. اول در بعد زمانی این سخنرانی است که ۱۵ هفته پس از آغاز جنبش اعتراضی سراسری که جرقه آن با کشته شدن «مهسا امینی» دختر جوان ایرانی زیر شکنجه ماموران گشت اسلامی زده شد و با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز گشت و با قدرتی بی‌سابقه در برابر نهادهای مذهبی و نظامی که بقای رژیم اسلامی بر آنها استوار است، عرض اندام کرد.

موضوع حجاب و قتل مهسا امینی تنها یک جرقه است اما در این میان چیزی که رژیم جمهوری اسلامی و رهبر آن نمی‌خواهند آن را بفهمند یا متوجه آن شوند این است که جنبش سراسری ایرانیان از مسئله حجاب فراتر رفته و اهداف گسترده‌تری دارد.

اما بعد دیگر این سخنرانی عقب‌نشینی مربوط به چیدمان دستگاه داخلی خود رژیم جمهوری اسلامی است. به نظر می‌رسد اوضاع در ایران از کنترل خارج شده بطوری که رژیم دیگر قادر به خاموش کردن اعتراضات سراسری نیست به همین دلیل خامنه‌ای در اقدامی با نتایج نامشخص برای مهار بحران بطور مستقیم وارد عرصه شده است. ظهور مجدد خامنه‌ای درواقع بحران عمیق درون نهادهای رژیم را بیش از پیش آشکار کرد.

اظهارات روز یکشنبه گذشته محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورا اسلامی مبنی بر ضرورت اصلاح نظام حکومتی در همه زمینه‌ها را نیز می‌توان اعتراف به شکست نظام برای مدیریت بحران‌هایش دانست.

جدا از بحرانی که با مسئله حجاب اجباری آغاز شد، سخنان رهبر جمهوری اسلامی بیانگر گستردگی تضادهای بین مراکز قدرت در تهران است. موضع خامنه‌ای در این مرحله پرتلاطم داخلی و خارجی بازتاب مستقیم بر نتایج نبرد برای جانشینی او در مرحله انتقالی بعدی خواهد داشت.

موضع جدید خامنه‌ای درباره حجاب باعث شرمندگی جریان محافظ‌کار در برابر هوادارانش در داخل خواهد شد و موقعیت این جریان افراطی و سرکوبگر را که بیش از همه به ماهیت ایدئولوژیک رژیم پایبند است در دوران انتقال احتمالی جانشینی خامنه‌ای تضعیف خواهد کرد.

حساس‌ترین نکته این است که مواضع به ظاهر نرم و عجیب رهبر جمهوری اسلامی در این مرحله دشوار از تاریخ نظام و انقلاب اسلامی، رویکردی به نفع جریانی علیه جریان دیگر و طرفداری از یک جریان در مقابل دیگری تلقی می‌شود. اکنون خامنه‌ای در شرایط سختی قرار گرفته و به همین دلیل او دیگر نمی‌تواند مانند گذشته چوب را از وسط بگیرد.

به این ترتیب پس از اینکه عملا اوضاع از کنترل رژیم اسلامی خارج شده، سخت‌ترین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا خواست‌های حقوقی معترضان ایرانی در این خیزش سراسری فقط به حجاب اجباری محدود است؟!

***منبع: روزنامه شرق الاوسط**
***نویسنده: مصطفی فحص**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

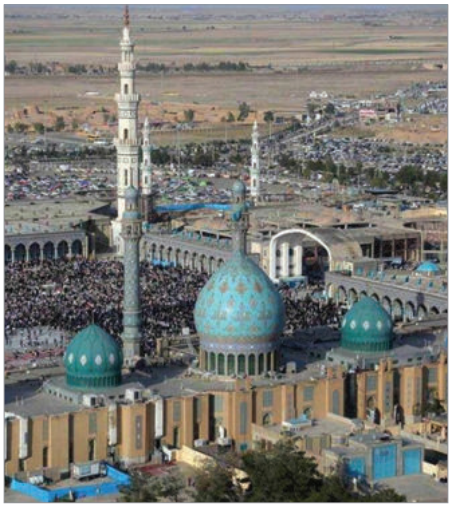
بازنشر

با من به جمکران بیائید...(۲)

(کیهان لندن شماره ۱۱۴۴-۱۱۴۱)

بهمن تا اسفند ۱۳۸۵

احمد احرار



روزنامهٔ «جمهوری اسلامی» در ردّیه بر جوابیه متولی مسجد جمکران می‌نویسد «متولی محترم مطالبی مطرح می‌فرمایند که از نظر علمی قابل اثبات نیست و استناد به آن وجهی ندارد. مثلاً این که به حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه و عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نسبت داده شده که ایشان فرموده‌اند در این مسجد دو نماز بخوانید و «مَن صلاهما فکانما صلی فی‌البیت‌العتیق» در کجا چنین فرموده‌اند و به چه کسی فرموده‌اند، این ادعا با فرمودهٔ خود آن حضرت در زمینهٔ عدم رؤیت ایشان در دوران غیبت کبری چگونه قابل جمع است؟ وانگهی، آیا همین جمله که به حضرت نسبت داده می‌شود به‌معنای بالاتر بودن آن از بسیاری مساجد دیگر نیست؟»

در اشاره به سخنان آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی که گفته است ظاهر شدن حضرت صاحب‌الامر بر حسن‌بن مثله جمارانی در بیداری بوده است و نه در خواب، سرمقاله‌نویس جمهوری اسلامی توپ را به زمین حریف برمی‌گرداند و می‌نویسد «برای بزرگانی که نام آنها در جوابیه آمده است احترام قائل هستیم و نظر آنها را نیز محترم می‌دانیم اما انتظار این بود که متولی محترم به جای خرج کردن از بزرگان با استدلالهای علمی ما را مجاب می‌کردند و مطالب سرمقاله را ردّ می‌فرمودند. تصدیق می‌فرمایید که نقطه نظرها در مورد مسجد جمکران یکسان نیست و به همین دلیل باید فارغ از این اظهار نظرها به‌سراغ دلایل علمی منطبق بر مبانی رفت و هر چه با مبانی سازگاری دارد آن را پذیرفت».

ای کاش این نظریه ارشادی که از سوی روزنامه وابسته به «بیت رهبری» عنوان می‌شود جامعیت می‌یافت و مجعولاتی همانند احادیث و روایات مربوط به مسجد جمکران را در مجموع شامل می‌شد. این بحث را چون سر دراز دارد می‌گذاریم برای زمانی دیگر و می‌پردازیم به مورد اخیر از زبان اصحاب دعوی.

سرمقاله «جمهوری اسلامی» در پاسخ تولیت مسجد جمکران، این ادعا را که دیداری بین حسن‌بن مثله جمکرانی و حضرت صاحب‌الامر ـ در خواب یا بیداری ـ واقع شده است از بیخ و بن داستانی ساختگی قلمداد می‌کند و می‌نویسد ادعای دیدار در بیداری حتی از ادعای دیدار در خواب هم سست‌تر و بی‌پایه‌تر است. آنگاه از قول یک محقق حوزوی دلیل می‌آورد: «غالب کتابهای روایی محدّث نوری نه فایدهٔ علمی دارد و نه فایدهٔ عملی و از کتابهای غیر روایی او نپرس که پر است از داستانها و حکایات عجیب که اکثر آنها به شوخی شبیه‌تر است. البته او ـ که خدا رحمتش کند ـ فرد صالح و محققی بود لکن علاقه‌اش به جمع‌آوری منقولات ضعیف و عجیب و غریب و چیزهایی که عقل سلیم و نظر صائب آنها را نمی‌پذیرد بیشتر بود تا گردآوری مطالب نافع... محدّث نوری و تمام کسانی که به ادعای او ماجرای مسجد جمکران را ذکر کرده‌اند آن را از کتابی به‌نام تاریخ قم نوشتهٔ حسن‌بن محمدبن حسن قمی نقل می‌نمایند...» حال آن که «هیچکدام از فهرست‌نویسان متقدم شیعه مانند نجاشی و طوسی ـ رحمت‌الله علیهما ـ که کوچکترین تصنیف و مصنف شیعی از چشم تیزبینشان پنهان نمانده است نامی از حسن‌بن محمدبن حسن قمی و نیز کتابی به‌نام تاریخ قم نبرده‌اند. اصولاً حسن‌بن محمدبن حسن قمی فرد مجهولی است که نام او در هیچ کتاب رجالی یافت نمی‌شود و ظاهراً کتاب تاریخ قم هم که به او منسوب نموده‌اند اصلاً وجود خارجی نداشته است... داستان وقتی زیباتر می‌شود که بفهمیم اصولاً هیچ کدام از کتابها و جوامع رجالی متقدم و متأخر نام حسن‌بن مثله جمکرانی را ضبط نکرده‌اند چه رسد به این که در مورد وثاقت او نظر بدهند. پس حسن‌بن مثله جمکرانی نیز فرد مجهولی است که نمی‌توان به حدیث و نقل او اعتماد نمود».

بیچاره فخرالدین حجازی چه ملامت‌ها شنید و خفت‌ها کشید چون خطاب به خمینی گفته بود نقاب از چهره بردار و فاش بگو تو همانی که مؤمنان قرنها انتظار ظهورت را داشتند. در مملکتی که بر مبنای یک کتاب مجعول و ادعای یک شخص مجهول، در پایان قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم، چنین دستگاهی دایر می‌شود و میلیونها زائر را مشتاقانه به سوی خود می‌کشاند، چه کسی می‌توانست منکر مهدویت امام خمینی شود؟

به‌یاد داریم که مستخدم منزل امام خمینی از دیدارهای شبانهٔ ایشان با حضرت صاحب‌الامر خاطراتی نقل کرد و گفت شبها از پشت در اتاق می‌شنیده است که آقا با کسی جرّ و بحث می‌کند در حالی که جز خود او کسی در اتاق نبوده است. بالاخره نگران می‌شود که مبادا آقا به سرش زده باشد ولی آقا به او می‌فهمانند که جای نگرانی وجود ندارد و میهمان شبانهٔ ایشان کسی جز قائم آل محمد نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری منشی مخصوص و رئیس دفتر امام خمینی و عضو کنونی مجلس خبرگان نیز که در مباحثات اخیر راجع به حضرت صاحب‌الامر و چاه جمکران وارد شده است، ازجمله اظهار می‌کند «این روزها شاهدیم که خیلی‌ها در پی سوء استفاده از علاقه‌مندی مردم به امام زمان (عج) و مریدپروری هستند. یکی خواب دیدار با امام زمان (عج) را نقل می‌کند و دیگری ادعای دیدار علنی با ایشان دارد. در جمکران که مسجدی است همانند سایر مساجد، چاه درست کرده‌اند که شکایت در آن بیندازند. واقعاً اینها توهین به امام زمان (عج) و سوء استفاده از عواطف دینی مردم است. آدرس غلط امام زمان (عج) را دادن بزرگترین خیانت به مردم و احساسات پاک دینی آنها و به موضوع انتظار فرج است. امام زمان به یکی از نوّاب خاصشان فرمودند آگاه باشید، هر کس ادعای مشاهده و ملاقات مرا کرد کذاب و دروغگوست. امام زمان (عج) نمی‌فرماید کسی من را ملاقات نمی‌کند. می‌فرماید کسی که ادعای مشاهده کرده است دروغگوست. تردیدی نیست که عالمان بزرگ و افراد برجسته همانند حضرت امام خمینی (ره) در دوران غیبت ارتباطات وثیقی با امام زمان (عج) داشتند اما کسانی که به این مرتبه رسیدند محال است سخنی بر زبان بیاورند. آنها اهل ادعا نیستند. مردم، به دستور امام زمان (عج) هر کس را که ادعا کرد ارتباط ویژه‌ای با امام زمان (عج) دارد که دیگران ندارند، تکذیب کنند. امام زمان (عج) بسیار نزدیکتر از آن است که ما برایش در چاه جمکران نامه بفرستیم... امام زمان (عج) سخنگو ندارد. ما نباید سعی کنیم خود را در موضع و جایگاه سخنگوی امام زمان (عج) قرار دهیم و نسبت به این که امام زمان (عج) فلان چیز را امضا کرده یا می‌کند و این که ایشان شخصی را تأیید کرده یا نکرده است سخن بگوئیم... چه بسیار افرادی که این ادعاها را دارند ممکن است امام زمان (عج) از آنها متنفر باشد. شاید رمز این که حضرت مسیح (ع) همزمان با امام زمان (عج) ظهور می‌کند و پشت سر حضرت نماز می‌خواند این باشد که بیشتر جهان مسیحیت به‌غیر از زورگویان به امام زمان (عج) ایمان خواهند آورد».

از دیگر موارد اختلاف و اصطکاک بین زعمای قوم، روز و ساعت ظهور حضرت صاحب الامر است. بعضی بر آنند که حضرت روز جمعه ظاهر خواهد شد و برخی عقیده به روز شنبه دارند.

محمد نصر اصفهانی، از صاحبنظران حوزهٔ علمیه، در مقاله مبسوطی نوشته است «حدود ۲۰ سال قبل در یک مرکز تحقیقاتی قم، به‌صورت اتفاقی کتاب منتخب‌الاثر فی‌امام‌الثانی عشر (ع) تألیف آیت‌الله صافی گلپایگانی علاقمند شدم. جریان از این قرار بود که آیت‌الله امامی کاشانی تصمیم به سخنرانی داشت و برای آماده شدن برای سخنرانی کتاب منتخب‌الاثر را خواست. کتاب را در اختیار ایشان قرار دادیم. ایشان کتاب را مطالعه و از آن بسیار تعریف کرد و گفت این کتاب یکی از بهترین و معتبرترین کتب حدیثی مربوط به امام دوازدهم (عج) است.

مدتی بعد، در حال مطالعه آن کتاب، توجهم به باب نهم کتاب جلب شد. نویسنده در این باب، روایات مربوط به روز قیام و ظهور امام زمان (عج) را جمع کرده است. در آن زمان برای من جای تعجب بود که از هفت روایت مطرح شده در این بخش نه تنها روز جمعه را روز ظهور و قیام حضرت (عج) ندانسته بلکه صریحاً آن را روز شنبه اعلام نموده بود.

هرچه زمان می‌گذشت و سخن سخنرانان را بیشتر می‌شنیدم و نوشتهٔ شاعران و نویسندگان را می‌خواندم و برنامه‌های رادیو و تلویزیون را می‌دیدم که همه تکرار می‌کردند امام زمان (عج) روز جمعه خواهد آمد، حساسیت و گاه ناراحتی‌ام بیشتر می‌شد که چرا یک موضوع تحقیق نشده اینقدر مشهور شده است...»

محقق محترم سپس علت حساسیت خود و اهمیت موضوع را یادآور می‌شود: «ممکن است گفته شود چه تفاوتی دارد که امام زمان جمعه یا شنبه ظهور کند. در پاسخ باید گفت اتفاقاً موضوع بسیار مهم است. چرا که اگر مطلب برای همگان این چنین بدیهی بماند و مؤمنین هر جمعه منتظر باشند و پس از آن ناامیدی، از آن روز تا هفته بعد انتظار بکشند و روز بعد، یعنی شنبه مواجه با ظهور ایشان شوند، آیا امام را انکار نخواهند کرد و نخواهند گفت که او امام زمان نیست. چرا که امام زمان باید روز جمعه ظهور کند؟ در این صورت چه کسی مسؤول این وضع است؟!»

دنباله دارد

کیهان

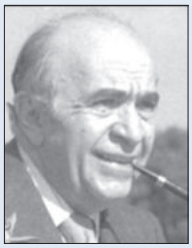
بانشر

پایان کار: گوری ناشناس برای نخست‌وزیر پیشین!

به لطف پزشك قانونی، برای آن که جنازه هویدا محفوظ بماند آن را سه ماه در سردخانه نگهداشتند و سپس مخفیانه با اسم مستعار به خاك سپردند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

معمایی به‌نام هویدا (۱۷)





نوشته دکتر عباس میلانی

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

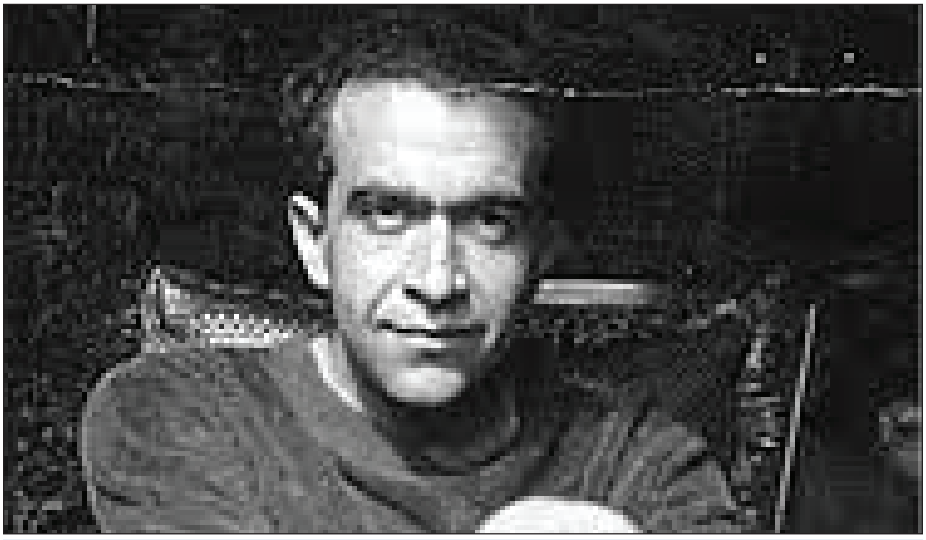
«اسفنکس» در اساطیر نام یك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخش صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال یك معماست؟

قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحبنظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشنتر شدن موضوعات و کمك به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.



هویدا در عنفوان شباب، دوران دانشجویی در بروکسل

او که مجذوب اندیشه‌های روشنفکران فرانسوی زبان بود با نگاهی فلسفی به زندگی می‌نگریست اما هرگز باور نمی‌کرد به سرنوشتی که تاریخ برای او رقم زده بود...

در پی دادگاهی که در آن هیچ قاعده حقوقی و قضائی رعایت نمی‌شد و صدور حکمی که هر کلمه‌اش از انتقامجویی بیرحمانه حکایت داشت، حتی مجازات اعدام به طریق متعارف را نیز از امیر عباس هویدا مضایقه کردند. هویدا با گلوله‌های اسلحه کمری، بلافاصله پس از خروج از جلسه «دادگاه انقلاب» کشته شد و از آن پس، مساله این بود که با جنازه او چه خواهند کرد...

خانواده انشاء سعی تمام داشت که افسرالملوك را براستی متقاعد کند که فرزندش، امیر عباس، به اروپا تبعید شده و مادر هویدا هم در این بازی همکاری تمام نشان می‌داد. همزمان با مرگ فرزند، او نیز هر روز بیشتر و بیشتر به درون خود می‌خزید. جهان خارج دیگر وسوسه‌اش نمی‌کرد. از بعد از ظهر روزی که داغ فرزند دید، تا زمان مرگش، چهار سال بعد، بیش و کم همواره سکوت اختیار کرد. اغلب اوقاتش را به دعا می‌گذراند. از کسی در مورد امیر عباس نمی‌پرسید. هرگز نخواست که او را به منزل خودش بازگردانند. وقتی خانواده انشاء تظاهر می‌کرد که مثلا نامه‌ای از هویدا رسیده و متنی را به صدایی بلند می‌خواندند، افسرالملوك احساساتی ابراز نمی‌کرد. حتی هدیه‌هایی که ظاهراً هویدا فرستاده بود ــ «روسری، دمپایی، چند جفت جوراب» ــ واکنشی در او بر نمی‌انگیخت.

شب روزی که هویدا اعدام شد، منزلی که او در آن با مادرش زندگی می‌کرد، و نیز آپارتمان کوچکی که اندکی پیش از استعفایش از مقام نخست‌وزیری در یکی از ساختمانهای جدید تهران خریده بود تاراج شد.

اشیاء قیمتی به غارت رفت. آلبومهای خانوادگی پاره پاره شد عکسهای آن، این جا و آنجا در پیاده‌روهای اطراف خانه و راهروهای نزدیك آپارتمانش پراکنده بود. در آپارتمانش، «حتی دیوارها را سوراخ کردند. گمان می‌کردند اشیاء گرانقیمت و پولهای نقد را قاعدتا در آنجا در صندوقی پنهان کرده است.»

روزنامه‌های تهران همه سعی داشتند اعدام هویدا را مشروع جلوه دهند در تمام صفحات متعددی که به گزارش کار دادگاه، کیفرخواست، حکم دادگاه و اجرای حکم تخصیص دادند، حتی یك نفر هم یك کلمه درانتقاد از سرشت این دادگاه و رأی عجولانه آن ننوشت. به جای انتقاد جدی و اساسی، روزنامه‌نگاران و مفسران شعارهای انقلابی و باسمه‌ای سکه می زدند و شایعه می‌پراکندند. یکی می‌گفت گل ارکیده هویدا ظاهر سازی صرف بود. پشت گل میکروفونی نهفته بود و هویدا به مدد آن دشمنان خود را به دام می‌انداخت. دیگری ادعا می‌کرد که ارکیده‌ها را هر روز باهواپیما از پاریس به تهران می‌آوردند. آن سومی روابط زناشویی هویدا را به سخره می‌گرفت و نویسنده چهارم مدعی بود هویدا با ساواك قرار و مدارهایی سری داشت. هر جا می‌رفت، دشمنانش را به مدد علایم ویژه‌ای به ساواك نشان می‌داد و ساواك هم در جا دشمن هویدا را بازداشت می‌کرد. یکی دیگر از مقاله‌ها قصد اثبات این نکته را داشت که، «ساواك در دامن هویدا به غولی بدل شد.»

در پزشکی قانونی

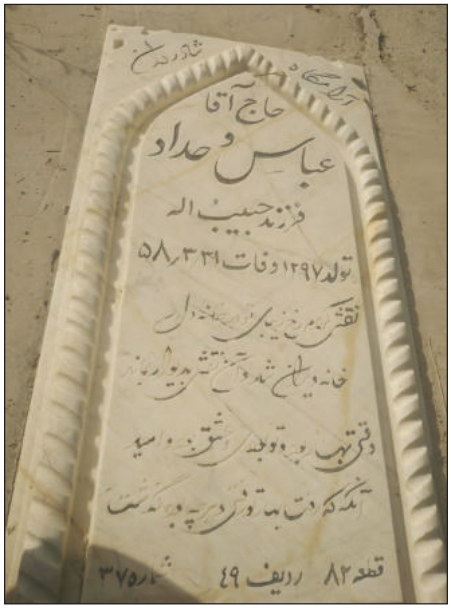
نزدیك نیمه شب بود که تلفن منزل انشاء بار دیگر زنگ زد. این بار کسی از پزشکی قانونی بود. می‌خواست به اطلاع خانواده برساند که جسد هویدا به آن جا منتقل شده. قرار شد، «فردا کسی از طرف خانواده به پزشکی قانونی برود» و کار کفن و دفن جسد و انجام دیگر مراحل قانونی را به عهده بگیرد. قرعه فال بار دیگر به نام دکتر فرشته انشاء زده شد. می‌گفت وقتی به پزشکی قانونی رسیدم، «سالنی دیدم سخت وسیع و پر از جسد، برخی از اجساد برهنه بودند. و قسمتهایی از تن عریان برخی دیگر را حوله‌ای یا پارچه‌ای می‌پوشاند.» می‌گفت از هویت هر یك از این اجساد تنها مقوای کوچکی باقی بود که با نخ پرچی به انگشت پای مردگان گره خورده بود. بوی مرگ فضای سالن را پر کرده بود و به آن حال و هوایی خوف انگیز می‌داد. سایه مرگ بر این محیط حاکم بود و فضایی مرگزا در آن پدید آمده بود. می‌گفت: «حرفه من پزشکی است. بخش عمده زندگی‌ام با مرگ از نزدیك مانوس بودم. اما حتی من هم از آن همه مرگی که در آن سالن بود به وحشت آمدم.»

می‌گفت در گوشه‌ای جسد درشت مردی دیده می‌شدکه انگار جانش را به هزار و یك ضرب چاقو از تنش بیرون کشیده بودند. جوانکی حدوداً پانزده ساله در کنار جسد ایستاده بود. آرام آرام می‌گریست. می‌گفت از سرنوشت او پرسیدم و گفت، «مرد آژان بود و جوانك پسر اوست.»

←

دکتر فرشته انشاء را آنگاه به اتاقی بردند که دیوارهای آن، از سقف تا کف زمین، پوشیده از درهای فلزی فیلی رنگ سردخانه پزشکی قانونی بود. یکی از کشوها را بیرون کشیدند. بدن عریان هویدا نمایان شد. کسی با ماژیك، روی یکی از دنده‌های او، نوشته بود، «امیر عباس هویدا»، دکتر انشاء می‌گفت: «تکیدگی صورتش وحشتناك بود.» دیدن جسد عریان هویدا اشك به چشمان دکتر انشاء آورد. با خشم گفت، «چرا با او این طور رفتار کرده‌اید؟» یکی ازدو پزشکی که حاضر بودند، جوابی کوتاه داد. «خانم چه فرقی می‌کند. او که مرده.» پس از احراز هویت جسد، دکتر انشاء را به دفتر کار یکی از پزشکان قانونی هدایت کردند. آن جا نسخه‌ای از گزارش





گفته می شود قبر گمشده امیرعباس هویدا اینجاست

رسمی پزشکی قانونی در اختیار دکتر انشاء گذاشته شد. در عین حال از او خواستند که ترتیب کفن و دفن جسد را فراهم کند.

گزارش پزشکی قانونی به زبان خشك و بی عاطفه علمی بود. می‌گفت: «جسد مردی است ملبس به یك جفت جوراب ساق نیمه بلند نخی به رنگ سبز تیره... سفید پوست است. طول قامت ۱۶۷ سانتیمتر. وزن حدود ۶۸ کیلوگرم. ختنه شده است. جلوی سر طاس. بقیه سر موهای نیمه بلند و کم پشت سفید و مشکی... دندانهای فك بالا مصنوعی... سر و صورت ودستها آغشته به خون خشك شده است.

بر اثر ضربات جسم سخت... در روی تنش سوراخهایی که به صورت زخم‌اند به شرح آتی ملاحظه شده‌اند: ۱ــ زخمی سوراخ مانند دایره‌ای شکل به قطر شش میلیمتر روی ناحیه... ترقوه راست... ۲ــ سوراخ دومی که در بالا و خارج کتف راست... به قطر شش میلیمتر... ۳ــ سوراخ سومی در ناحیه جمجمه... مغز آسیب دیده است... به موجب کیفیت آنها محل ورود گلوله‌هایی از اسلحه گرم است... هر چند اسلحه به کار برده شده یا فشنگ آن در اختیار ما نمی‌باشد، مع‌الوصف به موجب ابعاد زخمها اسلحه به تقریب همطراز کالیبر ۲۸ نظر داده می‌شود.... بر اثر ضربات جسم سخت که مربوط به دوران حیات است ساییدگی سطحی به طول یك سانتیمتر و عرض دو میلیمتر در چانه دارد...»

رفتار ستودنی دکتر گرمان به این گزارش محدود نمی‌شد. مردی درشت اندام و کم حرف و جدی بود. چهره‌اش اغلب به سرخی می‌زد. پس ازانجام تشریفات قانونی، از دکترانشاء خواست که او را تا دفتر کارش همراهی کند. در خلوت نسبی اتاق کارش به این نکته اشاره کرد که این روزها، اغلب اوقات، توده‌ای هیجان زده در اطراف مقر پزشکی قانونی پرسه می‌زنند. منتظرند ببینند چه کسی از بزرگان پیش، از پزشکی قانونی سردر آورده و گاه نسبت به اجساد این شخصیتها حتی بی‌احترامی می‌کنند. دکتر گرمان می‌گفت، «دو راه حل پیشنهاد می‌کنم. می‌توانم جسد را بسوزانم. راه دیگر این است که جسد را مدتی اینجا ، در جایی امن، حفظ کنم و وقتی آبها از آسیاب افتاد، با شما تماس خواهم گرفت و آن وقت می‌توانید ترتیب کفن و دفن را فراهم کنید.» کار دکتر گرمان به راستی حیرت آور بود. او که خود هیچ تعلق خاطری به رژیم پهلوی نداشت از خانواده‌ای بود که در آن مبارزه و مخالفت با رژیم شاه سنتی دیرینه محسوب می‌شد. ولی در آن لحظه خطیر، دکتر گرمان که بازنشستگی‌اش نزدیك بود، همه چیز از جمله کار و حقوق تقاعدش را، به خطر انداخت تا دشمن سیاسی دیروزش در خلوت و سکونی برازنده مرگ به خاك سپرده شود. دکتر انشاء راه حل دوم را برگزید و به منزل بازگشت و خانواده‌اش به انتظار نشستند.

روز بعد به مقامات جمهوری اسلامی خبر رسید که دوستان هویدا از هرج و مرج حاکم بر پزشکی قانونی بهره جسته و جسدش را ربوده‌اند. از این دروغ مصلحتی دکتر گرمان، خلخالی توطئه‌ای بین‌المللی ساخت که در آن همه کس، از جمله صهیونیستها، شرکت داشتند. می‌گفت، بازرگان و متین‌دفتری و سلطنت طلبان و فرانسویها و انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها همه توطئه کردند و جسد هویدا را سه ماه در پزشکی قانونی مخفی کردند و سپس آنرا ربودند و به فرانسه بردند و از آنجا به اسرائیل حملش کردند و در قبرستان یهودیها در کنار پدرش به خاکش سپردند.

جسدی با هویت ساختگی

از این ماجرای دور و دراز، تنها یك جنبه آن به حقیقت نزدیك است. جسد هویدا به راستی حدود سه ماه در سردخانه پزشکی قانونی ماند. پس از این انتظار طولانی، بعد از ظهر روزی دکتر گرمان به خانواده هویدا زنگ زد و گفت فردا برای بردن جسد به پزشکی قانونی مراجعه کنند. می‌گفت، «صبح زود بیائید. تعدادتان زیاد نباشد. نباید جلب توجه کرد.» روز بعد، پیش از طلوع خورشید،کاروانی از دو ماشین منزل انشاء را ترك گفت. در یکی چهار نفر از خانمهای خانواده انشاء بودند. در ماشین دوم یك مرد، تك و تنها، می آمد. برادر دکتر فرشته انشاء بود. از سر ترس نمی‌خواست به خیل سیاهپوشان بپیوندد و از فاصله‌ای نه چندان دور تعقیبشان می‌کرد.

در پزشکی قانونی چهار بانوی سیاه‌پوش راهنمایی‌های لازم را از دکتر گرمان دریافت کردند. برای هویدا جواز دفنی به اسم مستعار صادر شده بود. دکتر گرمان می‌گفت: «اگر در قبرستان شناسنامه یا برگ هویت دیگری خواستند، بگویید او در نتیجه تصادف اتومبیل درگذشته و اسناد و مدارکش همه به سرقت رفته است.» یکی از دوستان هویدا کفنی در اختیار خانواده گذاشته بود. جسد را در کفن پیچیدند. دکتر انشاء می‌گفت بدن هویدا، در نتیجه دواهایی که در پزشکی قانونی استفاده کرده بودند، به آبی لاجوردی می‌زد. می‌گفت: «روزی که برای کفن و دفن رفتم روز تعطیل بود. بعثت پیامبر بود. خیابانها را چراغانی کرده بودند. به گمانم دکتر گرمان عمداً این روز را انتخاب کرده بود. می‌خواست از این طریق امکان کشف هویت هویدا را تقلیل دهد.» خانواده انشاء هم، به همین دلیل، مراسم کفن و دفن را به سرعت برگذار کردند. تنها نشان آشکار سوگواری زمانی رخ نمود که می‌خواستند جسد را در خاك بگذارند. دکتر فرشته انشاء درکنار پای جسد زانو زد و به زمزمه کلماتی را به زبان آورد که به گمانش هویدا پیش از هر چیز مشتاق شنیدن بود. گفت، «آقا، قول می‌دهم از مادرت خوب نگهداری کنیم.» جسد را در خاك گذاشتند و خانواده انشاء هم به شهر بازگشت.

چند ماه بعد، بالاخره سنگی بر گور هویدا گذاشتند. تازه در آن زمان هم نام واقعی‌اش را بر سنگ ننوشتند و تنها به اشاره غیر مستقیم به هویت کسی که آنجا درخاك خفته بسنده کرده‌اند. پس از شصت سال زندگی پر فراز و نشیب، پس از پیروزیها و شکستهای متعدد، عشقهای به کام و ناکام، پس از فلاکتها و بدبختیهای مهاجرت و شوکت و وسوسه قدرت، بعد از امیدهای مکرر به آزادی و دلشکستگیهای مکرر از سرنوشت محتوم خویش، بالاخره از هویدا چیزی جز سنگی بر گوری ناشناس باقی نمانده بود.

در روز مرگش، روزنامه‌های تهران که همه تازه از قید سانسور رها شده بودند، تلاش همه جانبه کردند تا اعدام هویدا را یکسره مشروع جلوه دهند. اما به رغم تیترهایی که همه از جنایت و مکافات حکایت می‌کرد، در تصاویری که در صفحه اول کیهان چاپ شده بود. داستانی یکسره متفاوت و سخت غم انگیز به چشم می‌خورد. اولی او را در دادگاه نشان می‌داد. صورتی تکیده و غم زده داشت؛ دلزده به نظر می‌آمد. در حال نوشتن بود. هاله‌ای از اضطراب، از تسلیم به سرنوشت، بر چهره‌اش سایه انداخته بود. عکس دوم از جسدش بود. لکه‌های خون جای گلوله‌ها را نشان می‌داد. با این حال، در چهره‌اش سکون و آرامشی تکان دهنده موج می‌زد.

هویدا بیشتر عمرش گرفتار چنبری گریز ناپذیر بود. در یك سو مخالفان رژیم بودند. و اغلب جزم‌اندیش و انعطاف ناپذیر می نمودند. در سوی دیگر شاهی بود که در پائیز پدرسالاری‌اش بیش از پیش خودرأی و خودکامه شده بود. انگار هویدا با آن خنده آرامی که بر چهره‌اش نقش بسته بود می‌گفت، «برهر دو تبارتان لعنت باد.»

پایان

کیهان

بهار خورشیدی دختری که پس از حمله مأموران به خانه‌شان به پایین پرت شد و جان باخت!

کیهان لندن برای پیگیری قتل این دختر جوان تلاش کرد با خانواده او تماس بگیرد اما هیچکدام حاضر به گفتگو نشدند.

«یک فرد نزدیک به خانواده بهار خورشیدی در ارتباط با قتل این دختر جوان به کیهان لندن می‌گوید: «در اوایل مهرماه بود که متوجه شدیم یک نفر در محله ما از ساختمان خانه‌شان به پایین پرت شده است. همه می‌گفتند به یک خانه حمله کرده‌اند و یک دختر را به پایین پرت کرده‌اند.»

«برادر کوچک بهار شاهد همه چیز بوده و گفته که ماموران امنیتی به خانه آنها حمله کردند. بهار برای فرار از دست آنها به سمت پنجره رفت و آنها او را به پایین پرت کردند. از آنجا که پایین پنجره تعدادی درخت بود بهار ابتدا روی یکی از درختان افتاد و بعد روی زمین پرت شد. وقتی بهار را به بیمارستان منتقل کردند چند ساعت بعد بر اثر خونریزی داخلی از دنیا رفت.»

«خانواده بهار را آنقدر تحت فشار قرار دادند که آنها رباط کریم را ترک کرده و به شهری در استان مازندران نقل مکان کردند.»

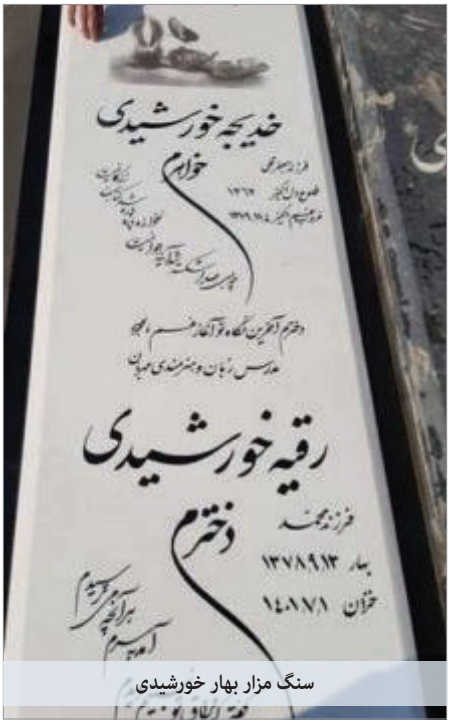
بهار (رقیه) خورشیدی فرزند ارشد محمد خورشیدی متولد ۱۳ آذر ۱۳۷۸ در تهران، فارغ التحصیل رشته ترجمه زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد «اسلامشهر» (شادشهر)، دانشجوی کارشناسی ارشد، مترجم، معلم زبان و نقاش ساکن رباط کریم بود که در ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱ پس از یورش ماموران امنیتی به محل زندگی خانواده‌اش، از پنجره طبقه چهارم آپارتمان در شهرستان رباط کریم به پایین پرت شد و پس از انتقال به بیمارستان به دلیل خونریزی داخلی جان سپرد.

کیهان لندن برای پیگیری قتل این دختر جوان تلاش کرد با خانواده او تماس بگیرد اما هیچکدام حاضر به گفتگو نشدند.

یک فرد نزدیک به خانواده بهار خورشیدی در ارتباط با قتل این دختر جوان به کیهان لندن می‌گوید: «در اوایل مهرماه بود که متوجه شدیم یک نفر در محله ما از ساختمان خانه‌شان به پایین پرت شده است. همه می‌گفتند به یک خانه حمله کرده‌اند و یک دختر را به پایین پرت کرده‌اند. ما ابتدا نمی‌دانستیم که آن دختر بهار بوده، تا در نهایت چند نفر از همسایه‌ها و دوستان به ما اطلاع دادند که آن دختر بهار بوده و کشته شده. ما پیگیری کردیم ولی هیچ خبری نبود چون همگی اعضای خانواده‌اش را تهدید کرده بودند و آنها هم از رباط کریم به شمال رفته بودند. حتی چند نفر از پسرهای همسایه را فرستادیم که با همسایه‌های آنها در آن ساختمان صحبت کنند؛ ابتدا موافقت کردند ولی بعدا هیچ حرفی نزدند که فهمیدیم آنها هم تهدید شده‌اند. مادرش بعد از چند هفته، چند وقت پیش جواب ما را داد ولی اصلاً هیچ حرفی در مورد کشته شدن بهار نزد. وقتی از او در مورد بهار پرسیدیم فقط می‌گفت «بهار مُرد»! او می‌گفت خواهر بهار ریحانه کلاً لال شده و هیچ حرفی نمی‌زند. البته دلیل‌اش را به ما نگفت ولی مسلماً به خاطر شوک ناشی از کشته شدن خواهرش قادر به صحبت کردن نیست.»



بهار خورشیدی



سنگ مزار بهار خورشیدی

این فرد آشنا به خانواده بهار خورشیدی ادامه می‌دهد: «ما در تلاش بودیم موضوع کشته شدن بهار را رسانه‌ای کنیم ولی هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود نداشتیم، حتی نمی‌دانستیم در کدام قبرستان بهار را دفن کرده‌اند، چون حتی در منطقه خودمان هم او را دفن نکردند. مراسم تشییع پیکر او روز دوم مهرماه در صالحیه امامزاده باقر، روستایی از توابع بخش گلستان شهرستان بهارستان انجام شد.

در روز مراسم خاکسپاری هم تعداد زیادی لباس شخصی و مامور امنیتی در محل خاکسپاری بهار حضور داشتند و به خانواده هشدار می‌دادند که« زیاد بزرگش نکنید»! بعد از مراسم هم از آگاهی و نیروهای امنیتی اعضای خانواده را برای پرونده بهار احضار می‌کردند. این فشارها آنقدر به آنها زیاد شد که در نهایت از رباط کریم به یکی از شهرهای استان مازندران نقل مکان کردند. »

به گفته وی، «در نهایت به واسطه یکی از نزدیکان خانواده متوجه شدیم ماجرا از این قرار بوده که بهار و خواهرش در یکی از روزهای پایانی شهریورماه وقتی داشتند برای شعارنویسی و چسباندن اعلامیه بر دیوارها به خیابان می‌رفتند نمی‌دانستند که در بیرون خانه تحت نظر ماموران امنیتی بوده‌اند تا اینکه یکی از همان روزها بهار و ریحانه وقتی همراه با مادرشان در بیرون خانه بودند با حمله ماموران امنیتی مواجه می‌شوند. ریحانه به محض اینکه متوجه حضور ماموران شد به سرعت بهار را فراری داد و بهار به سمت خانه فرار کرد. بهار موضوع حمله ماموران امنیتی را برای پدرش تعریف کرد. پدر بهار هم به سرعت برای پیگیری موضوع بازداشت همسر و دخترش از خانه خارج شد و بهار را با برادر کوچکترش در خانه تنها گذاشت تا به سراغ همسر و دخترش برود. غافل از اینکه ماموران امنیتی پس از رفتن پدر به سرعت خود را به آپارتمان آنها رساندند و داخل شدند.»

او در ادامه با بغض می‌گوید: «برادر کوچک بهار شاهد همه چیز بوده و گفته که ماموران امنیتی به خانه آنها حمله کردند. بهار برای فرار از دست آنها به سمت پنجره رفت و آنها او را به پایین پرت کردند. از آنجا که پایین پنجره تعدادی درخت بود بهار ابتدا روی یکی از درختان افتاد و بعد روی زمین پرت شد. وقتی بهار را به بیمارستان منتقل کردند چند ساعت بعد بر اثر خونریزی داخلی از دنیا رفت. ماموران امنیتی در طول این مدت به خانه آنها و مادربزرگ او رفتند و خواهر و مادر بهار را بازداشت کردند و آنها را تهدید به سکوت کردند و بعد از چند ساعت آنها را آزاد کردند.»

این فرد آشنا با خانواده بهار خورشیدی اضافه می‌کند: «البته چند نفر از همسایه‌ها هم شاهد این اتفاق بوده‌اند، چون در چندین محله این خبر به سرعت پخش شد که بهار را کشته‌اند و حتی یک اسلحه در کشوی میز آینه اتاق بهار جاسازی کردند تا پرونده خانواده را سنگین‌تر کنند. خانواده بهار هم به خاطر همین تهدیدهای ماموران امنیتی و از ترس هیچ حرفی نزدند و در نهایت مجبور به نقل مکان به یک شهر دور در شمال ایران شدند.»

بهار خورشیدی که نقاشی‌های خود را در صفحه اینستاگرام‌اش به اشتراک می‌گذاشت در معرفی خود به انگلیسی نوشته است: «من نقاشی میکنم. شما به افرادی مثل من نیاز دارید تا بتوانید انگشتان لعنتی خود را به سوی او بگیرید و بگویید: این آدم بد است!»

مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در موارد متعددی که شهروندان جوان و معترضان را کشته‌اند، ادعا کرده‌اند که یا آنها خودشان به پایین پرت شده‌اند و یا به قصد خودکشی خود را به پایین پرتاب کرده‌اند.

«به مامان چیزی نگو...» اما همه دنیا می‌داند!
جمهوری اسلامی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را هم به قتل رساند

حکم ناعادلانه و غیرقانونی اعدام محمدمهدی کرمی و محمد حسینی دو شهروند معترضی که آبان امسال بازداشت شده بودند، سحرگاه امروز شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ در زندان کرج اجرا شد.

متهمان پرونده به وکیل انتخابی دسترسی نداشتند و امکان دفاع از خود در دادگاه را نیز نیافتند و زیر شکنجه‌های شدید جسمی برای اقرار علیه خود قرار گرفتند.

مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور اتهامات سنگین و حکم «اعدام» علیه معترضان دفاع کرده و معتقدند آنها سزاوار طناب دار، بریدن دست و پا و نفی بلد هستند.


محمدمهدی کرمی و محمد حسینی در دادگاه انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی دو شهروند معترض را که در جریان اعتراضات بازداشت و با اتهامات واهی و بدون روند دادرسی عادلانه به اعدام محکوم شده بودند، سحرگاه امروز شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ به چوبه دار سپرد.

حکم ناعادلانه و غیرقانونی «اعدام» محمدمهدی کرمی و محمد حسینی دو شهروند معترضی که آبان امسال بازداشت شده بودند، سحرگاه امروز شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ در زندان کرج اجرا شد.

خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه جمهوری اسلامی خبر اعدام محمدمهدی کرمی ۲۲ ساله و محمد حسینی ۳۹ ساله را تأیید کرده است.

محمدمهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد. محمد آقاسی وکیل پایه یک دادگستری که از ماه گذشته به عنوان وکیل تعیینی محمدمهدی در حال تلاش برای پذیرش وکالتش بر این پرونده از سوی قوه قضاییه بود خبر داد که محمدمهدی از چهارشنبه گذشته و در اعتراض به اینکه قوه قضاییه از پذیرش وکیل او خودداری کرده، اعتصاب غذای خشک کرده بود.

جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمدمهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند.

محمدمهدی کرمی و محمد حسینی از جمله ۱۶ متهم پرونده امنیتی و مبهم کشته شدن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان بودند. پس از برگزاری مراسم چهلم حدیث نجفی در «بهشت سکینه» کرج، مأموران لباس‌شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردمی که در حال دفاع مشروع از خود بودند درگرفت.

در جریان این درگیری روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۶ شهروند را با اتهام سنگین محاربه و قتل این بسیجی راهی دادگاه انقلاب اسلامی کردند.

دادگاه انقلاب کرج پنج متهم پرونده، حمید قره‌حسنلو، محمد مهدی کرمی، سیدمحمد حسینی، رضا آریا و حسین محمدی را به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم و برای ۱۱ متهم دیگر زندان‌های «طویل‌المدت» صادر کرد.

متهمان پرونده به وکیل انتخابی دسترسی نداشتند و امکان دفاع از خود در دادگاه را نیز نیافتند. همه متهمان مورد شکنجه‌های شدید جسمی برای اقرار به قتل یا مشارکت در قتل روح‌الله عجمیان قرار گرفتند.

طی روزهای گذشته دیوان عالی کشور با فرجام‌خواهی سه متهم پرونده، حمید قره‌حسنلو، رضا آریا و حسین محمدی، موافقت کرد. بدین ترتیب حکم اعدام آنها لغو و پرونده برای بررسی دوباره به شعبه هم عرض رفت. دیوان عالی کشور اما حکم اعدام محمدمهدی کرمی و محمد حسینی و همچنین محمد قبادلو و محمد بروغنی تأیید کرد.

یکی از نکات مهم درباره دو متهمی که توسط حکومت به قتل رسیدند، عدم دسترسی آنها به افراد و جریان‌های صاحب‌نفوذ است. هر دو از اقشار ضعیف جامعه بودند. محمدمهدی کرمی ورزشکار و قهرمان کاراته، فرزند یک دستفروش بود. ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی، در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمدمهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه‌نشین است.

ماشالله کرمی گفته بود حکم اعدام به فرزندش ابلاغ شده بود و محمدمهدی خودش به پدرش این حکم را اطلاع داده: «به ما زنگ زد و گفت بابا حکم‌ها را به ما داده‌اند؛ حکم من اعدام است. پسرم گریه می‌کرد و می‌گفت به مامان چیزی نگو... مادرش وابستگی زیادی به مهدی دارد. پسرم ورزشکار است و همیشه تلاش می‌کرد که افتخار کسب کند. اگر اتفاقی برای مهدی بیفتد، زندگی ما هم به پایان می‌رسد. به آقای آصف حسینی گفتم، تو رو خدا دو بار، حبس ابد به بچه من بدهید، اما او را اعدام نکنید. پسر من چندین قهرمانی کشور در رشته کاراته دارد. من دستفروش هستم و با نان کارگری او را بزرگ کرده‌ام. همه آشنایان، همسایگان و همکارانم می‌دانند من دستفروشی می‌کردم تا این پسر بتواند یک روپایی ورزشی بگیرد و افتخارآفرینی کند. من نمی‌دانم امروز دادم را به کجا ببرم. روزی که مهدی دستگیر شد، کفش کالج و شلوار راسته پوشیده بود. مگر با این تیپ کسی به تظاهرات می‌رود؟»

پدر محمدمهدی گفته که فرزندش «در فیلمی که از او منتشر شده می‌گوید، برای مراسم چهلم حدیث نجفی رفته اما این حرکت ناگهان به اعتراضات شدید ختم شد. به خدا به پیر به پیغمبر بچه من بی‌گناه است. به مسئول پرونده گفتم این حکم را به بچه من نده، این بچه بی‌گناه است. به من گفتند، شما راضی هستی حکم خدا و پیغمبر را زیر سؤال ببرم؟!»

این پدر مستأصل و رنجدیده گفته که «به ما گفتند می‌توانید به حکم اعتراض کنید. یک هفته است به آقای وکیلی که قوه قضاییه تعیین کرده، زنگ می‌زنم، حتی جوابم را نمی‌دهد. این آقای وکیل حتی حاضر نشد، آدرس دفتر خود را به من بدهد. عکس مدال‌های پسرم را گرفتم که در پرونده بگذارد. یک استشهاد هم از مسجد محل گرفتم اما هنوز نتوانسته‌ام روی پرونده بگذارم، شاید خدا خواست و در دیوان، حکم اعدام به حبس بدل شد. به خدا قسم این روزها زندگی نداریم (بغض ماشاءالله می‌شکند و اشک می‌ریزد). به هر کس می‌گویم، می‌گوید، پرونده امنیتی است، ولش کن! دو هزار نفر در اعتراضات چهلم حدیث نجفی حضور داشته‌اند، جرم همه را به روی پرونده پسر من آوار کرده‌اند.»

ماشالله کرمی در ادامه گفته که «از او می‌پرسم، مهدی، جانِ من این کارها را تو کرده‌ای؟ می‌گوید، به خدا بابا، قسم به دستان پینه بسته تو که من این کارها را نکرده‌ام. اما برای حکم اعدام، آیا جز اعتراف نیاز به سند و مدرکی نیست؟ آیا نباید این جزییات بررسی شود. من اصلاً نمی‌دانم اینکه با شما صحبت می‌کنم، درست است؟ خدایی اگر هست که حتماً هست از آدم‌های بدبختی مثل ما، حفاظت کنه. ما

←

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
کیهان
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

هیچکس را نداریم و به خدا پناه می‌بریم. نمی‌دانم چه باید بکنم. مادر مهدی شب و روز گریه می‌کند و آه می‌کشد. اما دستمان به جایی بند نیست.»

محمدمهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمدمهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده‌اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او مُرده و «جنازه‌اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمدمهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافته است. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی‌اش را لمس و او را تهدید می‌کردند که به او تجاوز خواهند کرد.

درباره محمد حسینی شهروند ۳۹ ساله‌ای که او هم امروز و همزمان با محمدمهدی به دار آویخته شد اطلاعات زیادی منتشر نشده است. پیشتر فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران در ایران اطلاع داده بودند که پدر و مادر محمد حسینی پیشتر درگذشته‌اند و این جوان کسی را ندارد تا پیگیر پرونده‌اش باشد.

محمدمهدی کرمی و محمد حسینی در حالی ساعاتی پیش اعدام شدند که جمهوری اسلامی پیشتر دو جوان معترض ۲۳ ساله را اعدام کرده بود. محسن شکاری سحرگاه ۱۷ آذر در تهران و مجیدرضا رهنورد سحرگاه ۲۱ آذر در مشهد به دار آویخته شدند.

همچنین گزارش شده محمد قبادلو و محمد بروغنی دو شهروند معترض محکوم به اعدام نیز در خطر اجرای حکم قرار دارند. درخواست فرجام‌خواهی این دو جوان نیز از سوی دیوان عالی کشور رد شده و ممکن است حکم اعدام آنها نیز اجرا شود.

محمد بروغنی جوان ۱۹ ساله در جریان اعتراضات سراسری در پاکدشت دستگیر و به اتهام «آتش زدن فرمانداری پاکدشت» و «حمله منجر به جراحت به مامور دولت» با عنوان اتهامی «محاربه» به اعدام محکوم شده است. قابل توجه اینکه مأموری که محمد را به اتهام مجروح کردن او به «اعدام» محکوم کردند سالم و سر حال در دادگاه محمد حاضر شده و علیه او شهادت داده است!

محمد قبادلو جوان متولد ۱۳۷۹ در جریان اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت و متهم به «محاربه» و «افساد فی الارض» با «زیرگرفتن» چند نیروی حکومتی شده است. بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دو قطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» شود.

به نظر می‌رسد بازپرس امنیتی در این پرونده تلاش کرده موضوع بیماری محمد در پرونده پررنگ نشود و از فرستادن او نزد پزشکی قانونی برای بررسی سلامت روان هم جلوگیری به عمل آمده است. این در حالیست که گفته شده محمد در دادگاه به قاضی هم گفته که اختلال دو قطبی دارد و تأکید کرده دو ماه بوده دارو استفاده نکرده است.



معصومه احمدی مادر محمد قبادلو روز گذشته با انتشار تصویر پدر محمد قبادلو در بیمارستان نوشت که همسرش به علت فشار عصبی ناشی از تأیید حکم اعدام محمد دچار حمله قلبی شده است.

شمار زیادی از بازداشت‌شدگان طی چهار ماه گذشته و در جریان جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی، با اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو شدند و برای شماری از آنها حکم اعدام صادر شد. با وجود اینکه همه مواردی که متهم در خطر اعدام قرار دارد از سوی خانواده‌ها اطلاع‌رسانی نشده اما «سازمان حقوق بشر ایران» در تازه‌ترین گزارش خود، فهرست ۱۰۰ تن از معترضان بازداشت‌شده‌ای را که در معرض صدور یا اجرای حکم اعدام قرار دارند منتشر کرده است.

مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور اتهامات سنگین و حکم «اعدام» علیه معترضان دفاع کرده و معتقدند آنها سزاوار طناب دار، بریدن دست و پا و نفی بلد هستند.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۲۹ آذرماه ۱۴۰۱ از صدور احکام اعدام علیه شهروندان معترضی که از ابتدای خیزش ملّی بازداشت شدند دفاع کرده و گفته که «در حوزه محاربه، یک مبانی قرآنی مطرح است که می‌توان به آیه شریفه ۳۳ سوره مائده اشاره کرد که می‌فرماید سزای کسانی که با خدا و پیامبر می‌جنگند و در زمین ظلم می‌کنند، سزایی نیست جز این‌که به دار آویخته شوند و یا دست و پایشان در خلاف جهت بریده شوند و یا نفی بلد شوند.»

سخنگوی قوه قضاییه با حمله به «اساتید، حقوقدانان، روحانیون» و دیگر شهروندانی که صدور احکام «اعدام» و تعیین اتهامات سنگینی چون «محاربه» علیه معترضان بازداشت‌شده را زیر سوال برده‌اند، گفت این انتقادها «تشویش اذهان عمومی» است و «خط قرمز» است!

ادامه گرانی کالاها؛ اقتصادی که «علم‌الهدی» برایش رهنمود دهد بهتر از این نمی‌شود!

قیمت روغن مایع و روغن نباتی جامد در آذرماه امسال نسبت به ماه مشابه پارسال به ترتیب ۲۹۱ درصد و ۲۷۴ درصد رشد داشته است.

به گزارش وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی مصرف گوشت مرغ و ماهی در ایران با کاهش شدید روبرو شده و این مواد غذایی از سفره بسیاری از خانوارهای دهک‌های کم‌درآمد حذف شده است.

احمد علم الهدی پدرزن رئیس جمهوری اسلامی و امام جمعه مشهد با ادعای دروغ خودکفایی کشور در تولید مواد غذایی گفته که با همه تحریم‌ها، بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه تا دو میلیون بشکه صادرات نفت داریم و همه پولش را هم می‌گیریم!

سیاست‌های غلط و خرابکارانه‌ی جمهوری اسلامی در اقتصاد و تلاش دولت برای جبران کسری بودجه از طریق دستکاری بازارها سبب افزایش ادامه روند گرانی کالاها و خدمات در اوایل زمستان شده است. در این میان آخوند علم‌الهدی عین دیگر مقامات رژیم بدون داشتن دانش در این زمینه، به ارائه تحلیل‌های کلان اقتصادی و رهنمود از تریبون نماز جمعه مشغول است!

گزارش جدید مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که قیمت روغن مایع و روغن نباتی جامد در آذرماه امسال نسبت به ماه مشابه پارسال به ترتیب ۲۹۱ درصد و ۲۷۴ درصد رشد داشته؛ به عبارتی طی یک سال قیمت این محصول اساسی خوراکی تقریبا چهار برابر شده است.

مرکز آمار در جدیدترین گزارش درباره تورم اعلام کرده که قیمت برخی از اقلام خوراکی عمده مانند رشته آش، پیاز، سوس مایونز و برنج نیز بین ۱۰۰ تا ۱۳۸ درصد رشد داشته است.

در مجموع تورم اقلام خوراکی و آشامیدنی در آذرماه امسال نسبت به آذر پارسال به‌طور متوسط رشدی ۶۴ درصدی داشته و این رشد برای اقلام غیرخوراکی و خدمات ۳۹ درصد گزارش شده است.

نرخ تورم سالانه (افزایش قیمت کالاها و خدمات در ۱۲ ماه منتهی به آذرماه نسبت به دور مشابه پارسال) نیز ۴۵ درصد گزارش شده است. نرخ تورم سالانه برای خانوارهای شهری بالای ۴۴ درصد و روستایی نزدیک ۴۹ درصد است.

گرانی‌ها در روزهای گذشته و در دو هفته نخست دی‌ماه نیز ادامه داشته است. بر اساس گزارش‌ها قیمت گوشت قرمز به بیش از ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. همچنین هر کیلو دل مرغ کیلویی ۸۸ هزار تومان

است و قیمت یک بسته ۵۰۰ گرمی دل مرغ توسط سایت‌های آنلاین فروش حدود ۴۴ هزار تومان در حال عرضه است.

قیمت جگر مرغ ۱۸ هزار تومان تعیین شده اما قیمت یک بسته ۶۰۰ گرمی آن بین ۲۵ هزار تا ۳۳ هزار تومان در مغازه‌های مرغ‌فروشی سطح شهر به فروش می‌رسد.

به گزارش وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی مصرف گوشت سفید شامل گوشت مرغ و ماهی در ایران با کاهش شدید روبرو بوده و این مواد غذایی از سفره بسیاری از خانوارهای دهک‌های کم‌درآمد حذف شده اما در میان دهک‌های پردرآمد میزان مصرف نسبت به گذشته ثابت مانده است.

وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی همچنین از رشد چشمگیر شمار خانوارهای فقیر در ایران و افزایش خط فقر در ایران خبر داده است، به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یک‌سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شدند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند با توجه به گرانی قیمت ارز در هفته‌های گذشته، پیش از نوروز موج دیگری از گرانی کالاها و خدمات در راه خواهد بود. این در حالیست که درآمد خانوارها با هزینه زندگی‌شان هیچ تناسبی با هم ندارد و بیش از ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران زیر خط فقر قرار دارند.

در این میان هیچ چشم‌انداز کارآمد و روشنی برای بهبود شرایط اقتصادی، و یا دستکم بهبود شرایط معیشت و خوراک شهروندان کم‌درآمد وجود ندارد. برای نمونه بر اساس لایحه بودجه دولت تصمیم بر افزایش ۱۰ درصدی یارانه‌های نقدی شش دهک پایین درآمدی دارد. مبلغ این یارانه‌ها در حال حاضر ۴۰۰ هزار تومان است که اگر افزایش ۱۰ درصدی آن در مجلس شورای اسلامی هم تصویب شود، یارانه به ۴۴۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت. همین رقم ناچیز ۱۰ درصدی یارانه در برابر تورم ۵۰ درصدی عمومی اقتصاد و تورم حدود ۷۰ درصدی مواد خوراکی بیانگر ناتراز بودن منابع درآمدی و هزینه‌ای خانوارها، به ویژه در میان اقشار تنگدست، است.

در چنین شرایطی اظهار نظرهای غیرکارشناسی افراد ناشایست و ناکارآمدی که در ساختار جمهوری اسلامی در رأس امور قرار دارند نیز مانند پاشیدن نمک بر زخم مردم سرگردان شده است.

احمد علم الهدی پدرزن رئیس جمهوری اسلامی و امام جمعه مشهد روز جمعه ۱۶ دی مدعی شد که «تمام نقش دلار و ارز در اقتصاد ایران بین ۲۰ تا ۲۵ درصد است و آن‌چه به اقتصاد و معیشت ما مربوط است، نوسان قیمت ارز چندان اهمیت ندارد.»

پدرزن ابراهیم رئیسی از تریبون نماز جمعه مشهد با نسبت دادن بحران ارز به «توطئه دشمن» گفت: «مسئله ارز از نظر دولت قیمت ثابت دارد، برای واردات کشور قیمت ارز در ارز نیمایی قیمتی ثابت و ۲۸۵۰۰ تومان است.»

احمد علم‌الهدی همچنین افزوده که «با همه تحریم‌ها، بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه تا دو میلیون بشکه صادرات نفت داریم و همه پولش را هم می‌گیریم.»

امام جمعه مشهد در ادعای دیگری از «خودکفایی» در تولید همه مواد غذایی در کشور خبر داده است. این در حالیست که ایران برای گندم به عنوان پرمصرف‌ترین ماده غذایی کشور به شدت نیازمند واردات است و دولت حتی نتوانسته طی دو سال گذشته به اندازه کافی گندم وارد کند، چه برسد به اینکه خودکفایی در تولید گندم ایجاد کند.

برنج، دومین کالای غذایی پرمصرف کشور نیز با وضعیتی بحرانی روبروست و البته این بحران طی هفته‌های گذشته



با تصمیم دولت مبنی بر صدور بخشنامه ممنوعیت واردات برنج افزایش یافته است.

کریم اخوان اکبری رئیس انجمن واردکنندگان برنج ضمن اعلام ممنوعیت واردات برنج به کشور از این تصمیم ناگهانی وزارت جهاد کشاورزی ابراز نگرانی کرد و گفت: این تصمیم موجب خالی شدن سبد مصرف اقشار کم‌برخوردار از برنج و کوچک شدن سفره آنان خواهد شد.

کریم اخوان اکبری با ارائه آماری از میزان مصرف برنج خارجی گفته که سفره حداقل شش دهک اول کشور، معادل نیمی از مصرف‌کنندگان برنج، وابسته به برنج‌های وارداتی است که قیمتی به مراتب کمتر از تولیدات داخلی دارند.

به گفته رئیس انجمن واردکنندگان برنج، از ابتدای سال جاری تاکنون یک میلیون و ۲۷۴ هزار تن برنج وارد شده است، در حالی‌که نیاز کشور به واردات ۱.۵ میلیون تن است و تا پایان سال باید ۲۵۰ هزار تن برنج وارد شود تا پاسخگوی نیاز کشور به‌ویژه با توجه به نزدیکی عید نوروز و ماه رمضان باشد.

برخلاف ادعای دروغ احمد علم الهدی، سیاست‌های جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته تهدیداتی مهم در زمینه «امنیت غذایی» در ایران ایجاد کرده است. در سطح کلان، مدیریت ناکارآمد کشاورزی و به نابودی کشاندن اقتصاد کشاورزی و در سطح خُرد نیز تصمیمات لحظه‌ای و بخشنامه و مصوبات نسنجیده سبب شده بحران روی بحران افزوده شود.

بطور خاص درباره برنج نیز خبرهایی درباره افزایش قیمت محصولات جدید برنج منتشر شده که به دلیل افزایش هزینه‌هایی چون حقابه از سوی دولت است. مقامات دولتی نه تنها در سال جاری هزینه حقابه برنجکاران را به شدت افزایش دادند بلکه در بودجه سال آینده نیز تصمیم دارند هزینه آب مصرفی در بخش کشاورزی و خانگی را افزایش دهند؛ این اقدام هر چند جیب دولت را پُر و درآمدش را افزایش می‌دهد اما هزینه تولید محصولات کشاورزی را نیز افزایش می‌دهد.

رضا سرافرازی از مدیران وزارت جهاد کشاورزی دو هفته پیش تأیید کرده بود که بهای آب برای کشاورزان از هم‌اکنون افزایش یافته و گفته بود که قیمت محصولاتی مانند برنج از ۳۰ هزار تومان در هر کیلو به ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافته و لذا افزایش قیمت آب برای مزارع نیز طبیعی است!

در ماه‌های گذشته گزارش‌هایی از فشار هزینه‌ای ناشی از افزایش قیمت آب بر کشاورزان منتشر شده بود. برای نمونه بهای آب شالیکاران مازندرانی امسال بیش از ۹۰ درصد افزایش یافته و به این ترتیب اولین قدم در تولید برنج برای کشاورزان بسیار گران تمام می‌شود.

کشاورزان استان گفته بودند که «پارسال آب‌بها کمتر از یک میلیون تومان بود، بدک نبود، روزی‌مان در می‌آمد، اما امسال نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است که یک دفعه به دو میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. اگر بگوییم کیفیت آب بیشتر شده است که این مسئله خنده‌دار است، چون کیفیت که تغییر نکرده است، میزان آب هم که کمتر شده و بیشتر نشده است.»

اینهمه نشان می‌دهد که قیمت برنج ایرانی نیز در ماه‌های آینده با افزایش دوباره روبرو خواهد شد و ممنوعیت واردات برنج خارجی هم سبب افزایش قیمت انواع برنج خارجی در بازار می‌شود. در شرایطی که خانوارهای زیادی تنها توان خرید برنج خارجی که ارزانتر از برنج ایرانی است را دارند، باید حالا شاهد حذف کامل برنج از سفره شمار زیادی از خانوارها بود.

کمپین پشتیبانی ستارگان هالیوود از خیزش آزادیخواهی مردم ایران؛ نیکول نجفی: از سلبریتی‌ها می‌خواهیم در جشنواره‌ها درباره مردم ایران صحبت کنند



جادا پینکت اسمیت، جیسون مومواَ و ماریون کوتیار

نیکول نجفی، آنا لیلی امیرپور، موژان مارنو و شماری دیگر از بازیگران و هنرمندان ایرانی- آمریکایی هالیوود کمپینی برای حمایت از صدای آزادیخواهی مردم ایران به راه انداخته‌اند.

برایان کرانستون، جادا پینکت اسمیت، برایان کاکس، رابروت دنیرو و ماریون کوتیار از جمله سلبریتی‌های سینما هستند که از خیزش مردم ایران حمایت کردند.

همزمان با کارزار هنرمندان هالیوود هشتگ «StopExecutionsInIran#» (اعدام در ایران را متوقف کنید) در شبکه‌های اجتماعی فعال شد.

موژان مارنو هنرپیشه ایرانی‌تبار به «هالیوود ریپورتر» می‌گوید: «ما می‌خواهیم تا حد امکان چشم دنیا را به مسائل ایران باز کنیم و کاری کنیم که جمهوری اسلامی زیر فشار قرار بگیرد و متوجه شود جامعه بین‌المللی ناظر بر اقدامات آنهاست».

آنا لیلی امیرپور می‌گوید: «کمترین کاری که می‌توانم انجام دهم تماس گرفتن با اهالی سینما و تلویزیون است تا از آنها بخواهم از مردم ایران حمایت کنند».

کیت بلانشت، جیسون مومواَ، ساموئل ال. جکسون، برایان کرانستون و اوا لونگوریا از جمله بیش از ۵۰ هنرمند، بازیگر و دست‌اندرکاران هنر سینما با حمایت از خیزش مردم در ایران خواستار پایان دادن به اعدام معترضان بازداشتی شدند.

وبسایت «هالوود ریپورتر» ششم ژانویه (۱۶ دی‌ماه) گزارش داد نیکول نجفی (فیلمنامه نویس ایرانی- آمریکایی)، آنا لیلی امیرپور (کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده) و مژان مارنو هنرپیشه امریکایی ایرانی‌تبار سینما و رادیوتلویزیون در یک پیام ویدیویی با اشاره به بازداشت هزاران نفر از مردم و اجرای حکم اعدام معترضان اعلام کردند «ما در کنار مردم ایران در مبارزه آنها برای آزادی می‌ایستیم... هزاران معترض دستگیر شده‌اند و شماری اعدام شدند. بسیاری در خطرند. اما دنیا ناظر این وضعیت است.» آنها به مخاطبان توصیه می‌کنند به این کارزار پیوسته و با عکس گرفتن از خود با نوشته و هشتگ «اعدام را در ایران متوقف کنید» و انتشار آنها در شبکه‌های اجتماعی به این کارزار بپیوندند.

همزمان با کارزار هنرمندان هالیوود هشتگ «StopExecutionsInIran#» (اعدام در ایران را متوقف کنید) در شبکه‌های اجتماعی فعال شد.

موژان مارنو به «هالیوود ریپوتر» می‌گوید: «ما می‌خواهیم تا حد امکان چشم دنیا را به مسائل ایران باز کنیم و با این کمپین کاری کنیم که جمهوری اسلامی زیر فشار قرار بگیرد و متوجه شود جامعه بین‌المللی ناظر بر اقدامات آنهاست. هدف دیگر این است که به ایرانیان داخل کشور نشان دهیم که دنیا پشت آنها ایستاده و فراموش نمی‌شوند. به آنها بگوییم که اعتراض و رنج آنها بیهوده نیست. آنها در خیابان‌ها هستند و جان خود را به خطر می‌اندازند و اکنون ماه‌هاست که خیزش آنها ادامه دارد. ما نمی‌توانیم استقامت روحی و جسمی آنها را دست کم بگیریم.»

آنا لیلی امیرپور می‌گوید: «ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که می‌دانیم نسل جدید مردم ایران خواهان آزادی هستند و سرنوشت خود را در دست می‌گیرند و تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که این گفتمان را با ابتکارات نو و حیاتی ادامه دهیم.»

یکی دیگر از آنها که به این کارزار پیوسته برایان کاکس بازیگر اسکاتلندی است. وی برای ایفای نقش در فیلم تلویزیونی «نورنبرگ» جایزه معروف «امی» را برای بهترین بازیگر مکمل مرد دریافت کرد. همسر او سارا کیت سیلورمن یک رگه‌ی ایرانی دارد.

از دیگر حامیان مردم ایران در دنیای هنر ماریون کوتیار بازیگر فرانسوی است که برای نقش‌های مختلف در فیلم‌هایی مثل «بلاک باستر» و «مستقل» شهرت دارد و برنده جایزه اسکار و گلدن گلوب است. او به همراه دیگر ستاره‌های سینما مثل ژولیت بینوش موهای خود را در حمایت از زنان ایران قیچی کرد.

نیکول نجفی درباره اهمیت جلب حمایت سلبریتی‌ها برای پشتیبانی از مردم ایران می‌گوید: «دیدن افراد غیرایرانی در رسانه‌ها که جلوتر از دیگران از ما حمایت می‌کنند معنی بسیار دارد، زیرا رسانه‌های خبری مردم ایران را نادیده می‌گرفتند، بسیاری از آنها اصل موضوع را اشتباه منعکس می‌کردند و حتا گاهی اوضاع را بدتر کرده‌اند.»

امیرپور می‌گوید: «کمترین کاری که می‌توانم انجام دهم تماس گرفتن با اهالی سینما و تلویزیون است تا از آنها بخواهم از مردم ایران حمایت کنند.»

او ادامه می‌دهد: «وقتی انتقادهایی را درباره افراد مشهور می‌بینم که چرا درباره مسائل سیاسی صحبت می‌کنند، برایم بی‌اهمیت است. مسئله مهم جلب حمایت از مردم ایران است. وظیفه‌ی افراد مشهور، موسیقیدانان، فعالان و همه آنهایی که مورد توجه اقشار جامعه هستند این است که رسانه‌های جریان اصلی را وادار کنند تا ایران را در کانون توجه قرار دهند.»

نیکول نجفی با اشاره به بازداشت شماری از سینماگران در ایران از جمله ترانه علیدوستی [که اخیرا آزاد شد]، جعفر پناهی و محمد رسول‌اف افزود: «ویدئوهایی که در کارزار حمایت از مردم ایران منتشر شد مثل یک طومار مورد حمایت سلبریتی‌ها قرار گرفت. امیدوارم افراد بیشتری به ویژه در میان هنرمندان شجاعت به خرج دهند و حمایت علنی خود را از مردم ایران بیان کنند و حمایت‌شان را در رسانه‌های اجتماعی نشان دهند. امیدوارم افراد مشهور در حین سخنرانی در مراسم و جشنواره‌ها درباره ایران صحبت کنند. نباید چشم بر وضعیت جامعه ایران بست و می‌بایست از هر موقعیتی برای رساندن صدای مردم استفاده کرد.»



هشدار «خودی»ها به نظام:

همکاری با روسیه همراه با سرکوب مردم و «انگولک خارجی» کار دست جمهوری اسلامی می‌دهد



پهپادهای «شاهد ۱۳۶»

جیمز هایپی از مقامات ارشد دفاعی انگلیس می‌گوید «جنگ اوکراین نشان داد که فناوری روسیه چندان پیچیده نیست و آنطور که انتظار می‌رفت در میدان نبرد کارآیی مؤثری نداشت. همسایگان ایران نباید زیاد نگران تحویل تسلیحاتی روسیه به ایران باشند».

بلال صعب کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیتی و دفاعی در مؤسسه خاورمیانه: «این واقعیت که روس‌ها نتوانسته‌اند بطور مؤثر از فناوری تسلیحات خود در اوکراین استفاده کنند، به این معنا نیست که ایرانی‌ها نیز قادر به استفاده مؤثر از هرگونه فناوری جدید تسلیحاتی (ارائه شده توسط روسیه) در عملیات خود نیستند... این احتمال وجود دارد که بتوانند بهتر عمل کنند».

نصرالله تاجیک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی: آنچه غربی‌ها را حساس کرده علاوه بر التهابات اجتماعی در ایران و فروش پهپاد به روسیه، نزدیکی جمهوری اسلامی و روسیه است که جدا از اعتراضات بحق مردم بخشی از انگولک خارجی نیز به همین نزدیکی برمی‌گردد». تاجیک تأکید کرده «تشدید برخوردهای تند با اعتراضات چشم‌انداز احیای برجام را تیره‌تر کرده است».

سناتور باب منندز رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا: رژیم ایران همانطور که مردم خود را در خانه می‌کشد، در حمله غیرقانونی روسیه به غیرنظامیان اوکراینی نیز شریک است.

با وجود نگرانی‌های شدید در مورد پشتیبانی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین با ارسال پهپادهای انتحاری، یک مقام ارشد دفاعی بریتانیا به «بریکینگ دیفنس» گفت که معتقد است تهران مرتکب «خطایی بزرگ» شده، زیرا این فرصتی برای قدرت‌های غربی است تا نقاط ضعف خود را در ارتباط با آن شناسایی کنند. همچنین کارشناسان در مورد اثربخشی هرگونه فناوری روسی که ممکن است در ازای آن به ایران منتقل شود ابراز تردید کرده‌اند.

جیمز هایپی از مقامات ارشد دفاعی انگلیس می‌گوید «استفاده گسترده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی» به اوکراینی‌ها و متحدان غربی آن این امکان را داده است تا «نقاط ضعف فناوری ساخت [رژیم] ایران را شناسایی کنند و راه حل‌های مؤثری برای مقابله با آنها ارائه دهند.»

مقامات آمریکایی و بریتانیایی مدعی شدند که تهران در ازای دریافت پهپادها، انواع فناوری‌های پیشرفته نظامی و پشتیبانی فنی از روسیه برای تقویت قدرت هوایی و پدافند هوایی جمهوری اسلامی دریافت خواهد کرد. اما با توجه به عملکرد ضعیف ارتش روسیه در اوکراین، این از نظر مقام ارشد دفاعی انگلیس چندان نگران کننده نیست.

جیمز هایپی به «بریکینگ دیفنس» گفت: «جنگ اوکراین نشان داد که فناوری روسیه چندان پیچیده نیست و آنطور که انتظار می‌رفت در میدان نبرد کارآیی مؤثری نداشت. همسایگان ایران نباید زیاد نگران این موضوع باشند.»

برخی از تحلیلگران با ارزیابی این مقام بریتانیایی موافق‌اند. مائوریتزیو گری تحلیلگر پیشین صلح، امنیت و دفاع در فرماندهی ناتو در ایالات متحده گفت: «برای روسیه چندان فناوری متعارف مؤثری باقی نمانده زیرا آنها بیشتر ذخایر تسلیحاتی خود را در جنگ تمام کردند.»

گری خاطرنشان کرد: «تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا، روسیه را از فناوری مورد نیاز برای ساخت سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته خود محروم کرده است». او گفت: «من نمی‌دانم برای آنها چقدر تسلیحات باقی مانده که بتواند به رژیم ایران هم برسد، اما فکر نمی‌کنم زیاد باشد.»

از سوی دیگر جیمز هایپی نیز گفت که بسیاری از کشورهایی که قبلا تسلیحات روسی می‌خریدند، به دلیل عملکرد ضعیف این سلاح‌ها در میدان نبرد در اوکراین، اکنون به دنبال منابع دیگری هستند.با اینهمه بلال صعب کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیتی و دفاعی در مؤسسه خاورمیانه هشدار می‌دهد: «این واقعیت که روس‌ها نتوانسته‌اند بطور مؤثر از فناوری تسلیحات خود در اوکراین استفاده کنند، به این معنا نیست که ایرانی‌ها نیز قادر به استفاده مؤثر از هرگونه فناوری جدید تسلیحاتی (ارائه شده توسط روسیه) در عملیات خود نیستند.»

صعب می‌افزاید: «این بدان معنی نیست که ایرانی‌ها قطعاً می‌توانند بهتر از روس‌ها از فناوری‌های آنها استفاده کنند، اما با توجه به سابقه موفق در حملات هوایی در منطقه با استفاده از پهپاد و موشک‌های کروز، این احتمال وجود دارد که بتوانند بهتر عمل کنند.»

«انگولک خارجی»!

در ایران حکومت امیدوار شده در ازای کمک پهپادی به روسیه جنگنده‌های «سوخو ۲۵» و موشک روسی دریافت می‌کند اما نصرت‌الله تاجیک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی معتقد است «نزدیکی به روسیه کار دست ایران داد!» او توضیح داده است «ارسال پهپاد به روسیه به یک تهدید استراتژیک تبدیل شده که می‌تواند تبعاتی برای امنیت ملّی داشته باشد.»

وی تأکید کرده «آنچه غربی‌ها را حساس کرده صرفاً تبعات التهابات اجتماعی ایران یا فروش پهپاد به روسیه نیست بلکه همکاری‌های نظامی روسیه و ایران با گرفتن هواپیماهای سوخو ۳۵ روسی است که دو کشور را بیش از گذشته بهم نزدیک می‌کند. جدا از اعتراضات بحق مردم، بخشی از انگولک خارجی نیز به همین نزدیکی برمی‌گردد.»

تاجیک تأکید کرده «تشدید برخوردهای تند با اعتراضات، چشم‌انداز احیای برجام را تیره‌تر کرده است.»

در این میان، سناتور باب منندز رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا با بازنشر توییت فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین درباره انهدام ۹۴ پهپاد «شاهد» ساخت جمهوری اسلامی در چند روز اخیر، نوشت: «این یادآوری مهمی است، رژیم ایران همانطور که مردم خود را در خانه می‌کشد، در حمله غیرقانونی روسیه به غیرنظامیان اوکراینی نیز شریک است.» سناتور منندز افزود: «این رژیم برای چیزی جز بقای خود ارزش قائل نیست.»

اینهمه در شرایطی است که قرار است اروپایی‌ها ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) در مورد قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی تصمیم‌گیری کنند. در شبکه‌های اجتماعی ایرانی‌ها هشتگ «#IRGCterrorists» را فعال کرده‌اند تا اعلام کنند آنها نیز سپاه پاسداران را یک تشکیلات تروریستی می‌دانند.با این حال انگیزه کشورهای اروپایی برای تروریستی شناختن سپاه پاسداران متفاوت است. برای برخی از دولت‌های غربی مقابله با ارسال پهپاد به روسیه توسط جمهوری اسلامی در اولویت قرار دارد و برخی دیگر بیشتر مسائل حقوق بشری و سرکوب معترضان و همچنین فعالیت‌های تروریستی عوامل سپاه در خاک اروپا را تهدید اصلی می‌دانند. اما همگی آنها در مورد ضرورت مقابله با دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی دیدگاه مشترک دارند.

برخی سناتورهای فرانسه اخیراً طرحی را به مجلس سنای این کشور ارائه کرده‌اند که از فرانسه و اتحادیه اروپا می‌خواهد سپاه پاسداران را به فهرست سازمان‌های تروریستی اضافه کنند، به مذاکرات هسته‌ای پایان دهند، تحریم‌های جدیدی علیه بانک‌های مرتبط با جمهوری اسلامی اعمال کنند و حریم هوایی را به روی هواپیماهای تحت مالکیت یا ثبت شده در جمهوری اسلامی ببندند.

چشم انداز اقتصادی در ایران فردا؛
سیاست، سیستم، حقوق، پول، سرمایه، پژوهش

آنها که می‌خواهند جامعه را به عقب برگردانند، نه تنها به فرایافت تطور که غیر قابل برگشت است توجه ندارند و آن را نمی‌شناسند بلکه قادر به طرّاحی تصّوری برای آینده نیز نیستند. این پیامبران را باید به شدّت از جامعه راند تا راه به سوی آینده هموار شود.

واحدهای اقتصادی کشور به قوانین و مقرراتی نیاز دارند که برای سرمایه سبب اطمینان، برای کارگران و کارمندان و سندیکاها باعث اعتماد و برای دولت منبع درآمد مالیاتی قابل ملاحظه‌ای بشود. به دلیل وابستگی این عوامل است که مدیریت هر واحد اقتصادی فقط موقعی می‌تواند خردگرا باشد که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی، حتی محیط زندگی فردی نیز خردگرا و قابل محاسبه باشند، بنا بر کارکرد مشخصی خود را از دیگر سیستم‌ها، یعنی محیطشان، مجزا سازند تا در کار هم مداخله نکنند و پیچیدگی غیر قابل فهم فراهم نسازند.



نصرت واحدی – این نکات برای حمایت از جنبش هجوم و تسخیر پیشنهاد می‌شود. مقدمه زیر هم با هدف پاسخ به رسانه‌های خارجی تنظیم شده که می‌گویند قیام مردم نمی‌داند چه می‌خواهد!

ت – رفع کمبودها و تورّم همراه با ایجاد مراکز مطالعات اقتصادی

سیستم اقتصادی مملکت باید مستقل و دارای امکاناتی برای رفع کمبودها و کاهش تورّم و بیکاری باشد. این پیچ‌های تنظیم کارهای اقتصادی که در سیاست‌های پولی بانک مرکزی و اتاق بازرگانی نهفته‌اند لازم است مدام شرایط روز مملکت و اوضاع بین‌المللی را در نظر بگیرند تا هماهنگی کاملی میان اقتصاد ملّی و اقتصاد جهانی به وجود آید. کاری که نه تنها نیاز به مدیران نخبه و زبده در این مراکز دارد بلکه افزون بر این کشور احتیاج به مراکز مطالعات «اقتصادی خودمختار» نیز دارد تا سالانه وضع اقتصادی کشور را مطالعه، ارزیابی و پیش‌بینی کرده و برای دشواری‌های احتمالی چاره‌اندیشی بنمایند. این چاره‌اندیشی‌ها باید مورد توجه دولت و دستگاه اقتصادی مملکت قرار بگیرد، دو طرفی که به همکاری یکدیگر در رفع کمبودها و پائین آوردن نرخ تورّم نیازمندند.

ی- ثبات ارزش پول و آزادی ارز

تورّم موجود در جمهوری اسلامی که به دلیل ناکارآمدی مزن نظام دامنگیر مردم شده، نه تنها فشاری شکننده بر قشر حقوق‌بگیر مملکت است، بلکه افزون بر این بی‌عدالتی در مورد آنهائی است که سال‌ها برای دوران سالمندی، هزینهی جهیزیه دختر و یا پرداخت مخارج تحصیل فرزندان خویش پس‌انداز کرده‌اند و حالا بخشی از آن به دلیل کاهش ارزش پول به یغما می‌رود. این ستم که ستم دینسالاری است، باید بعد از برکناری این رژیم، فوراً برطرف گردد. یعنی با تعویض پول، که اجبارا باید صورت بگیرد، لازم است جریان آن مدام با میزان تولید و ظرفیت کالاهای عرضه شده در بازار متناسب و سازگار گردد تا این پول دارای قدرت خرید تقریباً ثابتی بشود. بعلاوه ارزهای خارجی نیز بایستی فارغ از هر مهاری باشند تا صادرات و واردات ایران گسترش آزاد پیدا کند و وابسته به تحوّلات درون کشورهای خارجی نباشد. کاری که از وظایف و در مسئولیت بانک مرکزی است. در این راستا نیز دولت و بانک مرکزی ضرورت دارد به قرض‌های دولت رسیدگی کرده و آنها را خردمندانه سامان دهند. در این راه «دادخواهی تخلّفات گذشته» از امور واضح است.

اما با تعویض اسکناس می‌بایستی یک حالت اولیه بر ابراز نظر مالی برای شهروندان ایران ایجاد گردد[۱] تا بتوان امر عدالت را که خواستی دیرینه است در شکل «انصاف» پیاده کرد.

ص – طرح مناسبات سیستم اقتصادی با دستگاه‌های دیگر اجتماع

ساختار یک جامعه‌ی مدرن به دستگاه‌های دیگری چون اقتصاد، سیاست، حقوق، دین... تقسیم می‌شود. این دستگاه‌ها همه خودساز و خودمختارند. در نتیجه بنا بر نیازهائی که پیدا می‌کنند میانشان مناسباتی نیز برقرار می‌گردد که نه عملکردی بلکه ساختاری هستند. علّت وجودی چنین مناسباتی که در جوامع ابتدائی هم مشاهده می‌شود، توقعاتی است که تنگاتنگ با نیازهای مردم همراه است. مثلا هنگامی که مردم به هر دلیل نیاز به پوشیدن کفش پیدا می‌کنند، برخی از آنها کفش‌دوزی می‌آموزند و دکّان باز می‌کنند تا به این شکل به این نیاز پاسخ بگویند. بلافاصله با این ساختار اجتماعی جدید، توقعاتی چون وجود کفش زنانه، مردانه و کودکانه و یا تعمیر کفش، واکس برای پاک کردن آن، یا کفش‌هائی با رنگ‌های مختلف، جنس مختلف، ابزار و وسایل گوناگون تولیدی و... شکل می‌گیرد.

پس سیستم اقتصادی، به دلیل توقعات گوناگون موجود در اجتماع، با دستگاه‌های اجتماعی دیگر جامعه از راه مناسبات ساختاری ویژه‌ای ارتباط پیدا می‌کند. به این مناسبات ساختاری ویژه می‌بایستی باید پس از گذر از استبداد اندیشید و توقعات موجود را مجدداً ارزیابی کرد و کهنه‌ها را به دور ریخت و نو آفرید.

اما با تصّورات جدید، خودبخود، مجموعه‌ی امکانات اقتصادی- اجتماعی کشور تنومندتر و با آن سطح طراحی آینده گسترده‌تر می‌گردد. زیرا چون آینده نامعلوم است هر تصورّ جدیدی می‌تواند منبع تصمیم‌گیری دیگری در طراحی زندگی آتیه باشد. هرچه این تصوّرات فزونی بیابند زاویه‌ی دید آینده نیز بزرگتر و با آن رقابت برای اداره‌ی مملکت بیشتر می‌گردد. به زبانی دیگر افراد و گروه‌های جامعه هیچگاه برای آتیه یکجور فکر نمی‌کنند و اندیشه‌های بکر آنان درباره آینده با تحلیلی یکسان از وضعیت حال به دست نیامده است.

مملکت ولی هر فکر بکری را (تصورّی) نمی‌پذیرد و پرورش نمی‌دهد. به بیانی دیگر هر تصورّی از آینده هدفی است که تحقق آن منوط به سازگاری آن با محیط زندگی روز است. محیطی که از نظر زمانی یک مقطع تاریخی و از نظر مکانی کلیهٔ بخش‌های فرهنگی و امکانات اجتماعی- علمی- فنی ایرانزمین را شامل می‌شود. درست در این معنی از روزگار، فرایافت تطور نقش اساسی بازی می‌کند. زیرا این فرایافت جامعه را مدام دگرگون می‌کند و با آن هرگونه ثباتی را درهم می‌شکند. از این رو کار سازگاری هر تصورّی با زندگی روز موکول به گذر از یک مقطع زمانی به مقطع زمانی دیگر است تا آن تصوّر در جامعه خانه کند.

وقتی رضاشاه «کشف حجاب» را تصّور نمود و با آن خواست به جامعه ساختار جدیدی بدهد، سازگاری این مقصود با محیط زندگی آن روزگار نامعلوم بود. اما وقایع تاریخی غیرمترقبه، یا کلّی‌تر روند تطوری جامعه، با همه‌ی درستی تصوّر «کشف حجاب» دست رد به سینه‌ی آن زد و آینده را، اکنون که مشاهده می‌کنیم، در شکل دیگری متظاهر ساخت. پس تاریخ نه با اطلاعات بلکه با

←

تصوّرات انسان تاریخ می‌شود. این تصّورات که به هر حال تبلور مقاصدی اجتماعی هستند به آدمی قدرت بازی زندگی آتیه را عطا می‌کنند و سکوهای پرواز به آینده را نمایش می‌دهند. هرچه تصوّرات بیشتری قاصد آینده باشند، افق تصمیماتی که می‌توان برای رفع دشواری‌ها در نظر گرفت و آینده را تصویر کرد نیز گسترده‌تر می‌گردد.

پس آنها که می‌خواهند جامعه را به عقب برگردانند، نه تنها به فرایافت تطور که غیر قابل برگشت است توجه ندارند و آن را نمی‌شناسند بلکه قادر به طرّاحی تصّوری برای آینده نیز نیستند. این پیامبران را باید به شدّت از جامعه راند تا راه به سوی آینده هموار شود.

بر محور این توضیحات، چشم‌انداز مناسبات سیستم اقتصادی با دیگر دستگاه‌های اجتماعی را می‌توان به‌اندیشه در آورد که به شرح زیر ارائه می‌شود:

- رابطه‌ی اقتصاد و سیاست

رابطه‌ی میان اقتصاد و سیاست با قوانین مالیاتی و پرداخت عوارض و اضافاتی شکل می‌گیرد که دولت به عناوین مختلف از شهروندان خود، یعنی کسبه، شاغلین و کارگران، تجارّ، کارفرمایان و سرمایه‌داران و صاحبان صنایع، و یا شهرها و روستاها بطور مستقیم و یا غیرمستقیم دریافت می‌کند. این رابطه که اساس کار دولتی مستقل و گفتمان خردگرا با اقتصاد است، باید چنان باشد که در کشور اقتصاد بازار آزاد سوسیال به وجود آید و اداره‌ی مملکت بدون درآمد نفت ممکن شود. در این راه توزیع عادلانه‌ی ثروت به وسیله‌ی قوانین مالیاتی از یکسو، و معاهده‌های کارگری و شغلی با کارفرما و صاحبان سرمایه که باید با دخالت سندیکاها شکل بگیرند، از سوی دیگر نقش تعیین‌کننده در صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز خواهند داشت. این رابطه لازم است مدام مورد بررسی قرار بگیرد و در صورت لزوم اصلاح شود.

- رابطه‌ی اقتصاد و حقوق

اتصال ساختاری میان اقتصاد و حقوق، همانا حق مالکیت و عقد قراردادهاست. در گذر از وضعیت حادّ کنونی به جامعه‌ی مدنی آینده ضرورت دارد این حقوق مجدداً مورد رسیدگی قرار بگیرد تا خلافکاری‌های گذشته، خواه در مورد شهروندان ایرانی و خواه با طرفین غیرایرانی، دادخواهی و احیانا اموال و دارائی‌های کسانی که به زور و یا به ناحق تصاحب شده‌اند دوباره به آنان مسترد گردد.

افزون بر این باید در این اتصال، به چند حق اجتماعی جدید توجه داشت و آنها را شکل قانونی داد:

حق کار برای همه، به ویژه جوانانی که در خیابان‌ها با ناامیدی پرسه می‌زنند و یا دستفروشی می‌کنند. کاری که نه تنها به دلالی بازار کمک می‌کند و جلوی اقتصاد تولیدی را می‌گیرد بلکه مضافاً به حقوق دیگر مردم لطمه می‌زند. این حقوق از جمله عبارتند از حق پس دادن جنس اگر خراب باشد و یا از مرغوبیت لازم برخوردار نباشد. یا حق تعمیر و تعویض و ضمانتی که معمولاً کارخانه‌ها و تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان می‌دهند. بعلاوه دستفروشی قوانین مالیاتی را زیرپا می‌گذارد و از درآمد دولت می‌کاهد و به خود دستفروشان در مورد بیمه‌های اجتماعی صدمه می‌زند. از این رو باید جلوی این کار بطور قانونی و با تأمین اشتغال قانونمند گرفته شود.

امکان کمک‌های مالی برای کارهای نو. این کمک‌ها ولی باید به وسیله‌ی سیستم اقتصادی تأمین شوند. به ویژه اگر پروژه‌های مربوطه‌ی آنها اجتماعی، برای حفظ محیط زیست و یا عمرانی باشند.

امنیت سرمایه‌گذاری و پشتیبانی از بخش خصوصی در کار تولیدی

توجه به توسعه‌ی ساختارهای زیربنائی و امکانات مکالماتی و مبادلاتی

حمایت از نوآوری در صنایع و رقابتی مبتنی بر کیفیت کالا و حفظ محیط زیست و ایمنی مصرف‌کننده

خصوصی کردن دارائی‌ها و اموال دولت تا گردش کار آنها خردگرا شود و بودجه‌ی اداره‌ی آنها به مصارف دیگری اختصاص یابد.

هماهنگ ساختن اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی

تأمین زندگی همه‌ی بخش‌ها و قشرهای جامعه

نظم و امنیت برای همه

سهیم بودن همه در موفقیت‌های اجتماعی (هیچکس نباید بین راه بماند)

هرکسی باید بنابر استعداد خود پشتیبانی شود.

مشارکت دادن مردم درکارهای اجتماعی به وسیله‌ی کارهای اقتصادی. مانند، سازمان دادن لوتاری، یا تأسیس فروشگاه‌هائی که در روز معینی مردم بدانجا دعوت می‌شوند تا خرید کنند. سود حاصله‌ی آن روز باید به مصارف مددکاری اجتماعی برسد. اینگونه کارها حلقه‌ی اتصال میان اقتصاد و امور اجتماعی تولید می‌کند و با آن مردم و سیستم اقتصادی خود احساس مسئولیت پیدا می‌کنند و به مملکت خود علاقمند می‌شوند.

سیستم اقتصادی کشور باید در حفظ محیط زیست بکوشد و با اطلاعات دقیقی که از کار خود به مردم می‌دهد، چون اعلام محتوای کالا و یا تضمین مراعات مقرراتی که آلودگی محیط زیست را کم می‌کنند، عموم را نیز متوجه این کار خطیر بنماید و سرمشق آنها باشد.

- رابطه اقتصاد با مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی مانند آزادی، دمکراسی و حقوق بشر

واضح است که جریان اقتصادی هر کشوری به عوامل اساسی فکر، سرمایه، کار، بازار، موادّ اولیه، ماشین‌آلات و مدیریت (چون تولید و یا مصرفی و...) نیاز دارد که وقتی بهم بافته شد، واحدهای تولید و توزیع و آبادانی و یا خدماتی کشور را به نمایش می‌گذارند.

کار چنین واحدهائی باید خردگرا باشد. یعنی کلیه ی ضرایبی که در چرخش آن واحد نقش دارند باید تبدیل به داده‌هائی بشوند که قابل محاسبه‌اند. مانند میزان تولید، اندازه‌ی فروش، دخل و خرج و... اما این ضرایب همه یکدست نیستند، زیرا قابل تقسیم به ضرایب داخلی و یا خارجی هستند. در میان ضرایب خارجی باید به ویژه ضرایب سیاسی، حقوقی، اداری و محیط فرهنگی را نام برد. جالب اینجاست که یکی از ضرایب مهّم داخلی فعالیت آزادانه‌ی خود افراد است. هرکس باید خود تصمیم بگیرد. اما در حکومت‌های دینی و ایدئولویک این آزادی به قلاّده کشیده می‌شود. این قلاّده همانا زنجیر اعتقادات دینی و سیستم حقوقی آن است که همه جا ضرایب درونی و بیرونی را تحت تأثیر گرفته و دایره‌ی توانائی آنها را محدود می‌کند. در حالی که اقتصاد مدرن به فضای باز، دمکراسی و آزادی نیاز دارد تا شکوفا شود. به قول باربر[۲] نقض حقوق بشر و نبود دمکراسی در جمهوری اسلامی ایران سبب سقوط اقتصادی آن که نه مدرن بلکه بر پایه‌ی دلاّلی استوار است خواهد شد. جالب اینجاست این دستگاه اقتصادی شبه‌سیستم، که با امور دینی نیز گره خورده است، دمکراسی و حقوق بشر را تهدیدی برای موجودیت خود می‌شمارد و با آنها به ستیز برخاسته است. اما این ستیزه‌جوئی که به همراه ایجاد جوّ رعب و تفتیش است خودبخود مانع گسترش علم و فن و حرکت چرخه‌ی نوآوری در ایران است. زیرا دانشمندان و متخصصین ممالک جهان همیشه گریزان از فضای ترس و وحشت و جبرند.

واضح است بعد از گذشت ۴۳سال از انقلاب کذائی اسلامی غالبا این متخصّصین و کارشناسان اگر هم به دلیلی در کشور مانده باشند، یا پیر و یا دنیا را بدرود گفته‌اند. به این شکل اینان به هر حال از گردونه ی کار علمی، بدون خدمتی در خور دانایی خود، خارج شده‌اند. این مسئله ولی لطمه‌ای بسیار عظیم‌تر از چپاول و غارتی است که به دست مشتی آخوند بی‌دین و چپ نادان بر کشور وارد شده است زیرا جبران آن تقریباً محال است. از این رو لازم است در برنامه‌ی اقتصادی آینده نقش مدرنیته را فراموش نکرد که به ویژه در کار واحدهای بزرگ شایان اهمیت است. مشخّصات این مدرنیته در زیر توضیح داده می‌شود.

هرچه یک واحد بزرگتر، هرچه به سرمایه‌گذاری بیشتری محتاج‌تر و هرچه مدّت لازم برای انجام یک برنامه‌ی کار در آن طولانی‌تر باشد، پیش‌بینی روند کارها و تقسیم آنها، میزان اطمینان به بازار و شدّت اعتماد کارگران و کارمندان به آن پراهمیت‌تر می‌گردد. بعلاوه چنین واحدی برای دستگاه دولت، ادارات دولتی، دادگستری، بانک‌ها، سیستم آموزشی، بازار کار و وضعیت رفاهی کشور نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. به این جهت واحدهای اقتصادی کشور به قوانین و مقرراتی نیاز دارند که برای سرمایه سبب اطمینان، برای کارگران و کارمندان و سندیکاها باعث اعتماد و برای دولت منبع درآمد مالیاتی قابل ملاحظه‌ای بشود. به دلیل وابستگی این عوامل است که مدیریت هر واحد اقتصادی فقط موقعی می‌تواند خردگرا باشد که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی، حتی محیط زندگی فردی نیز خردگرا و قابل محاسبه باشند، بنا بر کارکرد مشخصی خود را از دیگر سیستم‌ها، یعنی محیطشان، مجزا سازند تا در کار هم مداخله نکنند و پیچیدگی غیر قابل فهم فراهم نسازند. این مطلب درست همان چیزی است که از ماکس وبر[۳] تا هابرماس[۴] همه به آن چاشنی فرهنگی سرمایه‌داری مدرن گویند. بدون این چاشنی، احتمال هیچ پیش‌بینی معینی، اندازه‌ی بالائی ندارد. حتی سنجش افکار عمومی نیز بی فایده است زیرا چنین سنجشی بیان افکار مسخ شده و نظرات مخدوش است.

پس خردگرائی اقتصادی تنها با تقسیم جامعه به سیستم‌های کارآمد و خودمختار و خودساز ممکن می‌شود. این خودسازی که با فرایافت تطور همراه شده و شکل می‌گیرد، توسعه‌ی هر سیستم اجتماعی را از دایره‌ی قوای طبیعی و متافیزیکی بیرون می‌کشد و در اختیار فعالیت خود سیستم می‌گذارد تا به قول مارویاما[۵] به مدد اثرات متقابله با محیط، سازنده‌ی آتیه‌ی خویش باشد. از این رو دولت‌های خودکامه و دیکتاتور به سیستم اقتصادی کشور لطمه می‌زنند و شاهرگ آن را که فکر و سرمایه‌گذاری است قطع می‌کنند تا عطش سرکوب و استبداد خود را سیراب کنند.

زیرنویس:

[۱] John Rawls : Theorie der Gerechtigkeit, 1971, Frankfurt a. M.

[۲] Benjamin R. Barber : Coca-Cola und Heiliger Krieg, München 1996

[۳] Max Weber : Wirtschaft und Gesellschaft, Tübingen 1972

[۴] Habermas : see 19

[۵] Maruyama, M., 1963. “The Second Cybernetics: Deviation Amplifying Mutual Causal Process”, American Scientist, 51:2, 164-179

ادامه مرگ مشکوک بازداشت‌شدگان در ایران؛ یک فیلمساز پس از آزادی از زندان «خودکشی» کرد و جان باخت


کیهان

محسن جعفری‌راد کارگران، نویسنده و منتقد سینما در اعتراضات کرج بازداشت و پس از چند هفته آزاد شد اما چند روز بعد به دلیل آنچه «خودکشی» اعلام شده جان باخت.

ماهان جلال‌دوست که به تازگی پس از تحمل یکسال حبس از زندان «رجایی شهر» آزاد شده بود ساعاتی پس از آزادی در بیمارستان فیروزگر تهران بستری و دیروز به بخش مراقبت‌های ویژه ی بیمارستان منتقل شد.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرده از آغاز خیزش انقلابی تا کنون دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

محسن جعفری راد منتقد سینما و کارگردان چند روز پس از آزادی از زندان به علت آنچه «خودکشی» اعلام شده جان باخت. او در جریان اعتراضات بازداشت و چند هفته در بند امنیتی و انفرادی محبوس بود.

در پی اعلام خبر درگذشت محسن جعفری راد منتقد سینما و کارگردان، هوشنگ گلمکانی مدیر مجله «فیلم امروز»، با اشاره به بازداشت این منتقد و کارگران سینما در هفته‌های گذشته در اعتراضات کرج، دلیل درگذشت او را «خودکشی» اعلام کرد.

هوشنگ گلمکانی روز یکشنبه ۱۸ دی در اینستاگرامش نوشت: «او چند هفته پیش در جریان ناآرامی‌های کرج، هنگام رفتن به خانه‌اش دستگیر شد و وقتی که توانست پس از حدود دو هفته سرانجام هویت و حرفه‌اش را توضیح دهد و معلوم شد در تظاهرات حضور نداشته، آزاد شد، اما...»

حسین فاضلی هریکندی رئیس دادگستری البرز امروز دوشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۱ مدعی شده که «حسب تحقیقات انجام شده از خانواده، محسن جعفری راد بعد از فوت پدر و مادرش دچار افسردگی بوده و داروی اعصاب مصرف می‌کرد و به جهت مسمومیت (خوردن قرص برنج) از سوی خانواده به یکی از بیمارستان‌های کرج انتقال داده شد و متاسفانه فوت شده است.»

به گفته رئیس دادگستری البرز، محسن جعفری راد «۱۴ آبان» بازداشت شد و در تاریخ ۱۹ آبان برای او «به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق حضور در تجمعات غیرقانونی و فیلمبرداری از آن و دعوت به تجمع غیر قانونی قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر شده است. او سپس با «قرار تأمین کفالت با معرفی کفیل آزاد شد» و می‌بایست «۱۳ اسفند» در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج محاکمه می‌شد.

محسن جعفری راد متولد سال ۱۳۶۵ و اهل رودسر در استان گیلان، کارشناسی ارشد سینما و فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری بود. او سال‌ها در نشریات و مجلات سینمایی از جمله مجله «فیلم امروز» می‌نوشت و در مجموع به عنوان روزنامه‌نگار و منتقد با بیش از بیست نشریه عمومی و تخصصی همکاری داشت.

این سینماگر جوان از سال ۱۳۸۷ ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی و مستند را آغاز کرد و با انجمن سینمای جوانان ایران دفاتر لاهیجان، رشت، چالوس، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، خانه مستند همکاری داشت. ساخت مستندهای «رنج زیر پوست»،« سایه‌های سبز» از مجموعه مستند یکی از ما» و فیلم کوتاه داستانی «فقط مه واقعی است» به تهیه کنندگی رامبد جوان از دیگر فعالیت‌های او به شمار می‌رود.

محسن جعفری راد همچنین به تدریس سینما در دانشکده‌ها و مؤسسه‌های خصوصی و انجمن سینمای جوانان ایران نیز می‌پرداخت.

در خبر دیگری آمده که ماهان جلال‌دوست که به تازگی پس از تحمل یکسال حبس از زندان «رجایی شهر» آزاد شده بود ساعاتی پس از آزادی در بیمارستان فیروزگر تهران بستری و دیروز به بخش مراقبت‌های ویژه ی بیمارستان منتقل شد. علت بستری شدن این زندانی سیاسی نارسایی کلیوی و بالا بودن سطح کراتین و پتاسیم اعلام شده است.

خبرگزاری هرانا هفته گذشته خبر داده بود که ماهان جلال‌دوست شهروند ساکن تهران روز پنجشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۱ از زندان «رجایی شهر» کرج به مرخصی اعزام شد. در این گزارش تأکید شده بود که با وصل این مرخصی به آزادی که با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی صورت گرفته است، ماهان دیگر به زندان باز نخواهد گشت. اما او تنها چند ساعت پس از آزادی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شده و در شرایط ناپایدار جسمی بسر می‌برد. به نظر می‌رسد مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی نمی‌خواستند هزینه وضعیت وخیم و هر اتفاق احتمال درباره سلامت این زندانی سیاسی را بپذیرند و با وجود اینکه ماهان از چند ماه پیش نیازمند مرخصی درمانی بود، در بدترین شرایط جسمی به آزادی او رضایت دادند.

ماهان جلال دوست در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۰، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به «اتهام تبلیغ علیه نظام» به یکسال حبس تعزیری و از بابت مجازات تکمیلی به ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، ۲ سال محرومیت از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و ضبط خودرو شخصی، تلفن همراه و کامپیوتر به نفع دولت محکوم شده بود. نهایتا این حکم در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰، در دادگاه تجدیدنظر مجازات ضبط خودروی شخصی را نقض و الباقی حکم وی عینا تایید شد.

ماهان در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱، توسط شعبه یک اجرای احکام زندان اوین جهت تحمل حبس احضار و راهی زندان اوین شده بود. وضعیت جسمی ماهان در زندان هر هفته رو به وخامت رفت و آزار و اذیت او حتی در مدت تحمل حکم زندان ادامه داشته است.

بر اساس گزارش‌ها ماهان جلال دوست در تاریخ ۱۷ آبان ماه، به بیمارستان امین‌آباد منتقل و پس از ۸ روز به زندان «رجایی شهر» کرج بازگردانده شد.

یک منبع آگاه به خبرگزاری هرانا گفته بود که ماهان پس از آنکه از بیمارستان روانی امین‌آباد به زندان «رجایی شهر» بازگردانده شد، با گشایش پرونده جدیدی به اتهام «اختلال در نظم زندان» روبرو شد که از این پرونده با قرار کفالت تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده است.هفته گذشته «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۲۸ شهروند بازداشت‌شده در جریان اعتراضات، زیر شکنجه یا به شکلی مشکوک و غیرقابل توضیح جان باخته‌اند.

بر اساس این گزارش از آغاز خیزش انقلابی از شهریور تا کنون دست‌کم ۱۵ شهروند بازداشت‌شده به دلیل شکنجه و فشار برای گرفتن اعتراف اجباری جان باخته‌اند. همچنین ۱۲ شهروند بازداشت‌شده نیز به طرز مشکوکی پس از آزادی جان خود را از دست داده‌اند و یا پیکر بیجان آنها در محلی پیدا شده است.

بر اساس گزارش جدیدی که «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» ارائه داده شماری از شهروندان بازداشت‌شده زیر شکنجه و فشار که غالبا برای انجام اعتراف اجباری صورت گرفته جان باخته‌اند؛ برخی دیگر از بازداشت‌شدگان هم در مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعامی شهروند بازداشت شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود.

برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده‌اند. از جمله این زندانیان محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در روز دوازدهم دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در گزارش «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌الهی، سامان قادرپور، یوسف رئیسی، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمن آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسول‌پور، حامد سلحشور، شهریار عادلی، ایلیاد رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که در گزارش کمیته پیگیری بازداشت‌شدگان به عنوان افرادی که در بازداشت و بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب‌وجرح مأموران حکومتی جانباختند، معرفی شده‌اند.

در این گزارش تأکید شده که به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله؛ آیدا رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباشر، عاطفه نعامی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. این که این افراد در زمان کشته‌شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی را که نامشان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آن‌ها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.

سه شهروند معترض دیگر اینبار در اصفهان به «اعدام» محکوم شدند



صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی، سعید یعقوبی کردسفلی به اعدام محکوم شده‌اند.

امیر نصر آزادانی فوتبالیست حرفه‌ای به ۲۶ سال زندان محکوم شد.

برخی معتقدند فشار به جمهوری اسلامی نیازمند اقدامات موثرتری از سوی دیگر کشورها و سازمان ملل متحد است تا شاید ماشین اعدام این حکومت جنایتکار متوقف شود.

دو روز پس «قتل حکومتی» محمدمهدی کرمی و محمد حسینی، دادگاه انقلاب اصفهان رأی پرونده شماری از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات را صادر کرد که بر اساس آن سه جوان معترض به اعدام محکوم شده‌اند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داده است سه شهروند که در جریان اعتراضات محله «خانه اصفهان» این شهر بازداشت شده بودند به اعدام محکوم شدند. در این پرونده شش جوان متهم شده بودند که سه نیروی حکومتی را در جریان اعتراضات به قتل رسانده‌اند.

شش متهم این پرونده به دلیل حضور در در اعتراضات ۲۵ آبان در محله «خانه اصفهان» در شمال شهر اصفهان و طی دو روز بازداشت شدند.

بر اساس پرونده‌سازی صورت گرفته علیه این شش جوان، آنها متهم شدند که در کشته شدن محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی نقش داشته‌اند.

متهمان این پرونده صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی، سعید یعقوبی کردسفلی، امیر نصرآزادانی، سهیل جهانگیری و جابر میرهاشمی بودند. بر اساس حکم صادر شده صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی، سعید یعقوبی کردسفلی به اعدام محکوم شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری »میزان» بر اساس احکام صادره «صالح میرهاشمی بلطاقی متهم ردیف اول پرونده به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمری، تشکیل و اداره گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به اعدام و به اتهام عضویت و همکاری با گروهک منافقین به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد.»

مجید کاظمی شیخ شبانی متهم ردیف دوم پرونده به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلاشنیکف به اعدام و برای اتهامات عضویت در دستجات و جمعیت غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد.

سعید یعقوبی کردسفلی متهم ردیف سوم پرونده به اتهام محاربه از طریق اقدام به کشیدن اسلحه و استفاده از کلت کمری به اعدام و برای اتهامات عضویت در دسته‌جات و جمعیت غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی کشور به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم گردید.

امیر نصرآزادانی متهم ردیف چهارم پرونده به اتهام عضویت در دسته‌جات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور به ۵ سال حبس تعزیری، برای اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت به ۵ سال حبس تعزیری و برای اتهام معاونت در محاربه به تحمل ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

سهیل جهانگیری متهم ردیف پنجم پرونده از بابت اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی کشور به ۲ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت محکوم شد. برای جابر میرهاشمی متهم ردیف ششم این پرونده نیز حکم برائت صادر شده است.این اتهامات در حالی برای این شهروندان صادر و بر اساس آن سه تن به اعدام و دو تن به زندان‌های طولانی محکوم شدند که در موارد مشابه در دیگر شهرها نیز شهروندانی که هیچ آشنایی قبلی با هم نداشتند به چنین اتهاماتی محکوم شدند تا جمهوری اسلامی بتواند انتقام کشته شدن مأموران سرکوبگرش در اعتراضات را از مردم ایران بگیرد.

امیر نصر آزادانی متهم ردیف چهارم این پرونده فوتبالیست حرفه‌ای است که بعد از بازداشت به «بغی» و همچنین «عضویت در دسته‌های غیرقانونی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت» و «معاونت در محاربه» متهم شد.

امیر نصر آزادانی متولد ۱۸ بهمن ۱۳۷۴ در اصفهان است. او فوتبال را از ۱۰ سالگی با پیوستن به آکادمی «سپاهان اصفهان» آغاز کرد و تا سال ۱۳۹۴ در پایه های این تیم عضویت داشت. او همچنین در چند دوره هم در تیم‌های راه آهن و تراکتور به عنوان هافبک بازی کرده است.

نسبت دادن اتهام «بغی» و خطر صدور حکم «اعدام» علیه این فوتبالیست با واکنش‌هایی از سوی ورزشکاران روبرو شد. سهراب بختیاری‌زاده، مسعود شجاعی، سیاوش یزدانی، سیامک نعمتی، محمد نصرتی و مجید حسینی از جمله فوتبالیست‌هایی هستند که با انتشار مطالبی در صفحاتشان در شبکه‌های اجتماعی خواستار لغو حکم اعدام این ورزشکار و آزادی او شدند.

اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال (فیفپرو) نیز در واکنش به محاکمه امیر نصر آزادانی با انتشار پیامی در توئیتر نوشت این اتحادیه از این خبر شوکه شده و از گزارش‌هایی مبنی بر اینکه امیر نصر آزادانی، فوتبالیست حرفه‌ای، در جریان اعتراضات سراسری در ایران برای حقوق زنان و آزادی در کشورش با اعدام در ایران مواجه شده به شدت نگران است.

اتحادیه جهانی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال تأکید کرد که «ما در همبستگی با امیر در کنار او ایستاده‌ایم و خواهان لغو فوری مجازات او هستیم».

شکیرا خواننده مشهور کلمبیایی برای آزادی این فوتبالیست کمپین راه‌اندازی کرده است. شمار امضاکنندگان این پتیشن در چند روز به حدود دو میلیون نفر رسید.

هفته گذشته نیز سباستین استراندوال فوتبالیست اهل فنلاند که هفت سال پیش با امیر نصر آزادانی در تیم فوتبال راه‌آهن همبازی بود نیز در تلاش است که فیفا در رابطه با اتهام سنگین و احتمال اعدام این ورزشکار واکنش نشان دهد. او گفته «مدیر اتحادیه بازیکنان فنلاند با من تماس گرفت و با هم صحبت کردیم که چه کار کنیم. ما با FIFPro تماس گرفتیم و آنها بیانیه های مختلفی را از طریق کانال های مختلف منتشر کردند و بعد از آن دنیای فوتبال، برای حمایت از امیر هم‌صدا شد.»

سباستین استراندوال در گفتگو با یک رسانه اسپانیایی با تأکید بر اینکه امیر نصر آزادانی دوست قدیمی اوست گفته جمهوری اسلامی پیشتر عده‌ای را به خاطر اعتراض اعدام کرده و او درباره اعدام امیر نصر آزادانی نیز احساس خطر می‌کند. او همچنین با انتشار توئیت در تلاش است توجه افکار عمومی و مقامات غربی را به خطری که امیر را تهدید می‌کند جلب کند.

در حالیکه بر اساس گزارش منابع حقوق بشری دادگاه انقلاب قصد داشت امیر نصر آزادانی را نیز در این پرونده به اعدام محکوم کند، به نظر می‌رسد فشارهای گسترده بین‌المللی از پرونده‌سازی درباره این ورزشکار حرفه‌ای سبب صدور حکم ۲۶ سال زندان علیه این جوان ۲۷ ساله شد.

ماشین اعدام جمهوری اسلامی برای خاموش کردن جنبش انقلابی مردم ایران به راه افتاده و تا کنون چهار جوان، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی به دار آویخته شده‌اند.دو شهروند محکوم به اعدام، محمد بروغنی و محمد قبادلو نیز روز گذشته به انفرادی منتقل شده‌اند و احتمال اجرای حکم اعدام آنها در روزهای آینده وجود دارد.

همچنین بیش از ۱۰ شهروند دیگری که در جریان اعتراضات چهار ماه گذشته بازداشت شدند به اعدام محکوم شده‌اند و برای شمار دیگری اتهامات سنگین چون «محاربه، «بغی» و «افساد فی الارض» صادر شده است.

با وجود اعتراضات شهروندان به صدور و اجرای احکام اعدام علیه شهروندان معترض، و همچنین واکنش‌های بین‌المللی و پذیرش کفالت سیاسی متهمان از سوی نمایندگان پارلمان در کشورهای اروپایی، اما این اقدامات و اعتراضات تا کنون جمهوری اسلامی را از تصمیم برای اعدام شماری از شهروندان بازداشت شده منصرف نکرده است.

برخی معتقدند فشار به جمهوری اسلامی نیازمند اقدامات موثرتری از سوی دیگر کشورها و سازمان ملل متحد است تا شاید ماشین اعدام این حکومت جنایتکار متوقف شود.

پرونده «خانه اصفهان»؛ پرونده‌ای پر از تناقض برای اعدام جوانان برومند ایرانی توسط جمهوری اسلامی



پرونده خانه اصفهان

● به گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» دست‌کم ۱۰۹ معترض در ایران در خطر صدور یا اجرای احکام اعدام قرار دارند.

● پرونده «خانه اصفهان» که رسانه‌های حکومتی از عنوان «تروریستی» برای آن استفاده کرده‌اند، نمونه‌ای از سناریوسازی نهادهای امنیتی و صدور حکم اعدام بر اساس اتهامات و مدارک واهی و پرتناقض علیه شهروندان معترض است.

● در سناریوسازی دیگری ۱۶ شهروند به اتهام کشته شدن روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح محاکمه و پنج شهروند به اعدام مجکوم شدند. دیوان عالی کشور حکم اعدام سه متهم را لغو اما محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را اعدام کرد.

● نوید افکاری جوان ۲۷ ساله، کشتی‌گیر و نایب‌قهرمان کشتی نوجوانان ایران یکی دیگر از معترضان اعدام شده است که در پرونده‌ای پرتناقض و با اعترافات اجباری متهم، محکوم و به دار آویخته شد.

● در پرونده دیگری مربوط اعتراضات دی۹۶ تناقضات آن حتی اعتراض وکلای تسخیری را در پی داشت که طی پنج شهروند که همه از اقشار تهیدست بودند به «دو بار اعدام» محکوم شدند.

یکی از پرونده‌هایی که از سوی نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در جریان جنبش انقلابی مردم در هفته‌های گذشته تشکیل شده، پرونده‌ای در شهر اصفهان است که به پرونده «خانه اصفهان» معروف شده است. در این پرونده شش شهروند جوان متهم به قتل سه بسیجی لباس‌شخصی و مسلح شده‌اند و دادگاه سه تن از متهمان را به «اعدام» محکوم کرده؛ این پرونده اما پر از تناقضات در کیفرخواست و برخلاف حتا همان قوانین نیم‌بند و غیرعادلانه‌ی خود جمهوری اسلامی است.

شش متهم این پرونده به دلیل حضور در در اعتراضات ۲۵ آبان در محله «خانه اصفهان» در شمال شهر اصفهان و طی دو روز بازداشت شدند. بر اساس پرونده‌سازی صورت گرفته علیه این شش جوان، آنها متهم شدند که در کشته شدن محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی نقش داشته‌اند.

متهمان این پرونده صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی، سعید یعقوبی کردسفلی، امیر نصرآزادانی، سهیل جهانگیری و جابر میرهاشمی بودند. بر اساس حکم صادر شده صالح میرهاشمی بلطاقی، مجید کاظمی شیخ شبانی، سعید یعقوبی کردسفلی به اعدام محکوم شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری »میزان» بر اساس احکام صادره «صالح میرهاشمی بلطاقی متهم ردیف اول پرونده به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلت کمری، تشکیل و اداره گروه مجرمانه به قصد بر هم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به اعدام و به اتهام عضویت و همکاری با گروهک منافقین به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد.»

مجید کاظمی شیخ شبانی متهم ردیف دوم پرونده به اتهام محاربه از طریق کشیدن سلاح کلاشنیکف به اعدام و برای اتهامات عضویت در دستجات و جمعیت غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد.

سعید یعقوبی کردسفلی متهم ردیف سوم پرونده به اتهام محاربه از طریق اقدام به کشیدن اسلحه و استفاده از کلت کمری به اعدام و برای اتهامات عضویت در دسته‌جات و جمعیت غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور و اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی کشور به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم گردید.

امیر نصرآزادانی متهم ردیف چهارم پرونده به اتهام عضویت در دسته‌جات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور به ۵ سال حبس تعزیری، برای اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت به ۵ سال حبس تعزیری و برای اتهام معاونت در محاربه به تحمل ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

سهیل جهانگیری متهم ردیف پنجم پرونده از بابت اتهام اجتماع و تبانی منتهی به جرائم ضد امنیت داخلی کشور به ۲ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت محکوم شد. برای جابر میرهاشمی متهم ردیف ششم این پرونده نیز حکم برائت صادر شده است.

این پرونده که به پرونده «خانه اصفهان» معروف شد و رسانه‌های حکومتی از عنوان «تروریستی» برای آن استفاده کردند، نمونه‌ای از سناریوسازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه شهروندان معترض است. در این پرونده‌سازی‌ها که در سالهای گذشته و در جریان اعتراضات دی۹۶ تا جنبش انقلابی کنونی بارها اتفاق افتاده، نهادهای امنیتی چند شهروند را بازداشت و به آنها اتهامات سنگین وارد کرده و شماری از متهمان را با محکوم کردن به «اعدام» به چوبه دار می‌آویزند تا ایجاد رعب و وحشت کنند و اعتراضات ملّی را سرکوب کنند.

در این پرونده نیز تناقضات زیادی وجود داشته که بخشی از آن به کوشش صفحه توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» که به انتشار اخبار مرتبط با بازداشت‌شدگان و جانباختگان اعتراضات مردمی در ایران می‌پردازد توضیح داده شده است. صفحه توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» در دو رشته توئیت بخشی

←

از تناقضات موجود در اظهارات نهادهای امنیتی و قوه قضاییه در این پرونده را منتشر کرده است.

در این میان، در بخش اول توضیحات که نخست خبرگزاری فارس گزارش داده آمده است که «دو نفر موتورسوار» نیروهای مدافع امنیت را به رگبار می‌بندند. خبرگزاری تسنیم با انتشار اطلاعیه‌ی روابط عمومی سپاه، سناریوی فارس را از دو موتورسوار به شش نفر با سه موتورسیکلت تغییر داده و گفته آنها پایگاه بسیج را به رگبار بسته‌اند.

در همین حال جان‌نثاری معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان، در مصاحبه با صداوسیمای حکومت، سناریوهای پیشین را از دو موتورسوار و سه موتورسیکلت به یک موتورسوار تغییر می‌دهد. همچنین روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیانیه‌ی منتشر شده از تسنیم و حمله به پایگاه بسیج را تکذیب می‌کند!

از سوی دیگر برادر محسن حمیدی، بسیجی‌ای که ادعا شده شب حادثه کشته شده، سناریوهای پیشین را تغییر داده و در مصاحبه‌ای گفته که «یک پژو ۲۰۶ و دو موتورسوار» آنها را به رگبار بسته‌اند. تعداد ضاربان و وسیله‌ی نقلیه‌ی آنها حداقل پنج بار در این سناریوی دروغین تغییر کرده است.

اکانت حقوق بشری «۱۵۰۰ تصویر» درباره تناقضات پرونده و مدارک می‌نویسد، در بخش دوم بررسی تناقضات پرونده این متهمان، جمهوری اسلامی ادعا می‌کند آنها ساعت ۲۱ از موتور پیاده شده نیروها را به رگبار بسته و محل را ترک کرده‌اند. دادستانی برای این ادعایش مدارکش را ارائه می‌دهد. این مدارک تصاویریست از دوربین مداربسته‌ی مغازه‌ای در منطقه‌ی خانه اصفهان که به ادعای دادستانی به وسیله‌ی این مدارک اثبات می‌شود این چند متهم دو بسیجی و یک نیروی فراجا را به قتل رساندند! اما تصاویر دوربین مداربسته چه چیزی را نشان می‌دهد؟

چند نفر در کنار خیابان ایستاده‌اند و با یکدیگر صحبت می‌کنند. در این تصاویر نه خبری از تیراندازی است نه اسلحه‌ای دیده می‌شود! درواقع برعکس ادعای دادستانی، چنین تصاویری می‌توانند به عنوان مدرک بی‌گناهی این افراد ارائه شوند!

نکته‌ی دیگر راجع به این تصاویر از دوربین مداربسته این است که تصویر اولی که نشان می‌دهند ساعت ۲۱:۴۶ دقیقه را نشان می‌دهد و تصویر دوم از همان محل و افراد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه را. حتی اگر افراد حاضر در دوربین مداربسته واقعا این متهمان باشند باز با سناریوی ارائه شده همخوانی ندارد! چرا که دوربین مداربسته نشان می‌دهد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه این چند نفر در خیابان در حال صحبت کردن بودند. بعد بنا بر این ادعا سوار موتور می‌شوند، کمی دورتر از موتور پیاده می‌شوند، به سمت دیگر خیابان می‌دوند، نیروها را به رگبار می‌بندند، برمی‌گردند، سوار موتور می‌شوند، فرار می‌کنند و بنا بر تصویر دوربین مداربسته از محل دوم، در ساعت ۲۲:۱۳ به خانه‌شان در منطقه دیگری می‌رسند!

در توضیحات «۱۵۰۰ تصویر» تأکید شده که «امکان ندارد تمام این جریانات و رفتن از محل اول به محل دوم در ۴دقیقه اتفاق بیفتد. مجددا باید تاکید کنیم اگر این فیلم دوربین مداربسته از محل و صحنه‌ی دوم هم قرار باشد مدرکی در این پرونده باشد مدرک بی گناهی این افراد است که در آن ساعت در محل دیگری بوده‌اند و نه مدرک مجرم بودنشان. اینها تنها یک بخش از تناقضات پرونده‌ی #خانه_اصفهان است و بخش‌های دیگر را هم منتشر خواهیم کرد. از صفر تا صد این سناریو دروغ محض است و کاملا واضح است که جمهوری‌اسلامی بارها داستانش را تغییر داده تا طناب دارش در نهایت دور گردن مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی جای بگیرد.»

در اعتراضات اخیر در سناریوسازی دیگری ۱۶ شهروند به اتهام کشته شدن روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی محاکمه شدند. روح‌الله عجمیان در جریان اعتراضاتی که در حاشیه مراسم چهلم حدیث از جانباختگان اعتراضات در کرج برگزار شد، و در پی حمله نیروهای سرکوبگر و مسلح حکومتی به شهروندانی که در این مراسم حاضر شده بودند کشته شد.

۱۶ شهروند در این پرونده متهم شناخته شدند. در حکم بدوی پنج تن از متهمان به اعدام محکوم شدند اما سپس دیوان عالی کشور حکم اعدام سه متهم را لغو و در نهایت، هفته گذشته، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی اعدام شدند.

در این پرونده نیز تناقضات زیادی وجود داشت. از جمله اینکه محمد حسینی جوان ۳۸ ساله رزمی‌کار به این دلیل به دار آویخته شد که پس از بازداشت و تفتیش خانه‌اش، چند شمشیر مربوط به آموزش‌های رزمی در خانه او پیدا و همین ابزار در دادگاه به عنوان «سلاح سرد» معرفی شد. دردناک اینکه حتی در «اعترافات اجباری» و جلسه دادگاه محمد حسینی تلاش دارد توضیح دهد که این ابزارهای ورزشی برای قتل قابل استفاده نیست و صرفا وسیله ورزشی است که همه رزمی‌کاران حرفه‌ای آن را در خانه برای تمرین دارند.

محمدمهدی کرمی جوان ۲۳ ساله نیز ورزشکار حرفه‌ای در رشته تکواندو بود که ده‌ها مدال و لوح تقدیر داشت و در حالی که تنها آرزویش حضور در المپیک بود، در ساختار تباه جمهوری اسلامی بجای آویخته شدن مدال المپیک، طناب دار به گردنش آویخته شد.

نوید افکاری جوان ۲۷ ساله، کشتی‌گیر و نایب‌قهرمان کشتی نوجوانان ایران یکی دیگر از معترضان اعدام شده است که در پرونده‌ای سراسر تناقض و اعترافات اجباری متهم، محکوم و به دار آویخته شد. نوید شهریور ۱۳۹۸ به همراه دو برادرش وحید و حبیب به دلیل شرکت در اعتراضات تابستان ۹۷ در شیراز بازداشت و پس از دستکاری پرونده توسط نهادهای امنیتی به قتل عمد حسن ترکمان کارمند حراست اداره آبفای شیراز متهم شدند.

نوید افکاری به عنوان متهم ردیف اول به اتهام محاربه و همچنین قتل یک مأمور امنیتی به دو بار اعدام، ۶ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. وحید به تحمل ۵۴ سال و ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و حبیب نیز به تحمل ۲۷ سال و ۳ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

نوید چندی پیش از اجرای حکم اعدام در فایل صوتی تکاندهنده‌ای از زندان تأکید کرده بود بی‌گناه است و جمهوری اسلامی برای طناب دار خود به دنبال گردن می‌گردد و از مردم طلب کمک کرده بود. نوید گفته بود «از روز اول دستگیری‌مان من و خانواده‌ام وارد نمایشی شدیم که چند تا قاضی و دادگاه ساخته بودند و ما هم عروسک خیمه‌شب‌بازی‌شان بودیم. الان هم نه تریبونی دارم و نه پول پارتی! تنها امکانی که داریم انرژی و صدای آزادیخواهان ظلم‌ستیز است.»

او افزوده بود که «مردم، من به حکم عقل و انسانیت موظف به حفظ جان خودم هستم و از مدارک و مستندات هرآنچه گواه بی‌گناهی من است موجود است. این را می‌گویم که اگر من اعدام شدم همه بدانند که در قرن بیست و یکم با اینهمه هزینه و ساز و کارهای حقوق بشری و سازمان ملل و شورای امنیت و غیره، یک انسان بی‌گناه که با تمام توانش تلاش کرد و جنگید تا صدایش را بشنوند اعدام شد.»

در پرونده دیگری که از جمله پرونده‌های پرتناقض است که حتی وکلای تسخیری را نیز با واکنش روبرو کرد پنج شهروند در دادگاه انقلاب اصفهان به «دو بار اعدام» محکوم شدند. این پرونده نیز شامل ۱۴ متهم بود که همگی از خانواده‌های تهیدست و عمدتا هم‌محله‌ای هستند. آنها پس از شناسایی از سوی مأموران امنیتی در اعتراضات، در فاصله دی ۹۶ تا اوایل سال ۹۸ بازداشت شدند.

جدا از نهادهای امنیتی، این پرونده سه شاکی خصوصی شامل رئیس بانک صادرات «خمینی‌شهر» (همایونشهر)، رئیس صندوق قرض‌الحسنه «خمینی‌شهر» (همایونشهر) و نماینده حقوقی شهرداری این شهرستان نیز دارد که بابت تخریب اموال عمومی شکایت کرده‌اند و شکایت آنها ارتباطی به اتهام «فساد فی‌الارض»، «محاربه» و «بغی» (تجاوز و تعدی به حقوق دیگران) ندارد.

در روند دادگاه، این پرونده با پرونده کشته شدن یکی از معترضان آبان ۹۶ نیز ادغام شده است؛ اقدامی که به نظر می‌رسد برای موجه نشان دادن صدور حکم «دو بار اعدام» برای پنج تن از متهمان صورت گرفت.

مهدی صالحی قلعه شاهرخی، محمد بسطامی، مجید نظری کندری، هادی کیانی و عباس محمدی پنج متهم این پرونده هستند که هر یک به اتهام «بغی» و «محاربه» به «دو بار اعدام» محکوم شده و ۹ متهم دیگر پرونده نیز به زندان و شلاق محکوم شده بودند.

مهدی صالحی قطعه شاهرخی ۳۶ ساله ساکن یزدانشهر در نزدیکی نجف‌آباد در استان اصفهان و از محکومان به اعدام در این پرونده از دی‌ماه ۱۴۰۰ به دلیل سکته مغزی ناشی از تزریق اشتباه دارو بیمار بود، روز پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۱ درگذشت. دیگر متهمان محکوم به اعدام در این پرونده همچنان در زندان هستند.

یکی از وکلای این پرونده در گفتگو با کیهان لندن گفته بود که در احکام صادر شده برای این ۱۴ متهم هیچ عبارتی از «قصاص» وجود ندارد و حکم «دو بار اعدام» برای اتهامات «محاربه» و «بغی» است که درواقع به حضور این جوانان در اعتراضات بر می‌گردد.

این وکیل دادگستری افزوده بود که همه متهمان این پرونده از قشرهای به شدت فرودست جامعه هستند: «متهمان آنقدر فقیر هستند که خانواده‌هایشان نتوانستند برایشان وکیل بگیرند و در نهایت دادگاه به دلیل اینکه حکم اعدام مطرح بود، برایشان وکیل تسخیری گرفت و همه ما وکلا، تسخیری هستیم. با اینکه تلاش زیادی کردیم تا آنها را از زیر حکم اعدام خارج کنیم اما متاسفانه نتوانستیم و حکم اکنون در دیوان عالی کشور هم تأیید شده و البته هنوز به اجرای احکام ابلاغ نشده و امیدوار هستیم در پرونده این افراد یک بازبینی عادلانه صورت بگیرد.»

وکیل پرونده این متهمان تأکید کرده بود که «اعترافاتی که از متهمان گرفته شده زیر فشار شدید بوده و حتی موکلان این موضوع را بارها در دادگاه اعلام کردند اما قاضی نپذیرفت.»

در جنبش انقلابی اخیر که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده تا کنون بیش از ۱۹ هزار و ۲۰۰ شهروند بازداشت شدند. به گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» دست‌کم ۱۰۹ معترض در ایران در خطر صدور یا اجرای احکام اعدام قرار دارند.

بر اساس این گزارش، در استان خوزستان، دست‌کم ۲۴ معترض، در سیستان و بلوچستان، ۲۲ معترض و در تهران، ۲۰ معترض بازداشتی در معرض خطر صدور یا اجرای حکم اعدام هستند.

کیهان

احمدرضا رادان «قصاب کردستان»؛
با اختلال در ماشین سرکوب، جابجایی «مُهره‌های سوخته» بی‌فایده است

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مثل سایر نهادها و ارگان‌های حکومت به شکل «باندبازی» و مافیایی اداره می‌شود. حسین اشتری و احمدرضا رادان هر دو از «باند اصفهانی‌ها» هستند اما در روشن ارتکاب جنایت تفاوت دارند. حسین اشتری برای کشتن چرتکه می‌اندازد اما احمدرضا رادان یک پاسدار سپاهی خشن و بی‌رحم است.

احمدرضا رادان مانند دیگر مقامات کشوری و لشکری جمهوری اسلامی با چند مشکل اساسی روبروست از جمله خیزش سراسری ۱۴۰۱ از نظر وسعت و تداوم با تظاهرات ۱۳۸۸ قابل مقایسه نیست. ریزش در نیروهای انتظامی بسیار زیاد و کمبود بودجه و تجهیزات بسیار گسترده است و نارضایتی در بین پرسنل نیروی انتظامی زیاد است. حتا بعد از آرام‌تر شدن وضعیت خیابان‌ها «حق عملیات» (دستمزد ویژه روزانه) اندک آنها نیز قطع شده!

احمدرضا رادان با خصوصیات یک فرد عصبی و جنایتکار مطمئنا فردی نیست که از پس فرماندهی سرکوب در کارزارهای بزرگ برآید. وی از آندسته فرماندهان به قول خودش «لت و پار»کُن است که اگر در «پلان A» برای کشتار نتیجه نگیرد، برای طرح و اجرای «پلان B» هیچ ظرفیت ذهنی و شخصیتی ندارد.

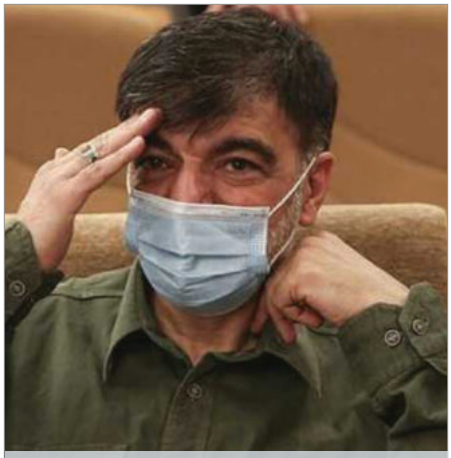
حامد محمدی- در سال ۱۳۸۸ کلاج و ترمز ماشین سرکوب در نیروی انتظامی زیر پای سردار احمدرضا رادان بود. خودش اعتراف می‌کند در آن مقطع روزها در خیابان سرکوب می‌کرد و شب‌ها برای بازجویی به بازداشتگاه‌ها می‌رفت. او در آن دوران معاون اسماعیل احمدی مقدم بود. فرمانده فاسدی که به خاطر دست داشتن در فساد مالی در جریان دلالی محموله‌های نفتی شرکت «پتروتیما» در قوه قضائیه جمهوری اسلامی پرونده دارد.

احمدرضا رادان یکی از متهمان اصلی جنایت کهریزک در جریان اعتراضات ۱۳۸۸ چند سال بعد در خرداد ۱۳۹۳ در دولت اول حسن روحانی برکنار شد و ۹ بعد در اسفند همان سال احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی نیز عزل شد. کسی که پس از برکناری رادان جانشین او شد حسین اشتری بود که کمتر از یک سال بعد به عنوان جایگزین احمدی مقدم بر مقام فرماندهی نیروی انتظامی تکیه زد.

رادان و احمدی مقدم هر دو بیش از ۱۲ سال است در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند. با وجود پرونده‌های سیاهِ آنها اما رادان رئیس مرکز مطالعات راهبردی نیروی انتظامی هم شد و احمدی‌مقدم نیز به ریاست «دانشگاه عالی دفاع ملّی» رسید!

اکنون انتصاب احمدرضا رادان با حکم خامنه‌ای به عنوان فرمانده نیروی انتظامی بار دیگر ثابت می‌کند که قرار دادن مقامات ارشد جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های بین‌المللی حتا به اتهام نقض حقوق بشر و جنایت علیه مردم نیز در داخل ایران بر موقعیت آنها هیچ تأثیری نه تنها نمی‌گذارد بلکه آنها به مقام و مسئولیت بالاتر برای سرکوب بیشتر مردم می‌رسند و سیاست تحریم افراد کمکی به توقف ماشین سرکوب جمهوری اسلامی تا کنون کمکی نکرده است.

در این میان، هرچند خامنه‌ای علاقه شخصی به حسین اشتری داشت و حتا به پاس خدماتش در «پلیس اطلاعات و امنیت» درجه تشویقی گرفت اما در جریان سرکوب خیزش



احمدرضا رادان

انقلابی که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد انتقادات زیادی علیه او درون نظام مطرح شد و با وجود کشتار مردم اما انقلابی‌های ولایت حسین اشتری و معاونان وی را متهم به «مماشات با آشوبگران» کردند. ضمن اینکه شنیده شده است که حسین اشتری از حدود یک سال قبل خودش درخواست کرده بود از ریاست نیروی انتظامی کنار برود.

فریبرز کرمی زند افسر سابق پلیس و از مخالفان جمهوری اسلامی می‌گوید تغییر فرمانده نیروی انتظامی تأثیری بر افزایش قدرت رژیم ندارد زیرا به اعتقاد او «نیروی انتظامی به عنوان بخش بزرگی از سیستم سرکوب دچار اختلال شده و با تغییر فرمانده آن تغییر خاصی نمی‌کند.» او تأکید کرده «خودشان می‌دانند فشار بیشتر بر موتوری که یاتاقان زده باعث قفل شدن کامل آن می‌شود.»

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مثل سایر نهادها و ارگان‌های حکومت به شکل «باندبازی» و مافیایی اداره می‌شود. حسین اشتری و احمدرضا رادان هر دو از «باند اصفهانی‌ها» هستند اما در روشن ارتکاب جنایت تفاوت دارند. حسین اشتری برای کشتن چرتکه می‌اندازد اما احمدرضا رادان یک پاسدار سپاهی خشن و بی‌رحم است.

این تفاوت علاوه بر بر ریشه‌های فکری و هویتی این دو سرکوبگر، با سابقه آنها نیز مرتبط است. اشتری سابقه حضور در جنگ ایران و عراق را دارد و اسلحه‌اش آن زمان رو به دشمن خارجی متجاوز گرفته شده بود اما رادان «قصاب کردستان» است. احمدرضا رادان ۱۹ سال در کردستان به جمهوری اسلامی خدمت کرد. او کارش را از گردان مخوف «جندالله» شروع کرد و روشن است که می‌بایست در آدمکشی بی‌رحم باشد.

علاوه بر همه اینها، احمدرضا رادان یک پاسدار ثروتمند است. در کردستان با پوکه‌های میدان تیر دلالی می‌کرد. آنهایی که در مناطق رزمی حساس مثل کردستان خدمت کرده‌اند می‌دانند پوکه‌های برنجی برجای مانده از فشنگ و خمپاره‌ها در مانورها و میادین تیر چقدر ارزش مالی دارند. آنهایی که با رادان در کردستان «خدمت» کرده‌اند می‌دانند رادان بابت دلالی فرش و فروش آنها به پرسنل نیز چقدر پول به جیب زد.

حالا احمدرضا رادان در بدترین شرایط جمهوری اسلامی فرماندهی پلیس و نیروی انتظامی نظام را به دست گرفته است. وضعیت برای رژیم بسیار بحرانی‌تر از سال ۸۸ است. در آن دوران، اعتراضات عمدتاً به تهران و قشر متوسطی محدود بود که معطوف به یک موضوع «انتخابات» بودند و می‌پرسیدند «رأی من کجاست». با وجود این اگر کمک حسین همدانی نمی‌بود چه بسا جمهوری اسلامی وضعیت دیگری پیدا می‌کرد. حسین همدانی بود که اراذل و اوباش را از زندان‌ها بیرون آورد و با قول آزادی و تخفیف مجازات به آنها، شمشیر و قمه به دست‌شان داد تا به جان مردم منتقد و معترض بیفتند.

محمدعلی (عزیز) جعفری فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گفت «اگر درایت و مدیریت سردار همدانی در عاشورای سال ۸۸ نبود، جمع کردن این غائله سخت می‌شد.»

این روزها اما برخلاف اعتراضات سال ۸۸ احمدرضا رادان مانند دیگر مقامات کشوری و لشکری جمهوری اسلامی با چند مشکل اساسی روبروست:

-خیزش سراسری ۱۴۰۱ از نظر وسعت و تداوم با تظاهرات ۱۳۸۸ قابل مقایسه نیست.

-ریزش در داخل نیروهای انتظامی بسیار زیاد و کمبود بودجه و تجهیزات بسیار گسترده است. نارضایتی در بین پرسنل نیروی انتظامی زیاد است. حتا بعد از آرام‌تر شدن وضعیت خیابان‌ها «حق عملیات» (دستمزد ویژه روزانه) اندک آنها نیز قطع شده. پول که نباشد نیروی سرکوبگر به مافوق تمکین نمی‌کند و در میدان ترجیح می‌دهد بجای درگیری با مردم خود را جایی همان اطراف پنهان کند تا غائله بخوابد.

-ریزش در نهادهای امنیتی- نظامی موازی از جمله بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در سرکوب‌ها مشارکت دارند نیز زیاد است.

-مردم نسبت به گذشته انگیزه بیشتری برای «دفاع مشروع» و «دادخواهی» و «تلافی» پیدا کرده‌اند.

-روس‌ها درگیر جنگ اوکراین هستند و پشتیبانی آنها از ماشین سرکوب رژیم کمتر شده و چینی‌ها در مورد مسائل امنیتی به ویژه انتقال تکنولوژی‌های الکترونیک منافع خودشان را بر حمایت از رژیم ایران ترجیح می‌دهند و در حال حاضر رژیم را رها کرده و به عربستان سعودی نزدیک شده‌اند.

در چنین شرایطی، دست علی خامنه‌ای به عنوان «فرمانده کل قوا» برای جابجایی مهره‌ها به شدت خالیست. آنها امتحاناتی پس داده‌اند و در سرکوب نیز نتوانسته‌اند رضایت رهبری جمهوری اسلامی را جلب کنند و از آنجا که در رده‌های فرماندهی فساد و بی‌اعتمادی بسیار زیاد است، او مجبور شده دوباره سراغ مهره‌های سوخته‌ی خود برود آنهم در حالی که کم نیستند کسانی در میان همین مهره‌ها که نسبت به آینده رژیم دچار تردید شده‌اند.

در عین حال، رقابت میان فرماندهان میانی و رؤسای کلانتری از یکسو و حجم زیاد عملیات به ویژه برای مقابله با اعتراضات «محله‌محور» و «خرابکاری شرافتمندانه» ماشین سرکوب را مختل کرده و در چنین شرایطی احمدرضا رادان با خصوصیات یک فرد عصبی و جنایتکار مطمئنا فردی نیست که از پس فرماندهی سرکوب در کارزارهای بزرگ برآید. رادان از آندسته فرماندهان به قول خودش «لت و پار»کُن است که اگر در «پلان A» برای کشتار نتیجه نگیرد، برای طرح و اجرای «پلان B» هیچ ظرفیت ذهنی و شخصیتی ندارد.

فاطمه حربی؛ بازداشت به خاطر «بدحجابی»، پرونده‌سازی برای «اقدام علیه امنیت ملی»!

یکی از نزدیکان فاطمه حربی به کیهان لندن می‌گوید که وی را در مهرماه به خاطر بدحجابی در خیابان بازداشت کردند ولی برایش پرونده اقدام علیه امنیت ملی درست کردند و دو هفته او و دوستش را که در خیابان با هم بودند به زندان انداختند.

ده روز پس از آزادی وی را به بهانه امضا به دادسرا خواستند ولی پس از سه ساعت به مادرش که با وی به دادسرا رفته بود گفتند که او به زندان «کچویی» منتقل شد!



فاطمه حربی

فیروزه نوردستروم – م. ی. یکی از نزدیکان فاطمه حربی زن جوان زندانی در زندان «کچویی» کرج با اعلام اینکه این زندانی جوان دچار عفونت دستگاه گوارش و خونریزی شده است به کیهان لندن می‌گوید: «جان فاطمه به دلیل سابقه بیماری قلبی او با بروز این مشکلات، در خطر است و این درحالیست که مقامات زندان از تحویل داروی قلب به او جلوگیری می‌کنند.»

فاطمه حربی متولد ۲۱ آبان ۱۳۶۲ در کرج است که به دلیل بدحجابی دو بار بازداشت شد و اکنون در شرایط بد جسمانی در زندان «کچویی» کرج بسر می‌برد، حکم ۵ سال زندان و ۲ سال تبعید به تبریز به خاطر تذکر برای شال در دادگاهی بدون قاضی برای او صادر شد در حالی که به گفته م. ی. این حکم به وکیل یا خانواده او ابلاغ نشده و حتا در وبسایت «ثنا» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی هم ثبت نشده بلکه فقط یک کاغذ در داخل زندان به او نشان دادند و امضا گرفتند. بعد از صدور حکم هنوز اسم او جز آمار زندان نیست و هنوز وارد بند عمومی نشده است.

به گفته وی، فاطمه حربی تنها کسی است که در آن بند حکم گرفته ولی وارد بند عمومی نشده در حالی که تمام افرادی که آنجا هستند منتظر حکم هستند و هنوز دادگاهی هم نشده‌اند. فاطمه چند بار می‌خواست درخواست اعتراض و درخواست دادگاه تجدید نظر ارائه کند ولی چون حکم‌اش در وبسایت «ثنا» ثبت نشده نتوانسته اعتراض کند و برای دادگاه تجدید نظر درخواست بدهد.

این فرد مطلع با اشاره به اینکه فاطمه حربی از دو سال پیش به عنوان ویزیتور برای یک شرکت آرایشی کار می‌کرد توضیح می‌دهد: «در روز ۲۰ مهر او به همراه یکی از همکارانش برای خوردن ناهار به سمت یک رستوران در حال حرکت بودند که از جلوی ماموران امنیتی رد شدند. یکی از آن ماموران برای افتادن شال به همکار فاطمه تذکر داد او هم شالش را روی سرش مرتب کرد، آنها چند قدمی فاصله نگرفته بودند که ماموران جلوی آنها را گرفتند و به فاطمه گفتند« تو چرا شالت رو درست نکردی؟ موهات چرا قرمزه؟!» فاطمه به آن مامور گفت که شما به دوست من تذکر دادید و من فکر کردم که شال من درسته؛ رنگ موهام هم که ۳ ماهه این رنگیه.»

در ادامه «ماموران گوشی آنها را برای چک کردن خواستند، همکار فاطمه گوشی خودش را داد اما گوشی فاطمه در ماشین جا مانده بود و به مامور گفت اگر لازم هست بروم و بیاروم و آنها گفته بودند نیاز نیست. بعد از چک گوشی، مامورین از فاطمه و دوستش خواستند که با آنها سوار ماشین شوند. وقتی فاطمه علت را پرسید گفتند «نگران نباشید، شما رو به خاطر حجاب می‌برند، جزو تظاهرات‌کنندگان نیستید و با یک تعهد آزاد می‌شوید.» آنها را ابتدا به پلیس امنیت گوهردشت انتقال دادند، تا شب در آنجا نگه داشتند و بعد شب از آنجا به زندان کچویی انتقال داده شدند. وقتی فاطمه علت را سوال کرد گفتند جرم‌تان اقدام علیه امنیت ملی ست نه بدحجابی!»

م. ی. ادامه می‌دهد: «بعد از ۲ هفته فاطمه و دوستش به قید وثیقه آزاد شدند، قاضی تشخیص داده بود چون مدرکی نیست و جرم‌شان فقط بی‌حجابی است با قید وثیقه آزاد شوند. بعد از آزادی، فاطمه خیلی گوشه‌گیر شده بود و به کسی نمی‌گفت در زندان چه اتفاقی افتاده. تا اینکه بعد از ۱۰ زور دفتردار دادسرا پیام داد که فاطمه بیاید تا دو تا امضا که فراموش شده از او بگیرند، یعنی حتی احضاریه هم نفرستادند، فاطمه برای امضا با مادرش به دادسرا رفت، مادرش را جلوی در نگه داشتند و فاطمه برای امضا داخل شد، بعد از ۳ ساعت به مادرش گفتند فاطمه به زندان کچویی منتقل شد!»

این منبع نزدیک به خانواده فاطمه حربی با اشاره به اینکه دوباره به فاطمه اتهام اقدام علیه امنیت ملی زده‌اند می‌گوید: «یکبار به اصرار توانستیم یک وکیل بگیریم ولی زمانی که وکیل برای مطالعه پرونده رفته بود از دفتر قاضی بیرونش کردند. قاضی به او گفته بود به نفعات هست از این پرونده انصراف بدهی؛ که او هم همین کار کرد. بعد یک وکیل آخوند به ما معرفی کردند و گفتند دوست خود قاضی هست و می‌تواند کمک کند، او هم هیچ کاری نکرد جز اینکه یک لایحه بر روی پرونده گذاشت و به ما هم اطمینان داد چون پرونده فاطمه سفید است و جرمی مرتکب نشده آزاد می‌شود. در نهایت دادگاه فاطمه در ۲۳ آذر به ریاست قاضی آصف حسینی در دادسرای ناحیه ۱ انقلاب کرج تشکیل شد. نه قاضی حضور داشت و نه وکیل، خانواده هم اجازه ورود به دادگاه نداشتند؛ قاضی به صورت ویدئوکال با فاطمه صحبت کرد! یک هفته بعد در زندان با یک کاغذ حکم به فاطمه ابلاغ شد و از او خواستند زیر حکم‌اش را امضا کند: ۵ سال زندان و ۲ سال تبعید به تبریز!»

به گفته‌ی این فرد مطلع، «در طول مدت این ۳ ماه و قبل از برگزاری دادگاه، فاطمه برای گرفتن اعتراف مورد ضرب و جرح نیز قرار گرفت که اعتراف نکرد. بعد از ابلاغ حکم، فاطمه را به بخش عمومی نفرستادند، او هنوز در قرنطینه نگهداری می‌شود که به گفته خودش وضعیت بسیار بدی دارد؛ برای نزدیک ۳۰ دختر فقط یک دستشویی وجود دارد، بیشتر دخترها عفونت روده گرفته‌اند، دکتر زندان این موضوع را تشخیص داده ولی دارو تجویز نمی‌کند. به پرونده‌ها هم که اصلا رسیدگی نمی‌شود. فاطمه هم که حکم گرفته نه به بند عمومی فرستاده می‌شود و نه حکم‌اش در جایی ثبت شده و نه فعلا اجازه درخواست دادگاه تجدید نظر به او می‌دهند. یکبار هم بعد از دستگیری دوم فاطمه برای گرفتن وثیقه میلیاردی ۱۰ روز فرصت دادند که خانواده برای پیدا کردن سند خانه به این ارزش پول دادند و سند اجاره کردند ولی در دادگاه قبول نکردند و گفتند اصلاً وثیقه قبول نمی‌کنند.»

م. ی. ادامه می‌دهد: «همین امروز مادر فاطمه به من خبر داد که یکی از هم‌بندی‌های فاطمه که خونریزی و عفونت روده و ناراحتی کبد و کلیه داشته و به تازگی آزاد شده از وضعیت وخیم جسمانی ۱۵ اعتصاب‌کننده در این بند خبر داده و گفته آنها تحت فشارند که اعتصاب خود را بشکنند. نگرانی ما هم بابت فاطمه به دلیل بیماری قلبی اوست، عفونت بدن برای او خطرناک است و نباید ضربه‌ای به سمت چپ سینه‌اش وارد شود. ملاقات هفته‌ای یکبار او را هم بعد از اعتصاب غذا از او گرفته‌اند و از تلفن زدن هم محروم شده است.»

«زمستان سخت» فرارسید اما برای ایران؛
تعطیلی گسترده مدارس و ادارات و صنایع به دلیل کمبود گاز!

جواد اوجی به مردم التماس کرده که لباس گرم بپوشند و از پرده‌های ضخیم در خانه‌های استفاده کنند تا مصرف گاز کم شود و بتوان از این «زمستان سخت» عبور کرد.

گاز صنایع از جمله صنایع پتروشیمی، سیمان‌سازی و فولاد نیز از چند هفته پیش سهمیه‌بندی شده اما در روزهای گذشته در برخی شهرک‌های صنعتی گاز بطور کامل قطع شده است.

مدارس، ادارات و بانک‌ها در اکثر شهرها تعطیل شده‌اند و در هر شهر فقط یک شعبه یا دو شعبه بانک به فعالیت مشغول هستند.



امسال کمبود گاز در ایران بیش از سال‌های گذشته بحران آفریده و جدا از قطع گاز صنایع، مدارس و ادارات نیز در پی بحران تأمین انرژی با تعطیلی روبرو شده‌اند. وزیر نفت جمهوری اسلامی که توهم «زمستان سخت» اروپا را داشت حالا از مردم ایران خواسته لباس بیشتر بپوشند و از پرده‌های ضخیم در خانه استفاده کنند چون «زمستان سخت» است و جمهوری اسلامی عرضه‌ی استخراج و توزیع گاز در کشور را ندارد!

با حمله روسیه به اوکراین پیش‌بینی‌هایی درباره بحران انرژی در اروپا شده بود. مقامات جمهوری اسلامی که از این بحران احتمالی بسیار خشنود بودند، تصور می‌کردند بحران انرژی در اروپا، ابزاری برای برداشته شدن تحریم‌ها و سرازیر شدن پول به جیب نظام می‌شود. روزنامه کیهان چاپ تهران هشتم شهریور در گزارشی به اصطلاح تحلیلی اعلام کرده بود که «اروپا در انتظار وحشتناک‌ترین زمستان تاریخ خود» است.

جواد اوجی وزیر نفت هم در سخنانی در برنامه «جهان‌آرا» در صداوسیمای جمهوری اسلامی گفته بود که «امسال زمستان سختی در انتظار کشورهای غربی به خصوص اروپاست؛ دولت‌های اروپایی با دست خودشان به مردم‌شان ظلم می‌کنند. ایران می‌تواند بخشی از کمبود انرژی در جهان را تامین کند ولی چرا یک کشور متخاصم باید این گونه زورگویی کند؟»

حالا چند ماه بعد از وعده‌ها و خوشحالی‌های پوچ، بحران بی‌سابقه‌ای در تأمین و توزیع گاز در خود ایران شکل گرفته است. جواد اوجی امروز در برنامه‌ای در صداوسیما به مردم التماس کرده که لباس گرم بپوشند و از پرده‌های ضخیم در خانه‌ها استفاده کنند تا مصرف گاز کم شود و بتوان از این «زمستان سخت» عبور کرد.

سخنان جواد اوجی برای «پیشگیری» از بحران نیست بلکه بحران از ابتدای فصل سرما بروز کرده و این روزها آنقدر پیچیده شده که بسیاری از مدارس، ادارات و بانک‌ها به دلیل نبود گاز تعطیل شده‌اند.

جواد اوجی امروز چهارشنبه ۲۱ دی‌ماه در مکاتبه‌ای با معاون اول رئیس جمهور برای جلوگیری از خاموشی و قطع سراسری برق و گاز، خواستار تعطیلی کامل روزهای شنبه و یکشنبه تهران شد!

وزیر نفت همچنین امروز در جمع خبرنگاران گفت: «به خدا من دمای خانه خودم را ۲۱ تا ۲۲ درجه بیشتر نمی‌کنم، وارد منزل که میشم سریع لباس گرم می‌پوشم؛ بچه‌ها هم میدونند! نمی‌گذاریم ذره‌ای اسراف بشود، انشاالله با رعایت زمستان امسال رو هم بدون قطعی گاز خانگی پشت سر می‌گذاریم.»

مدیر مرکز «دیسپچینگ» (مدیریت و توزیع انرژی) شرکت ملی گاز ایران هم بر ضرورت توزیع کپسول گاز تأکید کرده است: «شرایط انتقال گاز اکنون فراهم است، ولی با توجه به نیاز برای جایگزینی مخازن گازی، احتمال قطع گاز در برخی نقاط وجود دارد و باید کپسول‌های گاز برای مصرف‌کنندگان جایگزین شود.»

در روزهای گذشته گاز برخی نقاط حتی در شهرهای بزرگ قطع شده است. در بخشی مناطق تهران گاز با اُفت شدید فشار روبرو شده و یا اصلا قطع شده است. یکی از شهروندان با انتشار ویدئویی مربوط به امروز چهارشنبه ۲۱ دی‌ماه می‌گوید: «زمستان سخت اروپا در خیابان آزادی!» او افزوده که «سه روز است گاز منطقه قطع است. برگشتیم به دوران قاجار و اگر این آخوندها بمانند فکر کنم برگردیم به دوران ماقبل تاریخ.»

گاز صنایع از جمله صنایع پتروشیمی، سیمان‌سازی و فولاد نیز از چند هفته پیش سهمیه‌بندی شده اما در روزهای گذشته در برخی شهرک‌های صنعتی گاز بطور کامل قطع شده است. گاز صنایع استان گیلان نیز امروز ۲۱ دی‌ماه تا اطلاع ثانوی قطع شد. روابط عمومی شرکت گاز گیلان اعلام کرد: با هدف حفظ پایداری جریان گاز مشترکان خانگی، گاز صنایع استان تا اطلاع ثانوی قطع خواهد بود.

بر اساس اعلام اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل استانداری و مصوبه کمیسیون هماهنگی بانک‌های استان البرز نیز امروز چهارشنبه ۲۱ دی‌ماه، با هدف مدیریت مصرف گاز، تمامی بانک‌های استان البرز به جز شعب کشیک تعطیل شد. همچنین کلیه بانک‌ها در این استان روز پنج شنبه تعطیل و شعب کشیک در روز پنجشنبه ۲۲ دی ماه فعال نخواهد بود.

از دیگر نمونه‌های تعطیلی‌های بی‌سابقه در پی کمبود گاز، کلیه اماکن ورزشی اعم از سالن‌ها، استخرها و غیره در سطح شهرستان‌های استان تعطیل شد.

سرپرست اداره کل ورزش و جوانان خراسان جنوبی نیز امروز درباره تعطیلی اماکن ورزشی این استان که شامل بیش از ۲۵۰ سالن ورزشی، استخر سرپوشیده و باشگاه‌های ورزشی است گفته که «در راستای بارندگی‌ها و افت فشار و همچنین پیش‌بینی تأمین سوخت هموطنان کلیه اماکن ورزشی اعم از سالن‌ها، استخرها و غیره از امروز تا صبح شنبه ۲۴ دی‌ماه تعطیل است.»

همچنین بسیاری از مدارس در استان‌های مختلف تعطیل اعلام شده و یا ساعت آغاز به آموزش در آنها به نزدیکی ظهر موکول شده است. از جمله روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس نیز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مدارس بعضی شهرستان‌های فارس، چهارشنبه ۲۱ دی با تاخیر آغاز به کار خواهند کرد.

آموزش و پرورش قزوین هم اعلام کرد که مراکز پیش‌دبستانی، مدارس مقطع ابتدایی و مدارس استثنایی استان قزوین چهارشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۱ غیرحضوری است. همچنین به علت برودت شدید هوا و به منظور مدیریت مصرف بهینه حامل های انرژی، مدارس آذربایجان شرقی روز چهارشنبه ۲۱ دیماه غیرحضوری شد.

همچنین در استان مرکزی نیز نه تنها مدارس تعطیل شدند بلکه زمان برگزاری آزمون فرهنگی مهارت‌آموزان ماده ۲۸ آموزش و پرورش نیز که قرار بود در روزهای آتی برگزار شود و به زمانی دیرتر موکول شده است.

ولی موسوی رئیس اداره اطلاع رسانی اداره کل آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد از غیر حضوری شدن فعالیت آموزشی مدارس در مناطق سردسیری این استان طی بارش برف خبرداد.

منصور شیشه فروش مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان از تعطیلی کلیه ادارات، دستگاه‌های اجرایی، بانک‌ها و مراکز آموزشی استان اصفهان در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۲۱ و ۲۲ دی‌ماه خبر داد.

علیرضا شهرداری:

پیروز در حال حاضر شرایط خوبی دارد



پیروز از بدو تولد مشکلاتی در دفع دارد و گاهی برای از بین بردن التهاب ناشی از دفع برای او پماد استفاده می‌شود و برای اینکه پماد را لیس نزند به او «کلاه الیزابت» می‌بندند.

علیرضا شهرداری: پیروز یک توله‌یوز طبیعی نبوده، شیر مادر نخورده، مشکلات گوارشی داشته و در چهار روز ابتدایی تولد بدترین شیر ایرانی را خورده و...

«پیروز» تنها توله باقیمانده از بارداری یک توله یوزپلنگ ماده به نام «ایران» امیدواری برای نجات یوز ایرانی را که در معرض انقراض قرار گرفته افزایش داده است.

در حالی که انتشار تصویری از «پیروز» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد گردنبند الیزابت دارد و برای او از پماد آنتی هموروئید استفاده می‌شود، تیمارگر او با ارائه توضیحاتی گفته جای نگرانی نیست و حال پیروز خوب است.

تصویری از «پیروز» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که نشان می‌دهد گردنبند الیزابت دارد و برای او از پماد آنتی هموروئید استفاده می‌شود. برخی از احتمال بیماری او سخن گفته و خواستار توضیح شدند.

علیرضا شهرداری تیمارگر پیروز درباره علت بستن کلاه طبی حیوانات یا «کلاه الیزابت» برای پیروز توضیح داده که «یوزها هم مانند دیگر حیوانات بدن خود را لیس می‌زنند، هرگاه مشکل گوارشی برای پیروز پیش می‌آید او پشت خود را لیس می‌زند و لیس زدن باعث التهاب یا ایجاد زخم می‌شود، برای درمان این التهابات از پماد استفاده می‌کنیم، برای اینکه پیروز آن پماد را با زبان لیس نزند، یکی، دوساعت از گردنبند الزابت استفاده و بعد دوباره بازش می‌کنیم.»

علیرضا شهرداری با بیان اینکه پیروز در حال حاضر به لحاظ سلامت جسمی شرایط خیلی بهتری نسبت روزهای ابتدایی تولد دارد، افزوده که همیشه در تمام خبرها و خبرگزاری‌ها تأکید کردیم که پیروز هنوز به آن شرایط سلامت جسمانی کامل و ایده‌عالی که دارای ثبات باشد نرسیده است. این مشکلات از بدو تولد با پیروز بوده و در واقع مشکلاتی نبوده که به دلیل نوع نگهداری خاص، درمان خاص یا هر چیز دیگری به وجود آمده باشد.

او در ادامه گفته که «مشکلات پیروز برای ما همیشه بسیار مهم بوده و همیشه بر آنها تأکید کرده و آنها را پنهان نکرده‌ایم، در واقع پیروز یک توله‌یوز طبیعی نبوده، شیر مادر نخورده، مشکلات گوارشی داشته و در چهار روز ابتدایی تولد بدترین شیر ایرانی خورده، در هر صورت اگر سزارینش به موقع بوده یا نه، مشکلات ژنتیکی یا هر مشکل دیگر داشته یا نداشته، یا هر مساله‌ای که در سلامت او نقش داشته که نمی‌توانیم دقیقا به آن اشاره کنیم، از ابتدای تولد با پیروز بوده است.»

تیمارگر «پیروز» همچنین گفته که «پیروز در حال حاضر شرایط خوبی دارد، اما در زمان‌هایی که این مشکل کمی جدی‌تر می‌شود، ما مجبوریم از پماد استفاده کنیم و برای او گردنبند ببندیم، این یک مساله و اتفاق جدیدی نیست. تمام مراحل تغذیه پیروز تحت نظر دامپزشک آفریقایی او (دکتر پیتر کالدول) و مشاوره دامپزشک ایرانی انجام می‌شود. در حال حاضر همه موارد مربوط به پیروز تحت کنترل دقیق قرار دارد، از مراقبت‌های دامپزشکی تا تغذیه و...»

علیرضا شهرداری ادامه داده که «خوشبختانه پیروز نسبت به مشکلات بسیار بزرگی که با آن مواجه بوده در حال حاضر شرایط بهتری دارد، تنها مشکل گوارشی که در واقع مربوط به دفع او می‌شود، مساله‌ای‌ست که از بدو تولد داشته و هنوز کم و بیش وجود دارد، از عکس پیروز با گردنبند نباید در جهت تخریب استفاده شود، در واقع اگر مشکلی بود چرا ما باید عکسش را منتشر می‌کردیم؟»«پیروز» تنها توله باقیمانده از بارداری یک توله یوزپلنگ ماده به نام «ایران» امیدواری برای نجات یوز ایرانی را که در خطر انقراض قرار دارد افزایش داده است.

«پیروز» اردیبهشت امسال به همراه دو یوز نر دیگر در پارک ملی توران به دنیا آمد. «ایران» توله یوز هشت‌ماهه ماده‌ای بود که طی همکاری مشترک یگان حفاظت محیط زیست و پلیس امنیت از قاچاقچیان حیوانات کشف و به پردیسان منتقل شد. «ایران» در زمان کشف دچار سوء تغذیه شدید بود و به علت جدایی زودهنگام از زادگاه خود، بسیاری از مهارت‌های بقا را فرا نگرفته بود. دامپزشکان امید چندانی به زنده ماندن «ایران» نداشتند اما او زنده ماند و پس از دو سال توانست نخستین بارداری خود را تجربه کند.

تشخیص دامپزشکان این بود که زایمان طبیعی برای «ایران» خطرناک است و به همین دلیل او سزارین شد. دست زدن تیم زایمان به توله‌ها باعث پس زدن توله‌ها از سوی ایران شد. دو توله نر دیگر حاصل از این زایمان جان خود را از دست دادند و «پیروز» توله نر زنده ماند.

«پیروز» که اکنون شش ماهه است، هنوز وابستگی زیادی به انسان به ویژه به علیرضا شهرداری تیمارگرش دارد. سازمان محیط زیست اعلام کرده که دلیل این وابستگی نیاز پیروز به درمان و مراقبت ویژه بوده است.

یوز ایرانی از جمله گونه‌های جانوری در حال انقراض در ایران است که طی سال‌های گذشته اشتباهات پی در پی مقامات دولتی، خطر این انقراض را افزایش داده است.

در همین روزها ادارات، دستگاه‌های اجرایی مدارس و مراکز آموزشی استان کردستان هم تعطیل است.

معاون استاندار گلستان هم اعلام کرده که مدارس و دستگاه‌های اجرایی استان گلستان به استثنای مراکز درمانی، امدادی و انتظامی به مدت سه روز به صورت دورکار خواهند بود و بانک‌ها صرفاً دو شعبه در مرکز استان و یک شعبه در شهرستان‌ها با هماهنگی دبیر کمیسیون هماهنگی بانک‌های استان دایر هستند.

ایران در حالی دومین منابع گازی جهان را در اختیار دارد اما به دلیل ناکارآمدی جمهوری اسلامی سال‌هاست تأمین گاز مصرفی در درون کشور و برای شهروندان و صنایع به یک بحران جدی در فصل سرد تبدیل شده است.

یکی از مشکلاتی که در تأمین گاز مورد نیاز کشور وجود دارد، فرسودگی خطوط تولید و توزیع و عدم به روزرسانی تکنولوژی است. موضوعی که از سوی حمیدرضا عراقی مدیرعامل سابق شرکت ملی گاز ایران مورد تأکید قرار گرفته است: «زمانی که قیمت گاز ارزان باشد طبیعتا کسی به دنبال بخاری با راندمان بالا نمی‌رود، نیروگاه‌ها خود را بهینه نمی‌کنند، صنایع نیز به دنبال راهکارهایی برای صرفه‌جویی سوخت نمی‌روند که منجر به کاهش قیمت‌ها شود، چرا که قیمت سوخت در هزینه‌های صنایع بزرگ همچون، فولاد، پتروشیمی و نیروگاه‌ها تاثیر چندانی ندارد، بنابراین اگر قیمت بر اساس برنامه پنجم تغییر می‌کرد تکنولوژی نیز به این عرصه راه پیدا می‌کرد.»

به گفته حمیدرضا عراقی «بهینه سازی انرژی مستلزم قیمت، تکنولوژی و فرهنگ است، در همه جای دنیا انرژی قیمتی دارد که مردم نسبت به آن حساس هستند، در ایران قیمت افزایش نیافت، تکنولوژی وارد نشد، فرهنگ مصرف نیز شکل نگرفت و اکنون شاهد شرایط موجود هستیم. در شرایط فعلی، می‌توان گفت نیروگاه‌ها ۵۰ درصد با سوخت دوم فعال باشند و یا صنعت سیمان محدودتر شود و یا پتروشیمی‌ها در زمستان کمتر مصرف کنند اما اگر این سیاست به همین روال ادامه پیدا کند، این مشکل را مانند آب زاینده‌رود هیچ کس نمی تواند حل کند.»

هرچند مسئولان دولتی از وعده‌های بی‌عمل در زمینه حل مشکل استخراج و توزیع گاز خبر می‌دهند، احمد زراعت کار، رئیس دفتر انرژی سازمان برنامه و بودجه ایران گفته بود کشور حداقل تا ۲۰ سال دیگر درگیر بحران کمبود گاز است.

واکنش شهروندان معترض و جامعه جهانی به قتل حکومتی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی



محمدحسینی، محمدمهدی کرمی

شهروندان در چند نقطه پایتخت از جمله تهرانپارس و هفت حوض نارمک عصر و شب گذشته تجمع کردند و شعارهای شبانه از منازل سر داده شد.

شاهزاده رضا پهلوی: با همت ملت بیدار و متحد ایران، این تروریست‌های ضدایرانی و رهبر جنایتکارشان به سزای اعمال خود خواهند رسید. به خون پاک محمد و مهدی سوگند که مصمم‌تر از پیش، این انقلاب را تا روز پیروزی ادامه می‌دهیم.

از روز گذشته کارآمد بودن و موثر بودن پذیرش کفالت‌های سیاسی و یا واکنش‌های رسمی دولت‌ها و مقامات کشورها در بازدارندگی جمهوری اسلامی از سرکوب و کشتار بیشتر مردم، مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

در پی «قتل حکومتی» دو شهروند معترض با سپردن آنها به «چوبه دار»، شهروندان معترض در چند شهر ایران اعتراضات و تجمعاتی برگزار کردند. جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری نیز واکنش گسترده‌ای به «اعدام» دو شهروند معترض نشان دادند. در حاشیه واکنش‌ها این موضوع مطرح است که آیا موضعگیری و پذیرش «کفالت سیاسی» در مقابل جنایت‌های جمهوری اسلامی کافیست؟! آیا چنین اقداماتی که بیشتر فشار سیاسی و نمادین هستند می‌توانند جان شهروندان ایران را چه در زندان و چه در خیابان حفظ کنند؟!

جمهوری اسلامی در اقدامی سازمانیافته حکم «اعدام» دو شهروند معترض دیگر را سحرگاه شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱ به اجرا گذاشت و آنها را به قتل رساند. محمدمهدی کرمی ۲۲ ساله و محمد حسینی ۳۹ ساله دو متهم در پرونده‌سازی قتل یک بسیجی مسلح و سرکوبگر بودند که به همراه سه متهم دیگر به «اعدام» محکوم شدند اما دیوان عالی کشور با درخواست فرجام‌خواهی سه متهم موافقت و حکم اعدام این دو جوان را تأیید کرد و این احکام غیرقانونی و ناعادلانه و ضدانسانی روز گذشته اجرا شدند.

علی شریف‌زاده اردکانی وکیل انتخابی محمد حسینی که البته اجازه نیافت در پرونده و جلسات دادگاه حضور پیدا کند، با انتشار تصویری از سند ثبت اعاده دادرسی اجرای حکم اعدام برای موکلش را «ناحق» خوانده و نوشته که «با توجه به ثبت اعاده دادرسی و ارائه مستندات از جمله شکایت اذیت و آزار موکل‌ام جهت اخذ اقرار و مدارک بیماری روانی دوقطبی او، اجرای حکم ناحق بود.»

علی شریف‌زاده تأکید کرده که یک روز بعد از تایید حکم اعدام محمد حسینی، اعاده دادرسی موکل‌اش را ثبت کرده اما هرچه تلاش کرد دستور توقف حکم را بگیرد مسئولان قوه قضاییه مقاومت کرده و به او گفتند ادامه کار را شنبه پیگیری کند. این وکیل دادگستری در حالی که شنبه صبح اول وقت در مسیر دیوان عالی کشور برای طی ادامه مراحل قانونی در حرکت بوده شنیده که موکل‌اش اعدام شده است.

محمد آقاسی وکیل محمدمهدی کرمی نیز که او هم اجازه نیافت در پرونده محمدمهدی به عنوان وکیل حضور پیدا کند، در مصاحبه با روزنامه «توسعه ایرانی» گفته است «آنقدر سریع موکل‌ام را اعدام کردند که حتی فرصت ندادند برایش لایحه اعاده دادرسی بنویسم. محمدمهدی چهارشنبه گفت در اعتراض به نداشتن وکیل اعتصاب غذا می‌کند، اما در عرض دو روز او را اعدام کردند.»

محمد آقاسی افزوده «در شرایطی یک پسر ۲۲ ساله را محاکمه می‌کنند که نه مطلقا دادگاه را می‌شناسد، نه مقررات را می‌داند و نه بلد است از خود دفاع کند تا با دست بسته و زبان بسته در محضر دادگاه حاضر شود و از حق قانونی‌اش محروم شود. در این اعدام‌ها دیوان عالی کشور هم کوتاهی کرد، چون باید وقتی متهمان وکیل انتخابی نداشتند، حکم نقض می‌شد.»

وکلای انتخابی در حالی پس از اجرای حکم موکلان‌شان از این موضوع مطلع شدند که بر اساس قوانین ناقص و ناکارآمد جمهوری اسلامی هم، پیش از اجرای حکم اعدام باید وکیل او اطلاع پیدا کرده و حتی می‌تواند در زمان اعدام در محل حضور داشته باشد!

اعدام این دو جوان معترض با واکنش‌های گسترده‌ی داخلی و خارجی روبرو شده است. شهروندان در چند نقطه پایتخت از جمله تهرانپارس و هفت حوض نارمک عصر و شب گذشته تجمع کردند و شعارهای شبانه از منازل سر داده شد.

بر اساس گزارش‌ها و ویدئوهای منتشر شده شهروندان در بیش از ۱۴ محله در تهران، دو محله در کرج و چند شهر دیگر از جمله اراک شعارهای شبانه علیه جمهوری اسلامی سر دادند. مناطق امیرآباد، «ولیعصر»، مرزداران، پونک، بلوار فردوس، ستارخان، ولنجک، دربند، سعادت‌آباد، خیابان دولت، «پاسداران»، جردن، ظفر و نارمک از جمله محلات تهران هستند که شعارهای شبانه در آنها ادامه داشت. «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «تجاوز، جنایت، مرگ بر این ولایت»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشت شته»، «حکومت اعدامی، نمیخوایم نمیخوایم»، «مرگ بر حکومت بچه‌کش»، «مرگ بر خامنه‌ای» از جمله شعارهای شبانه مردم در شهرها و محله‌های مختلف بود.

شاهزاده رضا پهلوی روز شنبه در توییتی در واکنش به اعدام محمد حسینی و محمد مهدی کرمی نوشت که این دو «اعدام نشدند» بلکه توسط جمهوری اسلامی «به قتل» رسیدند.

شاهزاده رضا پهلوی نوشته است: «محمد حسینی و محمدمهدی کرمی اعدام نشدند؛ بلکه به دست رژیمی تروریستی به قتل رسیدند. با همت ملت بیدار و متحد ایران، این تروریست‌های ضدایرانی و رهبر جنایتکارشان به سزای اعمال خود خواهند رسید. به خون پاک محمد و مهدی سوگند که مصمم‌تر از پیش، این انقلاب را تا روز پیروزی ادامه می‌دهیم.»

ند پرایس سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده در توییتی با محکوم کردن اعدام این دو جوان نوشته است: «ما محاکمه نمایشی و اعدام محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را به شدت محکوم می‌کنیم. این اعدام‌ها بخش اصلی تلاش حکومت [جمهوری اسلامی] برای سرکوب اعتراضات است. ما به همراه شرکایمان به تلاش برای پاسخگو کردن حکومت ایران به دلیل این سرکوب بی‌رحمانه، ادامه می‌دهیم.»

ملانی جولی وزیر خارجه کانادا نیز در توییتی با تأکید بر اینکه باید از صدور و اجرای این احکام وحشیانه و غیرانسانی جلوگیری کرد نوشته که «جان دو انسان دیگر به خاطر اعدام‌های بی‌معنی به دست رژیم ایران تلف شد.»

وزارت خارجه فرانسه نیز در بیانیه‌ای اعدام شهروندان معترض توسط جمهوری اسلامی را «انزجارآور» خواند و نوشت که «این اعدام‌های هولناک در صدر نقض جدی حقوق و آزادی‌های بنیادین از سوی رژیم ایران قرار دارد.»

جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا در توییتی نوشت: «ایران باید فورا به خشونت علیه مردم خود پایان دهد. اعدام محمدمهدی کرمی و سیدمحمد حسینی توسط رژیم ایران نفرت‌انگیز است.» وی همچنین نوشت: «بریتانیا به شدت با مجازات اعدام در هر شرایطی مخالف است.»

شماری از شخصیت‌های هنری و ورزشی ایران نیز به این اعدام‌ها واکنش نشان دادند. هانیه توسلی، سحر دولتشاهی و نوید محمدزاده از سینماگران ایرانی، و علی قمصری آهنگساز با انتشار تصاویری از جمله تصویر محمدمهدی کرمی نوشتند: «به مامان چیزی نگو!» این عبارت که بر دیوارنویسی نیز شده و در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، عبارتی است که محمدمهدی کرمی پس از دریافت حکم اعدام به پدرش گفت تا مادرش را از این فاجعه با خبر نکند.

مهسا افسانه ورزشکار در اینستاگرام نوشت: «انگار کارتون خون کردن و جدا کردن همیشگی پدر و مادران از فرزندانشان هست. کاری مهم‌تر از اعدام جوان‌ها و نسل‌کشی در این کشور ندارید.»

همانطور که محمد آقاسی وکیل دادگستری هم تأکید کرده محمدمهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد.

جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمدمهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند.

حکم اعدام محمدمهدی کرمی و محمد حسینی در حالی اجرا شد که پیشتر محسن شکاری سحرگاه ۱۷ آذر در تهران و مجیدرضا رهنورد سحرگاه ۲۱ آذر در مشهد دو شهروند معترض دیگری بودند که به دار آویخته شدند. اینهمه در حالیست که پدر و مادر محمد حسینی درگذشته‌اند و او هیچ فامیل درجه اول نداشته که جنایتکارانی که حکم را اجرا کردند، پیکر وی را به آنها تحویل دهند!

در هفته‌های گذشته شماری از نمایندگان پارلمان در کشورهای اروپایی «کفالت سیاسی» شهروندان معترضی را که در جریان انقلاب ملّی به «اعدام» محکوم شده یا با اتهامات سنگین مانند «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو شده‌اند پذیرفتند؛ از جمله کفالت سیاسی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را! اما پذیرش کفالت سیاسی تا کنون نتوانسته قوه قضاییه و بطور کلی جمهوری اسلامی را محدود کند و یا به تجدید نظر در شیوه مرگبار سرکوب شهروندان وادار نماید.

از روز گذشته موضوع کارآمد بودن و موثر بودن پذیرش کفالت‌های سیاسی و یا دیگر واکنش‌های رسمی دولت‌ها و مقامات کشورها در بازدارندگی جمهوری اسلامی از سرکوب و کشتار بیشتر مردم، مورد توجه کاربران قرار گرفته است.

در همین رابطه رضا معینی مسئول دفتر ایران، افغانستان، و تاجیکستان در سازمان گزارشگران بدون مرز در توئیتی نوشته که «کفالت سیاسی یا حمایت از حقوق و جان یک زندانی زمانی کارآ است که همراه با اقدام عملی و پُرهزینه برای رژیم باشد. می‌توان حامیان محمدمهدی کرمی و محمد حسینی و دیگر حامیان زندانیان محکوم به اعدام را به اعتراض و تجمع در برابر سفارت‌های ایران فرا خواند.»

در حال حاضر برای بیش از ۱۰ شهروندی که در جریان اعتراضات چهار ماه گذشته بازداشت شده‌اند حکم «اعدام» صادر شده اما در این میان حکم محمد قبادلو و محمد بروغنی در دیوان عالی کشور تأیید شده و هر زمان خطر اجرای این احکام و به دار آویختن این دو جوان نیز وجود دارد.

محمد بروغنی جوان ۱۹ ساله در جریان اعتراضات سراسری در پاکدشت دستگیر و به اتهام «آتش زدن فرمانداری پاکدشت» و «حمله منجر به جراحت به مامور دولت» با عنوان اتهامی «محاربه» به اعدام محکوم شده است. قابل توجه اینکه مأموری که محمد را به اتهام مجروح کردن او به «اعدام» محکوم کردند سالم و سر حال در دادگاه محمد حاضر شده و علیه او شهادت داده است!

محمد قبادلو جوان متولد ۱۳۷۹ در جریان اعتراضات هفته‌های گذشته بازداشت و متهم به «محاربه» و «افساد فی الارض» با «زیرگرفتن» چند نیروی حکومتی شده است. بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دو قطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» شود.

معاون امنیتی وزیر کشور جمهوری اسلامی: واتس‌اپ و اینستاگرام عامل اصلی سازماندهی براندازان!

حمایت آمریکا از اقدام واتس‌اپ برای دسترسی ایرانیان به این پیام‌رسان



اعتراضات سراسری در ایران (تهران سپتامبر ۲۰۲۲)

سیدمجید میراحمدی معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی تأکید کرده «از نظر ما واتس‌اپ و اینستاگرام نقش برجسته و مهمی را در آشوب‌های اخیر بر عهده داشتند و به عنوان عامل اصلی، تهدید، تهییج، ساماندهی و هدایت جریان برانداز را دنبال می‌کردند».

واتس‌اپ به تازگی امکان دسترسی به این پیام‌رسان را با استفاده از پروکسی ویژه فراهم کرده است. وزارت خارجه آمریکا با حمایت و استقبال از این اقدام واتس‌اپ اعلام کرد: «واتساپ آخرین نمونه از شرکت‌های آمریکایی است که راه‌های معناداری برای کمک به مردم ایران جهت باز نگه داشتن کانال‌های ارتباطی می‌یابند.»

تقریباً در تمام شهرهای ایران دسترسی به اپلیکشن‌های ارتباطاتی از جمله واتس‌اپ و تلگرام و همچنین اینستاگرام حتا با وجود استفاده از وی‌پی‌ان ممکن نیست مگر در بعضی ساعت‌های شبانه روز که آنهم به خاطر سرعت بسیار پائین اینترنت با محدودیت در ارسال عکس و ویدئو و حتا فایل صوتی همراه است.

در همین ارتباط معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور جمهوری اسلامی می‌گوید «تا زمانی که واتس‌اپ و اینستاگرام قواعد حاکمیتی کشور ما را نپذیرند، امکان فعالیت آنها در کشور وجود ندارد. این دو برنامه در همه کشورهای دنیا، قواعد حاکمیتی آنها را برای رعایت اصول حاکم بر هر کشوری در حوزه‌های امنیتی، فرهنگی و سیاسی که شرط فعالیت آنان بوده را پذیرفتند و آن قواعد را اعمال می‌کنند به استثنای جمهوری اسلامی ایران. آنها درواقع حاکمیت ما را نقض می‌کنند و این موضوع با اصل استقلال کشور ما مغایرت دارد.»

سیدمجید میراحمدی تأکید کرده «از نظر ما واتس‌اپ و اینستاگرام نقش برجسته و مهمی را در آشوب‌های اخیر بر عهده داشتند و به عنوان عامل اصلی، تهدید، تهییج، ساماندهی و هدایت جریان برانداز را دنبال می‌کردند.»

وی در مورد آخرین وضعیت اعتراضات گفته «بحمدالله وضعیت امنیتی بسیار خوبی داریم و با اطلاعاتی که از پشت صحنه طراحان موضوع به ویژه از آمریکا، انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی داریم، آنها شکست خود را در پروژه براندازی پذیرفته‌اند.»

اینهمه در حالیست که واتس‌اپ به تازگی امکان دسترسی به این پیام‌رسان را با استفاده از پروکسی ویژه فراهم کرده است.

وزارت خارجه آمریکا نیز در توییتی با حمایت و استقبال از این اقدام واتس‌اپ اعلام کرد: «دولت بایدن و وزیر بلینکن کمک به ایرانیان برای اعمال حق جهانی خود جهت آزادی بیان و دسترسی آزادانه به اطلاعات از طریق اینترنت را در اولویت قرار داده‌اند. واتس‌اپ آخرین نمونه از شرکت‌های آمریکایی است که راه‌های معناداری برای کمک به مردم ایران جهت باز نگه داشتن کانال‌های ارتباطی می‌یابند.»

پیش از این احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز در مورد رفع فیلترینگ این پیام‌رسان‌ها گفته بود «باید ببینیم کسانی که می‌خواهند در این فضا فعال باشند، حاضر هستند از [به] سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تمکین کنند یا همچنان قصد دارند به حمایت خود از اغتشاشات ادامه دهند. اگر بخواهند با استفاده از ناامنی و هدایت اغتشاشات به رویه خود ادامه دهند، مطمئناً مسئولان ذیربط تصمیم‌گیری خواهند کرد و طبیعتاً رویه قبلی خود را خواهیم داشت.»

معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی همچنین گفته دشمنان بعد از «اغتشاشات» بر «اقتصاد و معیشت» مردم متمرکز شده‌اند. او توضیح داده دشمن روی این مسائل کار می‌کند تا مردم را بتواند با خود همراه کند.

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد نیز در خطبه‌های نماز روز ۱۶ دی‌ماه گفت: اقتصاد ما سه مسئله دارد، اقتصاد ما در محاصره یک مثلث است، ضلع اول مثلث «جنگ اقتصادی» است، دشمنی که نمی‌تواند در عرصه نظامی به سراغ ما بیاید، جنگ را در عرصه اقتصادی آغاز کرده؛ ضلع دوم «تحریم» است، یک تحریم همه‌جانبه و آزاردهنده که در همه جای دنیا دارد ما را دور می‌زند و ضلع سوم، «توطئه و فتنه»، مرتب توطئه و فتنه می‌کند که ما نتوانیم روی پای خودمان بایستیم و نتوانیم سر سفره خودمان نان خودمان را بخوریم!»

افزایش گرانی‌ها و نرخ بالای مواد غذایی و کالاهای اساسی و ناتوانی مقامات جمهوری اسلامی در کنترل تورم مردم را عاصی کرده است. از این رو تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند موج تازه‌ای از اعتراضات خیابانی با گستردگی در میان اقشار متوسط و کم‌برخوردار آغاز شود.

محمد سلطانی را در مشهد با وجود تهیه وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد نمی‌کنند!


محمد سلطانی

یک فرد نزدیک به خانواده به کیهان لندن می‌گوید، مادر و خواهر محمد سلطانی که وی نان‌آور آنهاست، تنها اعضای خانواده این جوانند و با اینکه در مشهد زندگی می‌کنند اما از ایرانیان کُرد و اهل مهاباد هستند. در سال‌های گذشته برادر و پدر محمد در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شدند و حالا معلوم نیست مأموران امنیتی که با وجود تهیه وثیقه‌ی یک میلیارد تومانی باز هم او را آزاد نکرده‌اند، می‌خواهند چه بلایی سر وی بیاورند. حتا دو وکیل وی نمی‌دانند چه اتهامی به او زده‌اند!

فیروزه نوردستروم – محمد سلطانی متولد ۱۳۷۴ نان‌آور و سرپرست مادر و خواهرش است که تا پیش از بازداشت در یکی از اغذیه‌فروشی‌های شهر مشهد کار می‌کرد. در روز دهم آذرماه دو نفر از دوستان محمد سلطانی که همراه با او در اعتراضات مسالمت‌آمیز و بحق مردم در مشهد شرکت کرده بودند بازداشت شدند، دو روز بعد در ۱۲ آذرماه محمد سلطانی در یک مهمانی دوستانه در مشهد با یورش ماموران امنیتی به همراه دوستانش بازداشت شدند.

یک فرد نزدیک به خانواده محمد سلطانی با اعلام این مطلب به کیهان لندن می‌گوید: «محمد سلطانی از هنگام بازداشت به مرکز حفاظت اطلاعات مشهد که جای بسیار خطرناکی است منتقل شد؛ ۳ هفته بعد از دستگیری او را به زندان وکیل آباد منتقل کردند. ماموران امنیتی پس از ربودن محمد و انتقال او به زندان وکیل آباد خواستار وثیقه یک میلیارد تومانی شدند. با اینکه خانواده او با هزار مصیبت این وثیقه را تهیه کردند ولی او را بار دیگر به حفاظت اطلاعات مشهد انتقال داده و دوباره از او بازجویی کردند.»

به گفته این فرد مطلع، گفته می‌شود یکی از کسانی که همراه با محمد بازداشت شده ادعا کرده که محمد پرچم جمهوری اسلامی را آتش زده و او را به اعتراض کردن تشویق کرده است. این فرد ادامه می‌دهد: «البته مسلم است که این اعتراف تحت شرایط عادی گرفته نشده و اعتبار حقوقی ندارد.»

به گفته وی، مادر و خواهر محمد سلطانی تنها اعضای خانواده این جوان با اینکه در مشهد زندگی می‌کنند اما از ایرانیان کُرد و اهل مهاباد هستند. در سال‌های گذشته برادر و پدر محمد در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند و حالا «نمی‌دانیم در مرکز حفاظت اطلاعات مشهد چه بلایی بر سر او می‌آورند. به هر حال، علاوه بر این، محمد تحت شکنجه روحی هم هست و به خاطر موضوع اعدام پدر و برادرش ماموران امنیتی و بازجوها او را هم به اعدام تهدید کرده‌اند. »

او ادامه می‌دهد: «محمد سلطانی در زندان یکبار با مادرش ملاقات داشت. مادرش وضعیت جسمانی او را مناسب توصیف نکرده. مادر محمد هنگام ملاقات با پسرش متوجه شده بود که فرزندش تحت شکنجه روحی و جسمی است. قرار شده بود با وثیقه او را آزاد کنند ولی دوباره محمد را به حفاظت اطلاعات مشهد انتقال دادند و بعد از این انتقال دیگر از او خبری نداریم.»

به گفته این فرد نزدیک به خانواده محمد سلطانی، «با وجود اینکه دو وکیل روی پرونده او کار می‌کنند اما هنوز مشخص نیست که به وی چه اتهامی نسبت داده‌اند! همه افرادی که با او دستگیر شده بودند یا آزاد و یا به زندان منتقل شده‌اند اما وضعیت پرونده محمد همچنان بلاتکلیف است و زمان دادگاه او نیز به یک ماه بعد موکول شده است.»

در جریان خیزش انقلابی مردم ایران هزاران جوان به جرائم واهی دستگیر شده‌اند که رسیدگی به پرونده‌ی آنها نه تنها با تعلل روبروست بلکه هیچکدام از روندهای قضایی حتا طبق قوانین خود جمهوری اسلامی نیز در آنها رعایت نمی‌شود. قوه قضاییه تا کنون چهار جوان، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی را با سپردن به چوبه دار به قتل سپرده و برای شماری دیگر احکام سنگین از جمله اعدام صادر کرده است. به گفته‌ی مقامات جمهوری اسلامی هزاران تن در خیزش انقلابی مردم دستگیر شده‌اند و از سرنوشت بسیاری از آنها اطلاعی در دست نیست.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی:

محور تظاهرات قشر ضعیف جامعه اعم از کارگران و دستفروشان هستند

نشریه «هیل» وابسته به کنگره آمریکا با اشاره به ادامه تظاهرات در ایران به دولت بایدن توصیه کرده «تغییر رژیم» در ایران همچنان مطلوب‌ترین راهکار بلندمدت برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی از جمله هسته‌ای شدن این رژیم است.

محسن پیرهادی نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید، جنس شعارهای ناآرامی‌های اخیر اجتماعی-فرهنگی بود اما محکومان و بازداشت‌شدگان بیشتر از قشر ضعیف جامعه اعم از کارگر و دستفروشان هستند که بیشتر دغدغه‌های اقتصادی داشته‌اند.

وبسایت رادیو ملّی آمریکا (NPR) به نقل از دو نفر از مخالفان جمهوری اسلامی می‌نویسد: «تنها مانعی که باعث شده است نیروهای امنیتی نتوانند اعتراض‌های کنونی را مهار کنند، این است که تظاهرات در شهرها و محلات مختلف گسترده شده است».

وبسایت شبکه «اسکای نیوز» در گزارشی با اشاره به ادامه خیزش ضدحکومتی در ایران به تظاهرات روز یکشنبه ۱۸ دی‌ماه در استان‌های تهران، اصفهان، مازندران، گیلان، البرز، کردستان، کرمانشاه، ایلام و نقاط دیگر اشاره کرده و آن را اولین تظاهرات قابل توجه سال جدید میلادی (۲۰۲۳) در ایران دانسته است.

در این گزارش آمده با وجود صدور احکام اعدام برای معترضان و شلیک نیروهای امنیتی به مردم در بیش از ۲۵ نقطه در دست‌کم ۱۷ شهر تظاهرات برگزار شد که از پنجم دسامبر ۲۰۲۲ مصادف با ۱۳ آذرماه ۱۴۰۱ بالاترین میزان مشارکت در تظاهرات بود.

اطلاعاتی که اسکای‌نیوز منتشر کرده بر اساس داده‌های مربوط به پروژه تهدیدات بحرانی (CTP) است که مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» با حمایت مؤسسه «مطالعات جنگ» بر اساس تجمعات داخل ایران ترسیم شده است.

همزمان با تداوم اعتراضات در ایران برخی اصناف از جمله کارگران و رانندگان و کسبه نیز دست به اعتصاب زدند.

اسکای‌نیوز می‌نوسد اعتراضات و اعتصابات در حالی تداوم پیدا کرده که مردم ایران همچنان خواستار دگرگونی اساسی در کشور هستند. همچنین اشاره شد که با اعلام خبر اعدام احتمالی محمد قبادلو و محمد بروغنی ده‌ها نفر از مردم شبانه در مقابل زندان «رجایی شهر» کرج تجمع

←



خیزش آزادیخواهانه مردم در ایران از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد

کردند و خواستار توقف اعدام‌ها شدند.

نشریه «هیل» وابسته به کنگره آمریکا با اشاره به ادامه تظاهرات در ایران به دولت بایدن توصیه کرده «تغییر رژیم» در ایران همچنان مطلوب‌ترین راهکار بلندمدت برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی از جمله هسته‌ای شدن این رژیم است.

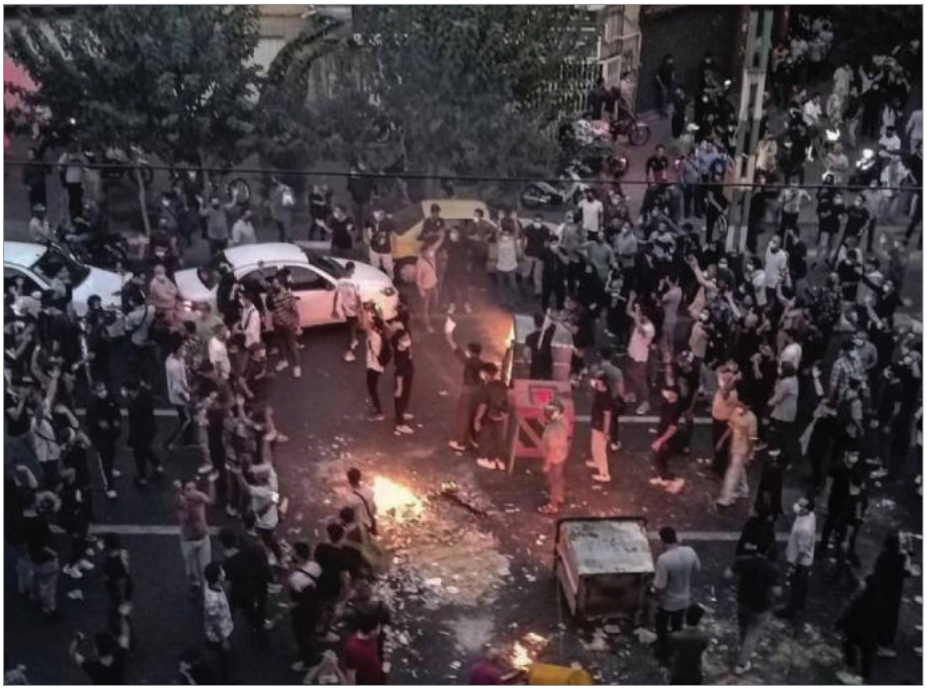
وبسایت رادیو ملّی آمریکا (NPR) به نقل از دو نفر از مخالفان جمهوری اسلامی می‌نویسد: «بعد از تظاهرات گسترده چند ماهه مردم ایران، دیدیم که حکومت از هیچکدام از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد. این موضوع مردم را بیشتر از گذشته خشمگین کرد و تداوم موج‌های دیگری از اعتراض‌ها غیرقابل پیش‌بینی نیست. اراده حکومت برای تشدید خشونت مطلقاً تمام‌شدنی نیست. تنها مانعی که باعث شده نیروهای امنیتی نتوانند اعتراضات کنونی را مهار کنند، این است که تظاهرات در شهرها و محلات مختلف گسترده شده است.»

مقامات ارشد جمهوری اسلامی مدام ادعا می‌کنند اعتراضات «توطئه خارجی» است. با اینهمه کم نیستند کسانی که اظهارات‌شان به واقعیت‌ها نزدیک‌تر است.محسن پیرهادی نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید، جنس شعارهای ناآرامی‌های اخیر اجتماعی- فرهنگی بود اما محکومان و بازداشت‌شدگان بیشتر از قشر ضعیف جامعه اعم از کارگر و دستفروشان هستند که بیشتر دغدغه‌های اقتصادی داشته‌اند.

وی تأکید می‌کند، «هسته شکل‌گیری این ناآرامی‌ها مشکلات اقتصادی و مشکلات مستمر بود که مردم با آن دست به گریبان‌اند.» پیرهادی توضیح داد، «متأسفانه توجه به طبقه متوسط و سرمایه‌گذاری بر روی آن در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای، انسانی و فرهنگی در سال‌های اخیر مورد غفلت واقع شد و در اعتراضات اخیر گوشه‌ای از این غفلت عیان شد و طبقه اقتصادی و خاستگاه اجتماعی محکومان و بازداشتی‌های اخیر و جنس مطالبات آنها گواهی بر ضرورت توجه به این غفلت است.»

اخیراً ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید بلندپایه قم نیز در دیدار با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی گفت، «اوضاع اقتصادی برای مردم به یک معضل و معما تبدیل شده که نمی‌توانند آن را حل کنند و شرایط به گونه‌ای است که نه تنها رو به بهبود نیست، بلکه تورم در بعضی کالاها نسبت به سال گذشته افزایش شدید داشته است.»

رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ: هر امتیاز غربی‌ها به جمهوری اسلامی، سیلی به مردم آزادیخواه ایران است



تظاهرات ضدحکومتی در تهران - مهرماه ۱۴۰۱

ولفگانگ ایشینگر رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ در یادداشتی که در پولیتیکو منتشر شد نوشته امضای توافق با تهران در شرایطی که مردم علیه حکومت دست به اعتراض زده‌اند پیام کاملاً اشتباهی ارسال می‌کند، زیرا هرگونه امتیازی از سوی غرب ممکن است در حمایت از رژیم به نظر برسد و درواقع سیلی به ایرانی‌هایی است که برای آزادی خود می‌جنگند و بسیاری از آنها به زندان افتاده‌اند.

« اگر غرب می‌خواهد ارزش‌های خود را کنار نگذارد، باید نشان دهد که مردم ایران را در راه مبارزه شجاعانه برای آزادی تنها نخواهند گذاشت».

ولفگانگ ایشینگر رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ در یادداشتی که ۵ ژانویه (۱۵ دی‌ماه) در پولیتیکو منتشر شد از اوکراین و ایران به عنوان دو چالش ژئواستراتژیک سال ۲۰۲۳ مرتبط با یکدیگر نام می‌برد و از دولت‌های غربی می‌خواهد که از مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی حمایت کنند.

در این نوشتار درباره وضعیت ایران آمده: چالش اصلی که باید به آن پرداخته شود این است که آیا به دلیل علاقه ما به احیای برجام تحریم‌های سفت و سخت‌تر اعمال کنیم یا در مورد نقض حقوق بشر کنونی رژیم خویشتنداری به خرج دهیم؟ در اینجا، پاسخ باید یک «نه» روشن و قاطع باشد!

ایشینگر می‌نویسد طبیعتاً نگرانی‌های جدی در زمینه حفاظت از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای همچنان وجود دارد. با این حال، اکثر کارشناسان بر این باورند که شانس احیای «برجام» مدت‌ها قبل از شروع اعتراضات در ایران به پایین‌ترین حد خود رسیده و تهران اصلاً تمایلی برای موافقت با پیش‌نویس پیشنهادی حاضر نشان نداده است.

علاوه بر این، امضای توافق با تهران در این زمان پیام کاملاً اشتباهی ارسال می‌کند، زیرا هرگونه امتیازی از سوی غرب ممکن است در حمایت از رژیم به نظر برسد و درواقع سیلی به ایرانی‌هایی است که برای آزادی خود می‌جنگند و بسیاری از آنها به زندان افتاده‌اند.

در ادامه این یادداشت تأکید شده «بنابراین غرب نباید در اعمال تحریم‌های مضاعف علیه رژیم ملاها تردید کند و در حالی که اقدامات فعلی برنامه‌ریزی شده توسط اتحادیه اروپا تا حدودی با شک و تردید همراه است این اتحادیه باید متحدتر عمل کند و اقدامات سختگیرانه‌تری علیه رژیم انجام دهد.

رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ در پایان می‌نویسد «جمهوری اسلامی همچنان به ارسال پهپاد به روسیه ادامه می‌دهد و از تجاوزگری و نسل‌کشی روسیه در اوکراین پشتیبانی می‌کند. به این ترتیب، باید برای تهران آشکار شود که نه تنها با یک چالش بزرگ داخلی مواجه است، بلکه با انزوا و مشکلات بین‌المللی بیشتری نیز مواجه خواهد شد. واضح است که پیشنهاد برجام باید روی میز بماند، اما اگر غرب می‌خواهد ارزش‌های خود را کنار نگذارد، باید نشان دهد که مردم ایران را در راه مبارزه شجاعانه برای آزادی تنها نخواهند گذاشت.»

با آغاز خیزش انقلابی در ایران مقامات دولتی آلمان ادامه مذاکرات اتمی با رژیم ایران را کنار گذاشتند و به حمایت از مردم پرداختند. آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان خطاب به مردم ایران گفت «ما طرف شما ایستاده‌ایم.»

بر اساس آخرین گزارش‌ها دولت آلمان به دنبال قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است.

اخیراً سرویس امنیت داخلی آلمان به مخالفان رژیم جمهوری اسلامی مقیم این کشور در مورد توطئه‌های جمهوری اسلامی از جمله جاسوسی از مخالفان در خاک آلمان هشدار داد.

حمید نوری در نخستین جلسه دادگاه تجدید نظر نیز شلوغ کرد و از جلسه اخراج شد!



© طرح‌های احمد بارکی‌زاده از دادگاه حمید نوری در استکهلم / فوریه ۲۰۲۲

دادگاه تجدید نظر حمید نوری، دستیار ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت کرج، چهاشنبه ۲۱ دی (۱۱ ژانویه ۲۰۲۳) در استکهلم آغاز به کار کرد. حمید نوری در دادگاه بدوی به حبس ابد محکوم شده است.

تلاش حمید نوری برای بهم زدن اولین جلسه دادگاه، توماس گرین رئیس دادگاه را مجبور کرد او را از سالن اخراج کند. حمید نوری در اتاق دیگری توانست ادامه دادگاه را از طریق صوتی دنبال کند.

یکی از وکلای جدید حمید نوری، توماس بودستروم به مدت ۶ سال وزیر دادگستری سوئد بوده است. به گفته یکی از وکلای شاکیان، استراتژی تیم حقوقی جدید نوری اما کماکان انکار واقعیت و زیر سوال بردن صلاحیت دادگاه‌های سوئد برای محاکمه حمید نوری خواهد بود.

احمد رأفت - دادگاه تجدید نظر حمید نوری که در تابستان خونین ۶۷ در زندان گوهردشت در اعدام گروهی زندانیان سیاسی نقشی فعال داشته است و ۲۳ تیر در دادگاهی در استکهلم به اتهام جنایت جنگی و قتل عمد به حبس ابد محکوم شد، ۲۱دی در پایتخت سوئد آغاز به کار کرد. این دادگاه قرار است تا ماه تیر آینده ادامه پیدا کند و رای نهایی را احتمالا در شهریور سال آینده خورشیدی اعلام نماید. دادگاهی که چهارشنبه آغاز به کار کرد قرار است ۱۳ جلسه برگزار کند که برخی از آنها غیرعلنی و پشت درهای بسته خواهد بود.

حمید نوری در اولین جلسه با شلوغ‌بازی و اعتراض‌های بی‌مورد، رابرت گرین رئیس دادگاه را مجبور کرد او را از سالن اصلی اخراج کند. حمید نوری در اتاق دیگری اولین جلسه را دنبال کرد. نوری در این دادگاه با وکلای جدیدی حضور پیدا کرده است: هانا لارسون و توماس بودستروم. در حالی که هانا لارسون وکیل جدید و کم‌تجربه‌ای است، اما توماس بودستروم به مدت ۶ سال وزیر دادگستری سوئد بوده و در روزهای گذشته از قطر بازگشته است. بودستروم به عنوان یکی از اعضای هیات اعزامی فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) برای حضور در جام جهانی فوتبال به قطر سفر کرده بود.

حمید نوری لحظاتی پس از آغاز اولین جلسه دادگاه تجدید نظر زبان به اعتراض گشود و با وجود اخطارهای متعدد رئیس دادگاه سگوت اختیار نکرد. دستیار ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت هنگامی که به خارج سالن دادگاه هدایت می‌شد خطاب به وکلای مدافع جدیدش گفت «اگر وکیل من هستید نباید در این دادگاه فرمایشی شرکت کنید!» حمید نوری در اعتراض خود حضور در این دادگاه را مشروط به قبول برخی از تقاضاهایش از جمله امکان تماس بیشتر با خانواده و مراجعه به چشم‌پزشک کرد. او در این رابطه در دادگاه فریاد زد «منو بفرستین چشم‌پزشکی چشمام داره کور میشه!» وی از سازمان‌های حقوق بشری نیز گله کرد که در تمام این مدت با او تماس نگرفته‌اند.

بنگت هسلبری که وکالت برخی از شاکیان پرونده حمید نوری را بر عهده دارد معتقد است که وکلای جدید حمید نوری همان استراتژی وکلای سابق او را دنبال خواهند کرد که بر دو اصل استوار است: عدم صلاحیت دادگاه‌های سوئد برای محاکمه حمید نوری و ادعای اینکه در زمان اعدام‌های گروهی تابستان ۶۷ او به خاطر زایمان همسرش در مرخصی بوده است.

قابل توجه اینکه همسر حمید نوری حاضر نشد در دادگاه بدوی در رابطه با این ادعا شهادت دهد. بنگت هسلبری اطمینان دارد که استراتژی انکار بیهوده است زیر شواهدی که در جریان دادگاه بدوی ارائه شدهاند، از جمله صحبت‌های ۵۰ شاهد که گفته‌اند حمید نوری را در راهروهای زندان گوهردشت دیده‌اند، جایی برای شک و تردید باقی نمی‌گذارد.

یکی دیگر از وکلای شاکیان این پرونده که در دادگاه جنایات جنگی در کشور آفریقائی رواندا نیز حضور داشته، در همین ارتباط می‌افزاید در آن دادگاه‌ها شمار شاهدان و مدارک ارائه شده کمتر بود ولی با وجود این رای دادگاه به نفع شاکیان صادر شد! حمید نوری در دادگاه تجدید نظر نیز هیچ شانسی برای موفقیت در دادگاه ندارد. خانواده‌های دادخواه نیز امیدوارند که دادگاه تجدید نظر حکم حبس ابد دادگاه بدوی را تائید کند.

در سوئد حبس ابد برابر با ۲۵ سال زندان است و محکوم پس از گذراندن دو سوم دوران محکومیت می‌تواند تقاضای آزادی و بخشش کند. البته در حکم دادگاه بدوی حمید نوری همچنین محکوم به پرداخت غرامت به خانواده‌های جانباختگان و زندانیان سیاسی آن دوران شده و بلافاصله پس از پایان دوران محکومیت، از سوئد اخراج و دیگر نخواهد توانست به این کشور بازگردد. نکته مهم اینکه حمید نوری به حکم اخراج و استرداد به جمهوری اسلامی در پایان دوران محکومیت نیز اعتراض دارد و وکلای وی این را در دادخواست وی برای تجدید نظر قید کرده‌اند.

«وحشت از تنهایی و خیانت اطرافیان»
هراس سهمگینی که به جان علی خامنه‌ای افتاده!

● علی خامنه‌ای با تداوم اعتراضات متوجه شده که مردم حالا در دورانی که خود وی سی سال است زمامدار جمهوری اسلامی است، «خطر را پذیرفته‌اند» و با وجود سرکوب به خیابان می‌آیند و این را با بلند فکر کردن در سخنرانی‌های خود بر زبان می‌آورد!

● برای خامنه‌ای که مرتب وضعیت خودش و نظام جمهوری اسلامی را با دوران پهلوی مقایسه می‌کند بسیار سخت و غیرقابل تحمل است که درست یک شب پیش از «تظاهرات طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۵۶ علیه حکومت پهلوی» که در تقویم جمهوری اسلامی از آن به عنوان «قیام ۱۹ دی قم» یاد می‌شود در خیابان‌های ایران علیه خودش شعار بشنود. همان شب مردم پشت دیوارهای زندان «رجایی‌شهر» نیز برای نجات جان فرزندان ایران شعار می‌دادند «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه.»

● رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی «۱۹ دی» نگرانی‌های دیگر خود را از شرایطی که در آن قرار گرفته نیز به زبان آورد. او روزهایی را که مردم پیش از انقلاب علیه حکومت شاه به خیابان آمدند به خاطر آورد و آن را «ایام‌الله» خواند و به دو موضوع اشاره کرد: ۱) سرعت عمل مردم و احساس تکلیف آنها در آن دوران علیه «رژیم طاغوت» ۲) تظاهرات مردم علیه حکومت شاه با وجود آگاهی از خطرات آن. او می‌گوید: مردم آن دوران «خطرات بزرگ این کار [یعنی تظاهرات] را به جان خریدند، خطر را پذیرفتند، وارد میدان شدند. بالاخره بدون خطرپذیری نمی‌شود وارد کارهای بزرگ شد.»

● به نظر می‌رسد رهبر جمهوری اسلامی اکنون اوضاع خودش را با دوران محمدرضاشاه پهلوی مقایسه می‌کند. او احتمالاً برای تصمیماتش چرتکه نیز می‌اندازد که آیا بکُشد تا خودش و نظام بمانند یا نه! اگر نکشد چه می‌شود؟ ولی آیا با کشتار وضعیت آرام می‌شود یا اینکه سرنوشت خودش و خانواده‌اش و مقامات نظام فجیع‌تر از آنچه می‌شود که تا کنون ممکن است باشد؟!

● تأثیر و رد پای این ترس و تردیدها در سخنرانی‌های او به ویژه در ارتباط با روایاتی که از دوران قبل از انقلاب اسلامی می‌گوید یا قصه‌هایی که از صدر اسلام انتخاب می‌کند، کاملا آشکار است. به همین دلیل بخشی از سخنرانی‌های اخیر وی را می‌بایست به حساب این گذاشت که وی با صدای بلند افکار و ضمیر نهفته‌ی خود را بیان می‌کند و درواقع بدون آنکه بخواهد، لو می‌دهد! او پیش از اینهم یکبار گفته بود محمدرضاشاه پهلوی از نیروی هوایی ضربه خود و بلافاصله تأکید کرد «این باید درس عبرت باشد!» اما درس عبرت برای کی؟! برای چه کسی جز خودش؟! خامنه‌ای همچنین دائم نگران خیانت فرماندهانی است که به او نزدیک هستند. وی همچنین از این هراس دارد که اطرافیانش او را تنها گذشته و پشتش را خالی و یا حتا سرش را زیر آب کنند!

● اما اینکه خامنه‌ای که دستش تا مرفق به خون و خیانت آلوده است بتواند شخص خودش را با شاه فقید مقایسه کند بسیار گزاف و یاوه است. محمدرضا شاه پهلوی ایران و مردم را دوست داشت و برخلاف برخی توصیه‌ها حاضر نشد به قیمت کشتن مردم بر قدرت بماند. رفت تا خود جامعه سرانجام به این نتیجه برسد که چگونه با انقلاب و اعتماد به خمینی و ارتجاع سرخ و سیاه راه به سوی «وحشت بزرگ» سپرده است.



علی خامنه‌ای در مراسم رژه در جمع فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای تشدید برخورد با خیزش انقلابی دستور می‌دهد با این خیال که با زور بتواند نارضایتی‌ها را مهار و صدای مردم آزادیخواه را خاموش کند.

وی روز ۱۹ دی‌ماه در سخنانی تظاهرات را «خیانت» دانست و گفت «اغتشاشگران در خیابان مخالف با ضعف‌های مدیریتی، ضعف‌های اقتصادی و ضعف‌هایی مانند اینها نیستند و می‌خواهند امنیت کشور و تولید علم و تولید اقتصادی و گردشگری را از بین ببرند.» اظهاراتی که بیشتر چراغ سبز به نیروهای امنیتی برای سرکوب بیشتر است اما برای توجیه آن به چارچوبی ساختگی نیازاست که به قول خامنه‌ای باید «تبیین» و یا به عبارت درست، با مغزشویی توجیه شود.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۰ بهمن در یک بیانیه مدعی شد «۲۳ نفر از عناصر عملیاتی و پشتیبانی تیم‌های جاسوسی تروریستی وابسته به موساد شناسایی و ۱۳ نفر که در داخل ایران فعال بودند بازداشت شدند.»

در این بیانیه آمده سرپل این شبکه با نام مستعار «سیروس» در یکی از کشورهای اروپایی اقامت دارد و از طریق شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و واتس‌آپ اقدام به شناسایی و برقراری ارتباط اولیه با عناصر عملیاتی داخل کشور می‌نمود! یعنی دو رسانه اجتماعی که همزمان با آغاز خیزش انقلابی مردم ایران توسط جمهوری اسلامی مسدود شد!

همچنین وزارت اطلاعات ادعا کرده «موساد با هدف بهره‌گیری از فضای اغتشاشات در صدد ترور یک مقام نظامی و انجام چندین عملیات خرابکاری در شهرهای بزرگ و انتقال مواد منفجره در مقیاس بالا از مرزهای دریایی جنوب کشور داشته که بحمدالله کلیه عناصر عملیاتی و پشتیبانی، پیش از هر اقدامی شناسایی و مورد ضربه قرار گرفتند.» به این ترتیب و بر اساس این ادعا، جامعه باید خاموش شود و سکوت مرگباری که رژیم خواهان آنست برقرار شود! اما چنین اتفاقی نمی‌افتد!

البته بیانیه وزارت اطلاعات با آنچه خامنه‌ای تبلیغ می‌کند اندکی تفاوت دارد زیرا تأکید شده «اغتشاشات زمینه‌ساز خرابکاری است» اما رهبر جمهوری اسلامی مستقیم «اغتشاشگران» را خائنانی می‌داند که امنیت را هدف گرفته‌اند.

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی همزمان با سخنرانی خامنه‌ای در حاشیه نمایشگاهی با عنوان «کوی جهاد و مقاومت» با اشاره به اعتراضات مدعی شد، «دنیای استکبار تلاش دارد با بسیج ابزار جاسوسی، اطلاعاتی و بهره‌گیری از امپراتوری رسانه‌ای سیاه‌نمایی و ایجاد آشوب کند و با وارد کردن سلاح در کشور، تروریست را قوت بخشیده و آشوب‌ها را به سمت خشونت بیشتر و کشتن افراد بیگناه پیش ببرند.»

استدلال رئیس ستاد کل نیروهای مسلح این است که چون مردم ایران از اغتشاشات استقبال نکردند پس دشمنان به دنبال راهکار دیگری افتاده‌اند و بر این اساس مدعی شده مرحله بعدی اقدامات مسلحانه است!

او در این ارتباط گفته «جمعیت اندکی که به هر دلیلی فریب خوردند و به خیابان‌ها آمدند، کمتر از ۳ دهم درصد کشور بودند و این یعنی اینکه مردم تفاوت آشکار بین داشتن اعتراض با اغتشاش و آشوب را تشخیص دادند و در میدان دشمن بازی نکردند.»

وی می‌گوید، «دشمن امیدوار بود تا مردم به واسطه فشارهای تحریمی، معضلات اقتصادی و مسائل معیشتی به خیابان‌ها بیایند و علیه هویت، رهبر، پرچم، دین و مذهب‌شان [یعنی همه آن مواردی که مردم در اعتراضاتشان علیه آنها شعار دادند!] فریاد بکشند؛ اما ملت بزرگ، بصیر و آگاه این درک را داشت که حل مسائل درون کشور یک مسئله درون خانوادگی است و اجازه دخالت بیگانگان را در این حوزه نداد.» به گفته باقری «استکبار تمام امکانات و توانمندی‌های خود را علیه ملت ایران بسیج کردند تا در حرکت انقلاب اسلامی ایجاد اختلال کنند.»

شبیه این حرف‌ها را حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز تکرار کرده و ادعا می‌کند: «دشمنان می‌خواهند ایران را به ویرانه‌ای تبدیل کنند و از پیشرفت کشور جلوگیری کنند یعنی مشابه همان کاری که با عراق، سوریه، یمن و افغانستان کردند.»

او نیز می‌گوید: «اینکه بعضی شیپور بیگانه می‌زنند و جوانان را به میدان آشوب دعوت می‌کنند به این دلیل است که می‌خواهند ایران را به ویرانه‌ای تبدیل کنند و از پیشرفت کشور جلوگیری کنند یعنی مشابه همان کاری که با عراق، سوریه، یمن و افغانستان کردند.»

فرمانده کل سپاه پاسداران با اشاره به کشته شدن نیروهای سپاه در جریان اعتراضات گفت: «شهدا با ایستادگی و مقاومت و اقتدار مانع تحقق اهداف دشمن شدند، البته جنگ جریان دارد و دشمن آرام نیست، اما ما او را آرام می‌کنیم و شکستش می‌دهیم، آنها فکر می‌کردند که می‌تواند این نظام قدرتمند را بشکنند، اما در اوج این خیال و توهم شکست خوردند.»

اما چرا رهبر جمهوری اسلامی متوهمانه ادعا می‌کند آنهایی که سطل آشغال آتش می‌زنند مسئله اقتصادی ندارند و امنیت را نشانه گرفته‌اند؟!

خامنه‌ای ۱۱ مهرماه، سه هفته بعد از آغاز خیزش مردم ایران گفته بود «کسانی که در خیابان‌ها فساد و تخریب می‌کنند، همه یک حکم ندارند؛ برخی جوانان و نوجوانانی هستند که بر اثر هیجان ناشی از ملاحظه یک برنامه اینترنتی به خیابان می‌آیند. چنین افرادی را می‌توان با یک تنبیه متوجه کرد که اشتباه می‌کنند.»

با تداوم تظاهرات اما او در روز ۲۸ آبان گفت «بساط شرارت جمع خواهد شد و دشمنان حقیرتر از آنند که بتوانند به نظام آسیب بزنند!»

اینهمه در حالیست که با وجود سرکوب‌ها و همچنین اجرای حکم اعدام و گزارش‌هایی که در مورد قتل بازداشتی‌ها و مرگ‌های مشکوک زندانیان چند روز پس از آزادی آنها منتشر می‌شود، اعتراضات همچنان ادامه یافته است. اکنون با گذشت نزدیک به ۴ ماه از خیزش انقلابی مردم، علی خامنه‌ای در سخنرانی ۱۹ دی‌ماه و یک روز بعد از اعتراضات روز یکشنبه ۱۸ دی‌ماه به مناسبت سومین سالگرد فاجعه‌ی شلیک موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پرواز۷۵۲ و جانباختگان نجات و آزادی ایران، به برخورد شدیدتر توصیه کرد. این روند در سخنان خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا بیانگر این است که وی از تداوم اعتراضات مستأصل شده چرا که پیش از این دستور برخورد جدّی با معترضان و «جمع کردن بساط شرارت» را صادر کرده بود و وقتی به نتیجه مطلوب نرسیده، دستور برخورد جدی و شدیدتر می‌دهد. غافل از اینکه چنین برخوردهایی خشم و انزجار مردم را بیشتر و عزم آنها را علیه جمهوری اسلامی راسخ‌تر می‌کند.

از سوی دیگر، برای خامنه‌ای که مرتب وضعیت خودش و نظام جمهوری اسلامی را با دوران پهلوی مقایسه می‌کند بسیار سخت و غیرقابل تحمل است که درست یک شب پیش از «تظاهرات طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۵۶ علیه حکومت پهلوی» که در تقویم جمهوری اسلامی از آن به عنوان «قیام ۱۹ دی قم» یاد می‌شود در خیابان‌های ایران علیه خودش شعار بشنود. همان شب مردم پشت دیوارهای زندان «رجایی‌شهر» نیز برای نجات جان فرزندان ایران شعار می‌دادند «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه.»

خامنه‌ای در سخنرانی «۱۹ دی» نگرانی‌های دیگر خود را از شرایطی که در آن قرار گرفته نیز به زبان آورد. او روزهایی را که مردم پیش از انقلاب علیه حکومت شاه به خیابان آمدند به خاطر آورد و آن را «ایام‌الله» خواند و به دو موضوع اشاره کرد: ۱) سرعت عمل مردم و احساس تکلیف آنها در آن دوران علیه «رژیم طاغوت» ۲) تظاهرات مردم علیه حکومت شاه با وجود آگاهی از خطرات آن.

او می‌گوید: مردم آن دوران «خطرات بزرگ این کار [یعنی تظاهرات] را به جان خریدند، خطر را پذیرفتند، وارد میدان شدند. بالاخره بدون خطرپذیری نمی‌شود وارد کارهای بزرگ شد.»

بلند فکر کردن خامنه‌ای با بیان این سخنان یعنی اینکه وی با تداوم اعتراضات متوجه شده که مردم حالا در دورانی که خود وی سی سال است زمامدار جمهوری اسلامی است، «خطر را پذیرفته‌اند» و با وجود سرکوب به خیابان می‌آیند.

وی در همین سخنرانی اعتراف می‌کند که برای مقابله با این وضعیت به «جهاد تبیین» نیاز است و «باتوم» اثر نمی‌کند! معلوم نیست چرا خامنه‌ای فکر می‌کند مردم می‌بایست واقعیات زندگی و وضعیت کشور را نادیده گرفته و توسط «جهاد تبیین» به مغزشویی تن داده و قانع شوند که جمهوری اسلامی «خوب» است و باید بماند و لازم نیست علیه آن به خیابان آمد و اعتراض کرد! خامنه‌ای همچنین از هواداران نظام خواست در سالگرد روزهای انقلاب اسلامی «مشعل‌های ایام‌الله» را روشن نگه دارند. وی حتا به طرفدارانش با مثالی از واقعه کربلا نهیب زد که تا دیر نشده وارد میدان شود.

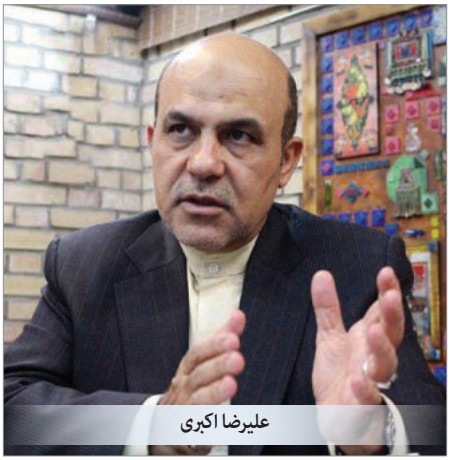
به نظر می‌رسد رهبر جمهوری اسلامی اکنون اوضاع خودش را با دوران محمدرضاشاه پهلوی مقایسه می‌کند. او احتمالاً برای تصمیماتش چرتکه نیز می‌اندازد که آیا بکُشد تا خودش و نظام بمانند یا نه! اگر نکشد چه می‌شود؟ ولی آیا با کشتار وضعیت آرام می‌شود یا اینکه سرنوشت خودش و خانواده‌اش و مقامات نظام فجیع‌تر از آنچه می‌شود که تا کنون ممکن است باشد؟!

تأثیر و رد پای این ترس و تردیدها در سخنرانی‌های او به ویژه در ارتباط با روایاتی که از دوران قبل از انقلاب اسلامی می‌گوید یا قصه‌هایی که از صدر اسلام انتخاب می‌کند، کاملا آشکار است. به همین دلیل بخشی از سخنرانی‌های اخیر وی را می‌بایست به حساب این گذاشت که وی با صدای بلند افکار و ضمیر نهفته‌ی خود را بیان می‌کند و درواقع بدون آنکه بخواهد، لو می‌دهد! او پیش از اینهم یکبار گفته بود محمدرضاشاه پهلوی از نیروی هوایی ضربه خود و بلافاصله تأکید کرد «این باید درس عبرت باشد!» اما درس عبرت برای کی؟! برای چه کسی جز خودش؟! خامنه‌ای همچنین دائم نگران خیانت فرماندهانی است که به او نزدیک هستند. وی همچنین از این هراس دارد که اطرافیانش او را تنها گذشته و پشتش را خالی و یا حتا سرش را زیر آب کنند!

اما اینکه خامنه‌ای که دستش تا مرفق به خون و خیانت آلوده است بتواند شخص خودش را با شاه فقید مقایسه کند بسیار گزاف و یاوه است. محمدرضا شاه پهلوی ایران و مردم را دوست داشت و برخلاف برخی توصیه‌ها حاضر نشد به قیمت کشتن مردم بر قدرت بماند. رفت تا خود جامعه سرانجام به این نتیجه برسد که چگونه با انقلاب و اعتماد به خمینی و ارتجاع سرخ و سیاه راه به سوی «وحشت بزرگ» سپرده است.

ولی علی خامنه‌ای عین روح‌الله خمینی و «هیچ» پرمعنایش، ایران و مردم را دوست ندارد. جمهوری اسلامی و رهبران و زمامدارانش خود را با میهن و ایران تعریف نمی‌کنند بلکه در آرزوی واهی خلافت اسلامی در سراسر جهانند و ایران را فقط «پایگاه» و محلی برای صدور انقلاب و انجام این رسالت آخرزمانی و عاشورایی خود در نظر می‌گیرند. برای آنها اگر میلیون‌ها تن از مردم نیز کشته شوند، فدای اسلام شده‌اند و اهمیتی ندارد!

صدور حکم اعدام برای سرهنگ علیرضا اکبری؛ پایان مأموریت یک افسر امنیتی معتقد به نظام و انقلاب!



علیرضا اکبری

- علیرضا اکبری مقام پیشین وزارت دفاع در دوران علی شمخانی به جرم «افساد فی‌الارض» و اقدام گسترده علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی از طریق انتقال اطلاعات به انگلیس، به اعدام محکوم شده است.

- جیمز کلورلی وزیر خارجه انگلیس خواستار توقف حکم اعدام و آزادی فوری علیرضا اکبری شهروند دوتابعیتی و مقام پیشین جمهوری اسلامی شد و گفت: «این یک اقدام با انگیزه سیاسی توسط یک رژیم وحشی است که به زندگی انسانی بی‌اعتنایی کامل دارد».

علیرضا اکبری از مقامات ارشد وزارت دفاع جمهوری اسلامی در دولت محمد خاتمی به اتهام جاسوسی برای دولت انگلیس به اعدام محکوم شده است.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ۲۱ دی‌ماه در اطلاعیه‌ای او را از مهم‌ترین عوامل نفوذی سازمان جاسوسی انگلیس (SIS) خواند که اطلاعات مهم را جمع آوری کرده و به صورت کاملاً آگاهانه و هدفمند و به دفعات در اختیار نهادهای امنیتی بریتانیا قرار می‌داده است.

بر اساس اطلاعاتی که وبسایت «رویداد ۲۴» منتشر کرده، علیرضا اکبری معاون بین‌الملل وزارت دفاع در دوره تصدی علی شمخانی در دولت محمد خاتمی بود. علیرضا اکبری در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ در ابتدای دولت احمدی‌نژاد که علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی بوده، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای رژیم بود. در آن سال‌ها مذاکرات میان جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا انجام می‌شد و هنوز پای مذاکره با آمریکا به میان نیامده بود. با توجه به نقش انگلستان و جایگاه آن در مذاکرات، سفرهای تیم مذاکره‌کننده و ارتباطات آنها بیش از همه به این کشور بود.

اکبری بارها به عنوان تحلیلگر سیاسی و حتا دفاعی با رسانه‌های حکومتی مصاحبه داشت و تمرکز او روی «نقش مخرب اسرائیل و آمریکا و مذاکرات هسته‌ای»،

«جنگ ترکیبی عربستان و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی» و «مسائل موشکی» بود.

برخی رسانه‌ها مدعی شدند صدور حکم اعدام برای علیرضا اکبری مربوط به اختلافات در درون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی برای کنار زدن علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت نظام است. شبکه «ایران اینترنشنال» مدعی شده در اینباره فایل‌ها و مدارکی به دست آورده است.

بی‌بی‌سی فارسی نیز فایلی از وی منتشر کرده که اکبری توضیحاتی درباره اتهاماتش می‌دهد و جاسوسی را رد می‌کند.

روزنامه دیلی‌تلگراف به نقل از یک سخنگوی وزارت خارجه انگلیس در واکنش به تأیید حکم اعدام اکبری نوشت: «ما از خانواده آقای اکبری حمایت می‌کنیم و بارها پرونده او را با مسئولان ایرانی مطرح کرده‌ایم. اولویت ما آزادی سریع او است و بر درخواست خودمان برای دسترسی فوری کنسولی تأکید کرده‌ایم.»

دقایقی بعد از این بیانیه جیمز کلورلی وزیر خارجه انگلیس خواستار توقف حکم اعدام و آزادی فوری علیرضا اکبری شهروند دوتابعیتی و مقام پیشین جمهوری اسلامی شد و گفت: «این یک اقدام با انگیزه سیاسی توسط یک رژیم وحشی است که به زندگی انسانی بی‌اعتنایی کامل دارد.»

هرچند به نظر می‌رسد صدور حکم اعدام اکبری جدال بین باندهای امنیتی درون نظام باشد با اینهمه او در سال ۱۳۹۸ بازداشت شده و ابهامات در مورد پرونده وی زیاد است. آنهم در حالی که علی شمخانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی همچنان موقعیت خود را حفظ کرده است. اگر ادعای حکومت مبنی بر جاسوسی اکبری صحیح باشد باید شمخانی هم مورد مؤاخذه قرار بگیرد اما همچنان در جایگاه خود باقی مانده است.شهرام سبزواری کارشناس نظامی معتقد است «نسبت دادن موضوع اکبری به شمخانی ساده‌انگارانه است. تاریخ انقضاء اکبری برای نظام جمهوری اسلامی تمام شده است. یکی از دلایل آن می‌تواند به اطلاعاتی در مورد رفت و آمدهای مقامات نظام و خانواده آنها به انگلیس مربوط باشد. مثلاً شاید اکبری می‌دانست ثروت مجتبی خامنه‌ای یا سایرین در انگلیس چقدر است.»

وی به کیهان لندن می‌گوید: «هرکسی فرصت پیدا نمی‌کند در نهادهای امنیتی یا نظامی جمهوری اسلامی به موقعیت‌هایی دست پیدا کند که علیرضا اکبری به آن رسید. افرادی مثل او در لایه‌های امنیتی وقتی رشد می‌کنند که نظام به آنها اطمینان کامل داشته باشد. اکبری مسئولیت‌هایی داشته که افراد برای قرار گرفتن در آنجا از فیلترهای سخت عبور کرده‌اند. بدیهی است به واسطه همین موقعیت‌ها به اطلاعات و مدارکی دست پیدا می‌کنند. اما از یکجا به بعد برای سیستم خطرناک می‌شوند. به ویژه اگر به دولت‌های خارجی وصل شوند. پایان مأموریت این قبیل افراد بازنشستگی نیست. سیستم آنها را به روشی که دلش بخواهد حذف می‌کند. نوع حذف چنین افرادی برای اینکه اعدام باشد یا ترور و سربه‌نیست کردن، بستگی به پیامی دارد که حکومت بخواهد به گروهی خاص یا دولتی خاص ارسال کند که با توجه به شرایط فعلی می‌تواند هم رو به مردم باشد و هم بعضی مسئولان نظام.»

یک تحلیلگر سیاسی که نخواست نامش فاش شود به کیهان لندن می‌گوید: «کم نیستند کسانی که در داخل نظام در یک دوره‌ای خاص همزمان با حکومت و دشمنان آن همکاری دارند. اتفاقاً هر دو طرف خبر دارند اما از یکجایی به بعد ترمز او را یکی از طرفین می‌کشد. شاید هم طرف دیگر از این قضیه استقبال کند حتا اگر طور دیگری وانمود نماید.»

روزنامه «اعتماد» با انتشار ویدئویی از یک مصاحبه اکبری نوشته «جاسوس انگلیسی اینگونه برای شهدا گریه می‌کند» و برای «شهیدان یادداشت می‌نوشت.»

بیانیه اعلام موجودیت «حزب ایران نوین» توسط فرشگرد



حزب ایران نوین نام خود را از حزبی با همین عنوان می‌گیرد که در سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) در ایران بنیان گذاشته شد. حزبی با اعضای جوان که با رویکرد نوین خود بیش از یک دهه در جهت برآورده‌سازی اصول مترقی انقلاب سفید کوشید و توانست نقشی موثر و بنیادین در این راستا ایفا کند. حزب ایران نوین با برخورداری از نگاه مترقی و مدرن به سیاست و جامعه، و با کمک تکنوکرات‌های میهن‌پرست و تکیه بر روش‌های علمی مدیریت، توانست تجربه‌ای درخشان در تاریخ کشورداری ایران رقم بزند و سهمی غیرقابل انکار در دستاوردهای آن گذشته پرافتخار داشته باشد.

حزب ایران نوین از همه کنشگران سیاسی علاقمند به همیاری در پشتیبانی گفتمانی- سیاسی- تشکیلاتی از رستاخیز ایرانیان دعوت کرده است که به وبسایت این حزب به آدرس irannovin.party رجوع و پیش‌نویس مرامنامه و بنیادنامه حزب ایران نوین را مطالعه کنند، و در صورت پذیرش این اصول، درخواست همونده خود را از طریق صفحه‌ای که به این منظور در وبسایت اختصاص داده شده است به کمیته اجرایی موقت حزب ارسال کنند. اولین کنگره حزب و تصویب مرامنامه و بنیادنامه و تعیین اعضای کمیته مرکزی و کمیته اجرایی حزب در هفته‌های آینده برگزار خواهد شد.

با عطف توجه به دوره تاریخی سرنوشت‌سازی که در آن هستیم، ضرورت استراتژی‌های ایجابی در عرصه سیاست‌ورزی، شکل‌دهی به تشکیلات سیاسی در قامت حزب و کار شفاف سیاسی و مشارکت در سیاست پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به منظور تحقق آرمان‌های مربوط به برپایی حکومت قانون، صیانت از آزادی‌های فردی، تضمین دموکراسی، سکولاریسم، و توسعه پایدار، شبکه فرشگرد را به این نتیجه رساند که تاسیس یک حزب سیاسی منسجم از ضروریات سیاست‌ورزی امروز و فردای ایران است. از این رو در گرماگرم انقلاب ملی ایران در نخستین روزهای زمستان ۲۵۸۱ شاهنشاهی (۱۴۰۱ خورشیدی)، برخی از اعضای شبکه فرشگرد در همراهی با دیگر کنشگران، برای انجام وظیفه ملی و میهنی و با رویکردی آینده نگرانه، حزب ایران نوین را پایه‌گذاری می‌کنند.

حزب ایران نوین خود را در تداوم خواسته‌های تاریخی و مترقی ملت ایران می‌داند که دهه‌هایی پیش از جنبش مشروطه و از اندیشه‌های خردمندانه برخی بزرگان سرچشمه گرفت و در انقلاب مشروطه در قالب جنبشی مهم در سپهر سیاسی و اجتماعی ایران پدیدار گشت. خواسته‌هایی که در دوره پادشاهی دو شاه فخیم پهلوی، تا حد زیادی برآورده شد.

حزب ایران نوین نام خود را از حزبی با همین عنوان می‌گیرد که در سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) در ایران بنیان گذاشته شد. حزبی با اعضای جوان که با رویکرد نوین خود بیش از یک دهه در جهت برآورده‌سازی اصول مترقی انقلاب سفید کوشید و توانست نقشی موثر و بنیادین در این راستا ایفا کند. حزب ایران نوین با برخورداری از نگاه مترقی و مدرن به سیاست و جامعه، و با کمک تکنوکرات‌های میهن‌پرست و تکیه بر روش‌های علمی مدیریت، توانست تجربه‌ای درخشان در تاریخ کشورداری ایران رقم بزند و سهمی غیرقابل انکار در دستاوردهای آن گذشته پرافتخار داشته باشد.

حزب ایران نوین از همه کنشگران سیاسی علاقمند به همیاری در پشتیبانی گفتمانی- سیاسی- تشکیلاتی از رستاخیز ایرانیان دعوت کرده است که به وبسایت این حزب به آدرس irannovin.party رجوع و پیش‌نویس مرامنامه و بنیادنامه حزب ایران نوین را مطالعه کنند، و در صورت پذیرش این اصول، درخواست همونده خود را از طریق صفحه‌ای که به این منظور در وبسایت اختصاص داده شده است به کمیته اجرایی موقت حزب ارسال کنند. اولین کنگره حزب و تصویب مرامنامه و بنیادنامه و تعیین اعضای کمیته مرکزی و کمیته اجرایی حزب در هفته‌های آینده برگزار خواهد شد.

ادامه بازداشت روزنامه‌نگاران، دانشجویان و دانش‌آموزان در چهارمین ماه انقلاب ملّی



در ۱۰۰ روز نخست خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی ۷۳ روزنامه‌نگار و عکاس خبری بازداشت شده‌اند. برخی از روزنامه‌نگاران با سپردن وثیقه و بطور موقت از زندان آزاد شده و بخشی همچنان در زندان هستند.

بسیاری از اساتید دانشگاه که در هفته‌های گذشته از دانشجویان حمایت کرده و حاضر به همکاری با نهادهای امنیتی نبودند نیز با فشارهای مختلفی از جمله «قطع دستمزد»، «تعلیق» و «احضار» روبرو شدند.

«جنبش دانشجویی» در ماه‌های گذشته و از اغاز جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی همواره با مردم همراه بوده و همبستگی زیادی بین دانشجویان و اساتید نیز ایجاد شده است.

در چهارمین ماه از خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی، موج بازداشت‌ها در میان خبرنگاران و دانشجویان، و همچنین فشار بر اساتید دانشگاه که از دانشجویان حمایت نکرده و با نهادهای امنیتی همکاری نمی‌کنند ادامه دارد.

آخرین آمارهای ارائه شده از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران نشان می‌دهد در ۱۰۰ روز نخست خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی ۷۳ روزنامه‌نگار و عکاس خبری بازداشت شده‌اند. برخی از روزنامه‌نگاران با سپردن وثیقه و بطور موقت از زندان آزاد شده و بخشی از آنها همچنان در زندان هستند.

در این آمار ۳۸ روزنامه‌نگار رسانه‌های سراسری و آزاد، ۲۵ روزنامه‌نگار استانی و ۱۰ عکاس خبری وجود دارند. رسانه‌های شرق، ایلنا، فراز، ایسنا، رویداد ۲۴، مهر، هم‌میهن، هفت صبح، ورزش ۳، دنیای اقتصاد، ایرنا و آسیانیوز رسانه‌های سراسری هستند که در سهم بازداشتی‌ها شریکند.

در روزهای گذشته مهدی قدیمی روزنامه‌نگار باسابقه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. یکی از اعضای خانواده این روزنامه‌نگار در گفتگو با «اعتمادآنلاین» گفت که حدود ۱۰ نفر مامور امنیتی با مراجعه به خانه، ضمن تفتیش اتاق و خودرو شخصی مهدی، موبایل و لپ‌تاپ او را ضبط کردند. به گفته این عضو خانواده مهدی قدیمی، دوربین مداربسته ساختمان محل سکونت آنها نیز از سوی ماموران امنیتی ضبط شده است. او همچنین گفته که مدتی پس از بازداشت مهدی، به دلیل اینکه ضابطان از تهران نیابت داشتند، این روزنامه‌نگار را به تهران منتقل کردند.

همچنین به گزارش منابع حقوق بشری نازیلا معروفی خبرنگار و دانشجو، روز چهارشنبه ۱۴ دی‌ماه، هنگام رسیدگی به اتهاماتش در دادگاه «بر اثر فشارهای روانی و شکنجه‌های روحی» بیهوش و به بیمارستان منتقل شد. نازیلا معروفیان خبرنگار و دانشجوی دانشگاه «علامه» اهل شهرستان سقز، روز ۸ آبان‌ماه در تهران بازداشت شد. او حدودا یک هفته پیش از بازداشت با پدر مهسا (ژینا) امینی مصاحبه کرده بود.

گزارش‌ها همچنین از ادامه بازداشت دانشجویان در شهرهای مختلف حکایت دارد. شیلان رشیدزاده دانشجوی رشته حسابداری دانشگاه «پیام نور» سقز روز سه‌شنبه ۱۳ دی‌ماه توسط مزدوران اداره اطلاعات مقابل درب منزل والدین خود ربوده و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. تاکنون اطلاعی از دلیل بازداشت، اتهام‌های انتسابی و محل دقیق نگهداری این دانشجو در دسترس نیست.

بسیاری از اساتید دانشگاه که در هفته‌های گذشته از دانشجویان حمایت کرده و حاضر به همکاری با نهادهای امنیتی نبودند نیز با فشارهای مختلفی از جمله «اخراج»، «قطع دستمزد»، «تعلیق» و «احضار» روبرو شدند.

در تازه‌ترین نمونه‌ی فشار بر اساتید، فرشید نوروزی روشناوند استاد دانشگاه مازندران با انتشار یک استوری اینستاگرام خبر از قطع حقوق خود توسط این دانشگاه داد. به گزارش کانال تلگرامی دانشجویان متحد، فرشید نوروزی روشناوند با وجود فشارهای امنیتی حاضر به ارائه لیست دانشجویان اعتصاب‌کننده نشده و نسبت به اخراج یکی از دانشجویان مخالفت خود را ابراز کرده بود.

فرشید نوروزی روشناوند در استوری اینستاگرام خود نوشت: «با فشار نهادهای امنیتی و شخص عباس‌نژاد سرستی (معاون آموزشی دانشگاه مازندران)، نامه قطع حقوق من را زدند. در حالی که من به طور رسمی و قانونی و با دعوت دانشگاه اوپک پاریس برای سخنرانی در مورد «بازنمایی معلولیت در رمان قرن نوزدهم انگلیس» از کشور خارجی شدم و با هماهنگی‌های انجام شده قرار بود سه جلسه باقی‌مانده را به صورت مجازی برگزار کنم، مثل بسیاری از اساتید که این کار را انجام دادند و می‌دهند. دو هفته از کلاس‌ها برگزار شد. هفته آخر دسترسی من را قطع کردند. اعلام کردند برای دروس من در این ترم استاد جایگزین معرفی شود برای برگزاری جلسات باقی‌مانده. (دقت کنید که ترم تمام شده) و گرفتن امتحانات. به همکاران خودم گفتم اخلاقا و شرعا رضایت ندارم کسی این کار را انجام دهد. چون من تا پایان ترم تدریس کردم.»

«جنبش دانشجویی» در ماه‌های گذشته و از اغاز جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی همواره با مردم همراه بوده است و همبستگی زیادی بین دانشجویان و اساتید نیز ایجاد شده است. به عنوان مثال بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه در بیانیه‌ای مشترک خواستار آزادی لیلا حسین‌زاده و دیگر دانشجویان زندانی شدند. لیلا حسین‌زاده دبیر سابق شورای صنفی مرکزی دانشجویان دانشگاه تهران یک ماه پیش از آغاز اعتراضات و در ۲۹ امرداد امسال بازداشت شد. او در روزهای گذشته با وجود بیماری شدید در زندان اعتصاب دارو کرده و در وضعیتی بحرانی قرار دارد.

امضاکنندگان بیانیه که شامل بیش از ۴۸۰ تن از دانشجویان و ۲۰ تن از استادان دانشگاه هستند، با اشاره به گذشت بیش از دو هفته از اعتصاب داروی لیلا حسین‌زاده نوشتند: «مسئولان قوه قضائیه ابتدا از طریق پنهان‌کاری و عدم پذیرش حکم پزشکی قانونی و پس از آن با انکار علائم بیماری و عدم رسیدگی پزشکی و سرانجام فریب‌کاری پزشکی و تجویز داروی کورتون بدون اطلاع لیلا، قصد جان او را کرده‌اند.»

امضاکنندگان همچنین با اشاره به پایان تحقیقات و بازجویی از لیلا حسین‌زاده و صدور حکم «عدم تحمل کیفر» تأکید کرده‌اند که «مسئولان قضایی شیراز با برخورد سلیقه‌ای مانع از آزادی این دانشجو شده‌اند.»

این بیانیه، «رویه غیرقانونی قوه قضائیه برای انکار بیماری صعب‌العلاج» و اصرار به ادامه بازداشت او را تلاش عامدانه و غیرمسئولانه برای مرگ خاموش این دانشجو توصیف کرده‌اند.

بازداشت دانش‌آموزان نوجوانِ زیر ۱۸ سال نیز ادامه دارد؛ کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان گزارش داد آلان ویسی، دانش‌آموز ۱۶ ساله در جوانرود در جریان بازداشت‌های گسترده در روز چهارشنبه بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» نیز گزارش داده که شاهین خدامرادی، دانش‌آموز ۱۸ ساله اهل جوانرود صبح یکشنبه، ۱۱ دی در منزل خود با حمله خشونت‌آمیز افراد لباس شخصی و شکستن در خانه بازداشت شد. پیگیری خانواده فعلا بی‌نتیجه بوده و اطلاعی از وضعیت او در دسترس نیست.

حذف چهار صفر از اسکناس‌های ایران؛ نه بر تورم مؤثر است نه بر قدرت خرید مردم!



اسکناس‌هایی که هم‌اکنون توزیع شده‌اند با امضای علی صالح‌آبادی و عبدالناصر همتی هستند که نشان می‌دهد بخشی از آنها بیش از یک سال و نیم پیش و در دولت حسن روحانی چاپ شده‌اند.

دولت می‌خواهد با حذف صفر از پول ملی، ارقام را به ظاهر کوچک و ارزش اسمی پول ملی را بالا ببرد. اما در واقعیت این اقدام نه بر کاهش تورم اثر مثبتی دارد و نه سبب افزایش ارزش پول ملی می‌شود.

در شرایطی که اقتصاد ایران با کاهش شدید تولید، سرمایه‌گذاری و درآمد ارزی روبروست و در شرایطی که حکومت هیچ برنامه و چشم‌انداز روشنی برای حل بحران‌های اقتصادی ندارد، حذف صفر از پول ملی را می‌توان صرفا یک اقدام نمایشی ارزیابی کرد.

همچنین طبق آخرین آمارها چاپ هر اسکناس حدود ۳۵۰ تومان برای بانک مرکزی هزینه دارد و مشخص نیست دولتی که با کسری بودجه روبروست چرا دست به چنین اقدامی می‌زند؟!

انتشار تصاویری از اسکانس‌های جدید هزار تومانی و دو هزار تومانی نشان می‌دهد چهار صفر از این اسکناس‌ها کمرنگ شده است.

اسکناس‌های جدید هزار تومانی و دو هزار تومانی توزیع شده در بازار ایران با چهار صفر خیلی کمرنگ هستند. حذف چهار صفر از پول ملی از دولت محمود احمدی نژاد مطرح و در دولت حسن روحانی پیگیری شده بود.

اسکناس‌هایی که هم‌اکنون توزیع شده‌اند با امضای علی صالح‌آبادی و عبدالناصر همتی هستند که نشان می‌دهد بخشی از آنها بیش از یک سال و نیم پیش و در دولت حسن روحانی چاپ شده‌اند.

حذف صفر از پول ملی در دولت محمود احمدی‌نژاد و در پی شدت گرفتن سرعت افزایش تورم در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی برجسته شد. این موضوع هر چند در دولت احمدی‌نژاد عملی نشد اما در دولت حسن روحانی بار دیگر در دستور کار قرار گرفت. اواخر دولت حسن روحانی و در زمان عبدالناصر همتی بر بانک مرکزی مقدمات حذف صفر از پول ملی با کمرنگ شدن صفرهای ایران‌چک‌های ۵۰ و ۱۰۰ هزار تومانی و اسکناس ۵۰۰۰ تومانی اجرا شد.

این طرح به دلیل قصد بانک مرکزی برای حذف ۴ صفر از پول ملی در ایران‌چک‌ها و اسکناس‌ها اجرایی شد اما هنوز مصوبه قانونی درباره حذف صفرها از پول ملی ابلاغ نشده است!

بانک مرکزی پیشتر اعلام کرده بود که همراستایی با لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی و ایجاد آمادگی برای آن از مزایای اسکناس‌های جدید چاپ شده به شمار می‌رود.

بر اساس سند اسکناس که حدودا دو سال پیش به تصویب رسید، تمام اسکناس‌ها و ایران چک‌ها در قالب، اندازه و ساختارهای واحد توزیع خواهد شد و تکثر در اندازه و قالب در اسکناس‌های جدید حذف می‌شود، اما ضرایب امنیتی و عناصر به کار رفته در هر اسکناس متفاوت خواهد بود.

بانک مرکزی تأکید کرده که طراحی و عرضه اسکناس‌های جدید هزینه اضافی بر کشور تحمیل نمی‌کند، زیرا عمر مفید اسکناس در کشور ما ۵ سال است و چاپ و توزیع اسکناس همواره و طبق روال توسط بانک مرکزی انجام شده است.

معمولا در اقتصادهای دارای تورم بالا حذف صفر از پول ملی راهکاری برای آسان کردن مبادلات بانکی و قراردادها با کوچک شدن ارقام است. این اقدام هر چند حسابداری و حسابرسی را راحت می‌کند اما از نظر اقتصادی هیچ اثری در واقعیت‌های اقتصادی ندارد.

اکنون با توجه به ادامه روند افزایشی تورم دولت رئیسی در نظر دارد با حذف صفر از پول ملی، ارقام را به ظاهر کوچک و ارزش اسمی پول ملی را در برابر دیگر ارزها بالا ببرد. اما در واقعیت این اقدام نه بر کاهش تورم اثر مثبتی دارد و نه سبب افزایش ارزش پول ملی می‌شود.

برخی کارشناسان معتقدند در شرایطی که اقتصاد در شوک قرار دارد و رکود تورمی عمیق همراه با ناامنی اقتصادی در اوج قرار دارد، اتفاقا حذف صفر از پول ملی می‌تواند اثرات منفی در پی داشته باشد. برای نمونه تقاضا برای ارزهای خارجی را با افزایش روبرو کند و در نتیجه افزایش تقاضا برای ارزهای خارجی، قیمت این ارزها افزایش پیدا کرده و ارزش پول ملی بیش از پیش کاهش یابد.

اصلاح پول (Redenomination) یا حذف صفر از پول ملی (Remove Zeroes From Currency)، عباراتی است که برای برنامه پروژه حذف صفر از پول ملی استفاده می‌شود. از دهه ۱۹۶۰ میلادی، دولت ها و اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار اقدام به اصلاح پول ملی خود کرده‌اند. به عنوان مثال در ژانویه ۲۰۰۵، کشور ترکیه لیره (Lira) واحد پول خود را با لیره جدید ترکیه (YTL) عوض کرد. ترکیه با نرخ هر یک میلیون لیره قدیم برابر با یک لیره جدید اقدام به اجرای سیاست نام گذاری مجدد واحد پول کرد. در واقع ترکیه هم اسم واحد پول خود را تغییر داد و هم اینکه شش صفر را از جلوی پول ملی خود حذف کرد.

اما این اقدام اگر به تنهایی انجام شود و در یک مسیر درست و علمی با اصلاحات اقتصادی همراه نباشد، صرفا اقدامی نمایشی برای کنترل جو روانی بازار است.

در نمونه‌ای شبیه‌تر به ایرانِ امروز، ونزوئلا در اوت ۲۰۱۸ اقدام به حذف ۵ صفر پول ملی خود کرد و ۵۰۰ بولیوار به عنوان بزرگترین اسکناس کشور تعیین شد ولی این کاهش صفر از پول هیچ تغییر چشمگیری در اقتصاد ایجاد نکرد.

بعد از گذشت یک سال، با این اسکناس که بزرگترین اسکناس رایج در این کشور بود فقط می‌شد یک تخم مرغ خرید این در حالی بود که حداقل دستمزد ۴۰۰۰۰ بولیوار بود که با آن فقط می‌شد دو کیلو گوشت تهیه کرد.

در نتیجه بحران عمیق اقتصادی در کشوری که بزرگترین ذخایر نفتی دنیا را دارد، در سال ۲۰۱۸ طبق آمار IMF، ابر تورم موجود در این کشور به ۱ میلیون درصد رسید. سال ۲۰۱۹ برای ونزوئلا سال بهتری بود – تورم انباشته از ابتدا سال حدود ۳۳۰۰ درصد بوده و تورم سالانه از اکتبر ۲۰۱۸ تا سپتامبر ۲۰۱۹ رقمی معادل ۵۰ هزار و ۱۰۰ درصد برآورد می‌شود.

همچنین آرژانتین به عنوان یکی از کشورهای رکوددار حذف صفر از پول ملی، نمونه دیگری از شکست این سیاست به دلیل انجام نشدن سیاست‌های اصلاح ساختاری اقتصاد بوده است. این کشور در سال ۱۹۷۰، دو صفر، در سال ۱۹۸۳، چهار صفر، در سال ۱۹۸۵، سه صفر و در سال ۱۹۹۲ چهار صفر از پول ملی خود حذف کرد. انبوه صفرهای حذف شده هم آرژانتین را از تورم‌های جدید نجات نداد و این کشور در حال حاضر نیز تورم بالایی دارد.

اکنون در شرایطی که اقتصاد ایران با کاهش شدید تولید، سرمایه‌گذاری و درآمد ارزی روبروست و در شرایطی که حکومت هیچ برنامه و چشم‌انداز روشنی برای حل بحران‌های اقتصادی ندارد، حذف صفر از پول ملی را می‌توان صرفا یک اقدام نمایشی ارزیابی کرد.

همانطور که جمهوری اسلامی با افزایش قیمت ارز اقدام به بازداشت عده‌ای به عنوان «اختلالگر بازار ارز» و «سوداگر بازار ارز» می‌کند و با تزریق جوّ روانی و خبری به دنبال افزایش ارزش پول ملی است، و البته شکست می‌خورد، حذف صفر از پول ملی هم از همین دست اقدامات نمایشی و بی‌اثر است. نکته منفی اینجاست که طبق آخرین آمارها چاپ هر اسکناس حدود ۳۵۰ تومان برای بانک مرکزی هزینه دارد و مشخص نیست دولتی که با کسری بودجه روبروست چرا دست به چنین اقدامی می‌زند؟!

کیهان

تشدید جنگ جمهوری اسلامی با اینترنت؛ واتس‌اپ امکان ارتباط با فیلترشکن را فراهم کرد



● از آغاز انقلاب ملّی و در چهار ماه گذشته فیلترینگ و قطع اینترنت به یکی از ابزارهای مهم سرکوب شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

● آخرین آمارها ارائه شده نشان می‌دهد فروش کسب و کارهای آنلاین بزرگ شناخته‌شده در این مدت نزدیک به ۳۰ درصد و بیشتر کاهش یافت. این میزان در کسب و کارهای کوچک و متوسط به ۷۰ تا ۸۰ درصد می‌رسد.

● به دلیل اختلال و قطع اینترنت در پاییز سال ۱۴۰۱، ۳۳ درصد نیروی کار اخراج شده در این فصل در حوزه فناوری اطلاعات فعالیت می‌کردند.

● رئیس اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی ارتباطی اعلام کرده که ۸۰۰ دستگاه از ترمینال‌های اینترنت ماهواره‌ای استارلینک تا کنون وارد کشور شده است.

● شبکه پیام‌رسان واتس‌آپ که از جمله محبوب‌ترین و پرکاربرترین اپلیکیشن‌های تماس اینترنتی در ایران است اعلام کرده که امکان ارتباط از طریق پروکسی برای این اپلیکیشن فراهم شده است.

جمهوری اسلامی همچنان مشغول نبردی سنگین برای قطع اینترنت با هدف سرکوب شهروندان است. خسارت به بخش تجارت الکترونیک ایران به ارقام سنگینی رسیده و موج اخراج به دلیل زیان کارفرمایان در مشاغل مرتبط با اینترنت آغاز شده است. در همین حال پیام‌رسان پرطرفدار واتس‌اپ اعلام کرده است که امکان ارتباط از طریق پروکسی را فراهم کرده و شهروندان در ایران امکان استفاده راحت‌تر از این اپلیکیشن را خواهند داشت.

از آغاز انقلاب ملّی و در چهار ماه گذشته فیلترینگ و قطع اینترنت به یکی از ابزارهای مهم سرکوب شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. هرچند از سال‌ها پیش به ویژه در دولت حسن روحانی تلاش زیادی برای راه‌اندازی اینترنت داخلی با عنوان «اینترنت ملی» شد اما فراهم نبودن زیرساخت‌های آن سبب زیان گسترده به کسب و کارهای اینترنتی شده است. از سوی دیگر شماری از شرکت‌ها که ارتباطات خارجی دارند نیز در پی قطع و اختلال گسترده اینترنت، فعالیت‌شان به کلی مختل شده است.

رقم خسارت وارد شده به کسب و کارهای مرتبط با اینترنت و فعال در حوزه تجارت الکترونیک بطور دقیق مشخص نیست اما آخرین آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد فروش کسب و کارهای آنلاین بزرگ شناخته‌شده در این مدت نزدیک به ۳۰ درصد و بیشتر کاهش یافت. این میزان در کسب و کارهای کوچک و متوسط به ۷۰ تا ۸۰ درصد می‌رسد.

همچنین نتیجه یک پژوهش جدید که بطور مشترک از سوی شرکت «جاب ویژن» که بزرگترین شرکت کاریابی و استخدام ایران است و ماهنامه «پیوست» انجام شده نشان از موج گسترده اخراج شاغلان در کسب و کارهای اینترنتی و فعالیت‌های مرتبط با اینترنت دارد.

این تحقیق نشان می‌دهد به دلیل اختلال و قطع اینترنت در پاییز سال ۱۴۰۱، ۳۳ درصد نیروی کار اخراج شده در این فصل در حوزه فناوری اطلاعات فعالیت می‌کردند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از هر سه فرد اخراج شده در سه ماه اخیر، یک نفر در حوزه فناوری اطلاعات مشغول به کار بوده و ۳۳ درصد بیکارشدگان در این حوزه کار می‌کردند. همچنین از این میان گروه شغلی طراحان گرافیک، طراحی انیمیشن و موشن گرافیک با سهم ۴۰ درصدی خود از این آمار بیشترین سهم اخراج را به خود اختصاص داده‌اند.

از سوی دیگر زنان شاغل در این حوزه بیشتر از مردان شغل خود را از دست داده یا در معرض بیکاری هستند. بر این اساس در سه ماه گذشته ۲۹ درصد از زنان فعال در این حوزه با شرکت در پیمایش «جاب‌ویژن» و «پیوست» گفته‌اند که اخراج شده‌اند و ۱۸ درصد نیز خود را در شُرف اخراج دانسته‌اند.

این آمار در مردان شاغل در این حوزه اندکی متفاوت است و به نظر می‌رسد که محدودیت‌های اینترنتی به مشاغل ۴۴ درصد از مردان حوزه فناوری اطلاعات آسیب زده است و ۲۲ درصد از آنها اخراج و ۲۲ درصد خود را با از دست دادن شغل مواجه می‌دانند.

اطلاعات به دست آمده از این پیمایش نشان می‌دهد که کارمندان و کارشناسان بیشتر از سایر گروه‌ها به دلیل اختلال در اینترنت اخراج شده‌اند و در سطوح کارمندی ۴/۲ برابر بیشتر اخراج نسبت به سطوح مدیریت ارشد گزارش شده است.

همچنین تنها ۱۷ درصد از کسانی که شغل خود را از دست داده‌اند، اعلام کرده‌اند که در زمینه شغلی فعلی خود به دنبال کار خواهند بود. ۱۷ درصد گفته‌اند که زمینه شغلی خود را تغییر خواهند داد و ۶۶ درصد از آنها نیز اعلام کرده‌اند که فعلا به دنبال کار نخواهند.

اخراج گسترده نیروی کار متخصص و فعال در زمینه تجارت الکترونیک و آی‌تی، تنها یکی از ابعاد زیان‌های مالی و روانی به جامعه است.در چنین شرایطی فیلترشکن‌ها هم با اختلال زیادی روبرو هستند. اکثر شهروندان ناچار هستند بطور مداوم با پرداخت هزینه، فیلترشکن‌های جدید نصب کنند.

تلاش برای دسترسی به اینترنت آزاد ادامه دارد و استفاده از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک ممکن است در آینده نزدیک، برنامه جمهوری اسلامی در زمینه فیلترینگ را از اساس با مشکل روبرو کند.

مهدی محبی رئیس اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی ارتباطی، روز یکشنبه ۱۱ دی به‌نقل از «یک مقام مسئول» که نامش را نگفت، اعلام کرد که ۸۰۰ دستگاه از ترمینال‌های اینترنت ماهواره‌ای استارلینک تا کنون وارد کشور شده است. سه روز پیش از آن روزنامه «وال استریت جورنال» گزارش داده بود که از ابتدای اعتراضات سراسری در ایران، حدود ۲۰۰ ترمینال ارتباط ماهواره‌ای اینترنتی استارلینک به ایران قاچاق شده است.

ایلان ماسک مالک شرکت اسپیس‌ایکس نیز دو هفته پیش فعال بودن حدود ۱۰۰ دستگاه اینترنت ماهواره‌ای استارلینک در ایران را تأیید کرده بود.

به گزارش وبسایت «اقتصاد ۲۴» اینترنت ماهواره‌ای استارلینک پروژه بزرگ شرکت اسپیس ایکس است که در پایان سال ۲۰۲۰ با سرمایه‌گذاری عظیمی به مبلغ ۸۸۵ میلیون دلار (حدود ۳۶ بیلیون تومان) آغاز شد و در دو سال گذشته پیشرفت زیادی داشت. اکنون بیش از ۲ هزار ماهواره استارلینک فعال است و ایلان ماسک در مصاحبه‌ای اعلام کرده اینترنت استارلینک در آینده در تمام نقاط جهان بجز قطب شمال و جنوب و حتی برای مسافران هواپیماهای مسافربری در دسترس خواهد بود.

در این میان، شبکه پیام‌رسان واتس‌آپ که از جمله محبوب‌ترین و پرکاربرترین اپلیکیشن‌های تماس اینترنتی در ایران است روز پنجشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۱ برابر با ۵ ژانویه ۲۰۲۲ اعلام کرد که امکان ارتباط از طریق پروکسی برای این اپلیکیشن فراهم شده و در نتیجه شهروندان در ایران می‌توانند راحت‌تر از پیش از این اپلیکیشن استفاده کنند.

یک سخنگوی واتس‌اپ درباره امکان جدید ارتباط از طریق پروکسی به بی‌بی‌سی فارسی گفته که «استفاده از وی‌پی‌ان در ایران گسترده بوده و به کاربران کمک کرده، اما حکومت برای بستن آنها هم تلاش می‌کند و علاوه بر این استفاده از آنها نیازمند دانلود یک اپ جدید است، که شاید برخی مایل یا قادر به آن نباشند.»

سخنگوی واتس‌اپ افزوده که «وقتی وصل شدن به واتس‌اپ، چه بطور مستقیم و چه به واسطه وی‌پی‌ان ممکن است، این قابلیت جدید به کاربران گزینه‌ای می‌دهد که از داخل خود اپ و به واسطه یک سرور پروکسی وصل شوند.»

«رمزنگاری دوطرفه» یکی از مهمترین امکانات واتس‌اپ است که به ویژه برای امنیت شهروندان در ایران موضوع مهمی به شمار می‌رود. سخنگوی واتس‌اپ در این رابطه به بی‌بی‌سی فارسی گفت که این رمزنگاری دوطرفه پیام‌ها قابل رصد نیست و هنگام استفاده از پروکسی هم این ویژگی برقرار است و هیچکس به غیر از فرستنده و گیرنده پیام نمی‌تواند محتوای آن را ببیند، چه سرورهای پروکسی و چه حتی خود واتس‌اپ و متا.

استقبال حامیان نظام از بازداشت نواب ابراهیمی استاد آشپزی؛
مردم: نظام مفلوک از طرز تهیه کتلت هم می‌ترسد!



نواب ابراهیمی

بازداشت نواب ابراهیمی استاد آشپزی به خاطر انتشار طرز تهیه کتلت و میرزاقاسمی در سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی با واکنش‌های زیادی حتا در رسانه‌های خارجی روبرو شده است.

با قوانین الکن خود جمهوری اسلامی نیز نمی‌توان کسی را به خاطر انتشار دستور تهیه یک غذا از جمله کتلت دستگیر کرد! گذشته از اینکه «منظور» و «نیت» در هیچ نظام حقوقی سبب پیگرد قانونی نمی‌شود!

علی کریمی کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران و ورزشکار معترض در واکنش به بازداشت نواب ابراهیمی در اینستاگرامش نوشت: «حداقل لیست جدید غذاهایی که برای نظامتان خطرناک نیست را اعلام کنید که کسی پا روی خط قرمزتان نگذارد.»

مهرداد پولادی بازیکن پیشین تیم ملّی فوتبال ایران نیز با انتشار یک توییت درباره بازداشت نواب ابراهیمی نوشت: «دیکتاتور مفلوک درمانده کارش به جایی رسیده از آموزش پخت کتلت هم میترسه ولی ادعای قدرت برتر دنیا بودن داره».

حامیان نظام از بازداشت ابراهیمی استقبال کرده‌اند و بسیاری از آنها نوشته‌اند: برخورد با او «درس عبرت» است که ما سر حاج قاسم با کسی شوخی نداریم!

قضیه «کتلت» از این قرار است که وقتی قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سحرگاه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در حمله پهپادی در حوالی فرودگاه بغداد کشته شد و از او جز قطعاتی له شده باقی نماند، مخالفان جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی اصطلاح «کتلت» را برای آنچه بر سر وی آمد باب کردند.

البته برخی با به کار بردن این اصطلاح برای قاسم سلیمانی به دلیل اینکه به این غذای محبوب و خوشمزه ایرانی توهین می‌شود و آدم را از اشتها می‌اندازد، مخالف هستند.

انتشار خبر بازداشت نواب ابراهیمی استاد آشپزی در تهران به خاطر آموزش چند نوع غذا از جمله کتلت با واکنش‌های بسیار مواجه شده است. وی پس از آموزش تهیه «کتلت» و «میرزا قاسمی» همزمان با سومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی روز چهارشنبه ۱۴ دی‌ماه مقابل کافه رستورانش در شهرک غرب بازداشت شد.

در پی بازداشت ابراهیمی، ماموران امنیتی کافه رستوران «نوژ» را پلمب کردند. همچنین اعلام شد که وی به زندان اوین منتقل شده است.

نواب ابراهیمی همچنین در یکی از استوری‌های خود به آلودگی بیش از حد هوا در تهران واکنش نشان داده و نوشته بود: «چرا کسی صدای ما رو نمی‌شنوه. اصلا کسی هست؟»

همزمان صفحه اینستاگرام این آشپز با بیش از دو میلیون و هفتصد دنبال‌کننده از دسترس خارج شده است. با اینهمه با قوانین الکن خود جمهوری اسلامی نیز نمی‌توان کسی را به خاطر انتشار دستور تهیه یک غذا از جمله کتلت دستگیر کرد! گذشته از اینکه «منظور» و «نیت» در هیچ نظام حقوقی سبب پیگرد قانونی نمی‌شود!

علی کریمی کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران و ورزشکار معترض در واکنش به بازداشت نواب ابراهیمی در اینستاگرامش نوشت: «حداقل لیست جدید غذاهایی که برای نظامتان خطرناک نیست را اعلام کنید که کسی پا روی خط قرمزتان نگذارد.»

مهرداد پولادی بازیکن پیشین تیم ملّی فوتبال ایران نیز با انتشار یک توییت درباره بازداشت نواب ابراهیمی نوشت: «دیکتاتور مفلوک درمانده کارش به جایی رسیده از آموزش پخت کتلت هم میترسه ولی ادعای قدرت برتر دنیا بودن داره.»

چند رسانه خارجی از جمله روزنامه انگلیسی «گاردین» به بازداشت نواب ابراهیمی واکنش نشان داده‌اند و نوشته‌اند احتمالاً او به خاطر طعنه به کشته شدن قاسم سلیمانی بازداشت شده است.

حامیان نظام از بازداشت ابراهیمی استقبال کرده‌اند و بسیاری از آنها نوشته‌اند: برخورد با او «درس عبرت» است که ما سر حاج قاسم با کسی شوخی نداریم!

بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی از مقامات جمهوری اسلامی پرسیده‌اند «قدرت نظامی اول خاورمیانه چرا از یک آموزش پخت غذا ترسیده؟»

اینهمه در حالیست که همزمان با دستگیری یک استاد آشپزی به خاطر انتشار طرز تهیه کتلت، سرداران و دولتمردان حکومت معتقدند «اقتدار نظام، لرزه به جان دشمنان انداخته است!»

قضیه «کتلت» از این قرار است که وقتی قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سحرگاه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در حمله پهپادی در حوالی فرودگاه بغداد کشته شد و از او جز قطعاتی له شده باقی نماند، مخالفان جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی اصطلاح «کتلت» را برای آنچه بر سر وی آمد باب کردند.

البته برخی با به کار بردن این اصطلاح برای قاسم سلیمانی به دلیل اینکه به این غذای محبوب و خوشمزه ایرانی توهین می‌شود و آدم را از اشتها می‌اندازد، مخالف هستند. برخی اما در طول این سه سال که از کشته شدن وی می‌گذرد همچنان از «کتلت شدن» سردار جنایتکار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله پهپادی آمریکا که در دولت دونالد ترامپ و به دستور وی انجام شد هزاران پست در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند.

حالا دستگیری یک استاد آشپزی که فقط طرز تهیه کتلت را منتشر کرده، از یکسو نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی تا چه اندازه «کتلت شدن» سردار بچه‌کش خود را جدی گرفته و از سوی دیگر بیانگر تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار رژیم‌هایی مانند حکومت اسلامی در ایران است.

اساس بودجه ۱۴۰۲: سرکوب بیشتر شهروندان و جلوگیری از فروپاشی نظام

● بودجه صداوسیمای دولتی با افزایش ۴۹ درصد نسبت به امسال روبرو شده و در مجموع به ۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

● بودجه سازمان تبلیغات اسلامی هم با ۵۳ درصد رشد، به ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان، افزایش یافته است.

● بودجه ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با ۳۳ درصد افزایش، به ۷۶ میلیارد تومان رسیده است.

● بودجه سازمان زندان‌های کشور با ۶۳ درصد افزایش به حدود ۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده و بودجه فرماندهی کل انتظامی هم با افزایشی ۴۴ درصدی به بیش از ۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

● ردیف‌های درآمدی لایحه بودجه در حالی با ارقام نجومی و تخیلی پر شده و ردیف‌های هزینه‌ای نیز در خدمت جلوگیری از فروپاشی حکومت قرار گرفته که اساسا دولت با کسری بودجه روبروست و این کسری در سال آینده نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

● ویرانی اقتصادی در سال ۱۴۰۲ در صورت ادامه حکومت تباه جمهوری اسلامی افزایش یافته و تعداد افراد زیر خط فقر، و زیر خط فقر مطلق با افزایش روبرو شده و ایران با فلاکت و ویرانی بیشتری دست به گریبان خواهد بود.

ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی روز چهارشنبه، ۲۱ دی‌ماه، لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ را با سقف کلی ۵۲۶۱ هزار میلیارد تومان تحویل مجلس شورای اسلامی داد. بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۱۵۰۲ هزار میلیارد تومان، معادل ۴۰ درصد، افزایش دارد.

ابراهیم رئیسی طی سخنانی در مراسم تقدیم لایحه بودجه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی بدون اشاره به علت تأخیر ۱۷ روزه در ارائه این لایحه گفت که «در شرایط فعلی شاهد ۱۹ واحد درصد کاهش تورم هستیم و البته باید با تصمیمات به سمت کاهش بیشتر تورم برویم.»

همین آمار غلط کاهش ۱۹ درصدی تورم در حالی که گزارش‌های مراکز حکومتی چون مرکز آمار ایران از تورم ۵۰ درصدی سخن می‌گویند نشان می‌دهد بودجه تقدیمی او به مجلس چقدر با واقعیت‌های اقتصادی کشور در تضاد و تا چه میزان آمیخته به توهمات تیم اقتصادی دولت است!

بودجه از دو بخش بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت تشکیل می‌شود و بودجه عمومی شامل ۲۱۶۴ هزار میلیارد تومان است.

اجزای بودجه عمومی نیز شامل منابع عمومی بالغ بر ۱۹۸۴ هزار میلیارد تومان و درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی شامل ۱۸۰ هزار میلیارد تومان است.

همچنین بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت که حجم عمده کل بودجه سال ۱۴۰۲ را به خود اختصاص داده، با رقم ۳۰۹۷ هزار میلیارد تومان بسته شده است.

با وجود اعداد اعلامی توسط دولت ایران نگرانی شدیدی در ایران به دلیل کسری بودجه و راه تأمین منابع برای بودجه سال آینده وجود دارد.

بر اساس اطلاعاتی که از بودجه ۱۴۰۲ منتشر شده، بودجه صداوسیمای حکومت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حوزه علمیه افزایش یافته است. در بخش درآمدی نیز دولت این توهم را دارد که ۶۰۳ هزار میلیارد تومان درآمد نفتی و ۸۲۶ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی داشته باشد.

نگاهی کلی به لایحه بودجه نشان از افزایش بودجه برای دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی دارد. بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۳۰ درصد افزایش خواهد یافت و



تقدیم بودجه ۱۴۰۲ از سوی ابراهیم رئیسی به مجلس شورای اسلامی

بودجه سپاه پاسداران نیز به ۱۱۹ هزار میلیارد تومان، معادل یک پنجم درآمدهای نفتی افزایش یافته است.

بودجه صداوسیما به عنوان دستگاه تبلیغاتی و توجیه‌کننده سرکوب نیز افزایش ۴۹ درصدی نسبت به امسال دارد و در مجموع به ۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسیده و بودجه سازمان تبلیغات اسلامی هم با ۵۳ درصد رشد، به ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان، افزایش یافته است. بودجه ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با ۳۳ درصد افزایش، به ۷۶ میلیارد تومان رسیده است.یکی دیگر از بخش‌های بودجه سرکوب که افزایش داشته، بودجه سازمان زندان‌های کشور است که از ۶۳ درصد افزایش به حدود ۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده و سطح بودجه فرماندهی کل انتظامی هم با افزایشی ۴۴ درصدی به بیش از ۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

این در حالیست که جمهوری اسلامی طی چهار ماه گذشته با جنبش انقلابی مردم روبروست. مردم ایران با پایداری و همبستگی توانستند اعتراضات را به جنبش انقلابی تبدیل کنند. جدا از آنکه با ادامه‌دار بودن مسیر انقلاب ملّی علیه جمهوری اسلامی، بودجه نهادهای سرکوبگر چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها افزایش داشته، بودجه نهادهایی چون حوزه علمیه و صداوسیمای رژیم نیز افزایش چشمگیر پیدا کرده است.

علی خامنه‌ای اخیرا طی سخنانی گفته بود «باتوم» یا به بیان بهتر سرکوب مسلحانه شهروندان معترض، کارساز نیست و از دستگاه‌های حکومتی خواسته بود به «جهاد تبیین» یا همان فعالیت‌های تبلیغی و سایبری علیه مردم بپردازند. در چنین شرایطی است که می‌بینیم بودجه نهادهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی که هر یک بازوهایی از «جهاد تبیین» هستند نیز در لایحه بودجه سال آینده افزایش یافته است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با وجود شبکه‌های فارسی‌زبان خارج کشور و شبکه‌های اجتماعی که گردش آزادانه اطلاعات در آنها در جریان است، خودش را در یک نبرد رسانه‌ای با مخالفانش یافته است. در دهه‌های نخست بعد از انقلاب انحصار گردش اطلاعات در دست جمهوری اسلامی بود، حالا این انحصار با اینترنت و ماهواره از دست نظام خارج شده است. در چنین شرایطی و در جریان انقلابی که از سوی مردم ایران طی چهار ماه گذشته آن را پیش‌می‌برند، علی خامنه‌ای این توهم را دارد که با جهاد تبیین و پولپاشی در نهادهای فاسدی چون صداوسیمای دولتی و حوزه علمیه قادر است نظام را تجهیز، و از برانداخته شدن خود جلوگیری کند!

اکنون در حالی ردیف‌های درآمدی لایحه بودجه با ارقام نجومی و تخیلی پر شده و ردیف‌های هزینه‌ای نیز در خدمت جلوگیری از فروپاشی حکومت قرار گرفته که اساسا دولت با کسری بودجه روبروست و این کسری در سال آینده نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی چند روز پیش از کسری بودجه حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی در بودجه امسال گفت. هر چند این اظهارات طی روزهای گذشته به شاخ و شانه کشیدن نمایندگان و تیم اقتصادی دولت منتهی شده اما آنچه محمدرضا پورابراهیمی درباره کسری بودجه دولت گفته درست است.

کسری بودجه امسال به بودجه سال آینده تحمیل می‌شود و بودجه سال آینده هم کسری قطعی خواهد داشت. منابع درآمدی بودجه سال ۱۴۰۲ با افزایش ۵۸ درصدی درآمدهای نفتی و ۵۷ درصدی درآمدهای مالیاتی روبرو شده است.

دولت پیش‌بینی کرده ۶۰۳ هزار میلیارد تومان درآمد نفتی داشته باشد. مشخص هست که در شرایط تحریم جمهوری اسلامی نخواهد توانست این رقم خامفروشی نفت داشته باشد؛ از طرفی چشم‌انداز روشنی وجود ندارد که از آغاز دوره لایحه بودجه ۱۴۰۲، یعنی کمتر از دو ماه و نیم دیگر، مذاکرات از سرگرفته شود، به نتیجه برسد و تحریم‌ها برداشته شود. در نتیجه کسری بودجه در مهمترین ردیف درآمدی بودجه یعنی درآمد حاصل از خامفروشی نفت قطعی است.

دولت پیش بینی کرده که درآمد حاصل از مالیات در سال آینده ۸۲۶ هزار میلیارد تومان باشد و بر این اساس سهم مالیات اشخاص حقوقی در لایحه بودجه سال آینده با ۱۲۲ درصد رشد به ۲۹۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و سهم مالیات بر درآمدها در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ هم با ۴۵ درصد رشد، به ۱۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. میزان مالیات بر ثروت هم با رشدی ۳۷ درصدی، به ۳۷ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

ارقام پیش‌بینی شده برای درآمدهای مالیاتی به دو دلیل تحقق نخواهد یافت. یکی اینکه شرکتهای بزرگی که درآمدهای خوبی دارند، معمولات شرکتهای متصل به بدنه حکومت هستند که با بهره‌مندی از رانت و با توجه به ساختار فاسد حکومت، غالبا دارای فرارهای هنگفت مالیاتی هستند. کسب و کارهای دیگر هم که با توجه به رکود تورمی شدید در حال ورشکستگی، تعطیلی و مهاجرت به دیگر کشورهای منطقه و جهان هستند و بخش فعال آنها نیز با کاهش شدید درآمد روبرو شده است. در شرایطی که در ساختار فاسد و مافیایی جمهوری اسلامی، اراده‌ای برای مالیات‌ستانی از پردرآمدها وجود ندارد و مالیاتی که از اقشار حقوق‌بگیر گرفته می‌شود هم رقم اندکی است، پیش‌بینی رقم‌های نجومی برای درآمد مالیاتی بیشتر توهم است تا واقعیت!

در لایحه بودجه پیشنهادی مشکلات اساسی مردم کاملا از سوی دولت نادیده گرفته شده است. نه برای بهبود وضعیت معیشتی مردم چاره‌اندیشی شده و نه مشکلات دیگری چون محیطزیست. برای نمونه بودجه مربوط به مقابله با آلودگی هوا از ۹۰ میلیارد تومان به ۸۱ میلیارد تومان کاهش یافته است.

در درآمد کارمندان نیز دولت افزایش ۲۰ درصدی در نظر گرفته که کمتر از نیمی از رقم جاری تورم در کشور

←

تجارت آلمان با جمهوری اسلامی مانع حمایت کافی از خیزش آزادیخواهانه مردم ایران است



تظاهرات ایرانیان در برلین اکتبر ۲۰۲۳

فاکس نیوز بر اساس اطلاعات اداره آمار فدرال آلمان گزارش داد این کشور از ژانویه تا اکتبر۲۰۲۲ بیش از ۲/۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده است. در همین مقطع آلمان بیش از ۲۷۷ میلیون دلار کالا از ایران وارد کرده است.

با وجود حمایت مقامات آلمان از خیزش انقلابی در ایران این کشور همچنان مهمترین شریک تجاری جمهوری اسلامی در اروپاست. آنهم در شرایطی که طی ۱۲۰ روز گذشته ۷۰۰ تن از معترضان کشته و بیش از ۱۹ هزار نفر بازداشت شده‌اند.

ریچارد گرنل سفیر پیشین آمریکا در آلمان در اینباره به فاکس نیوز گفت: «آلمان تمایل دارد تهدید رژیم رادیکال ایران را نادیده بگیرد. رهبران آلمان پیوسته بر این باورند که تهدید جمهوری اسلامی برای آنها و اروپا یک دغدغه جدی نیست، اما دلیل این خوش‌خیالی آنها این است که به اندازه کافی وقت برای گفتگو با مقامات اطلاعاتی آلمان نمی‌گذارند تا تهدیدها را مشاهده کنند».

صبا فرزان عضو حزب لیبرال دمکرات (دمکرات‌های آزاد) آلمان و از مخالفان جمهوری اسلامی می‌گوید: «تغییرات در سیاست آلمان در قبال رژیم اتفاق افتاده است اما کافی نیست. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شود».

است. حداقل حقوق کارکنان دولت در سال آینده، ۷ میلیون تومان در ماه در نظر گرفته شده و حداقل مستمری بازنشستگان ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود. این در حالیست که رقم خط فقر برای یک خانواده چهار نفره در تهران ۳۰ میلیون تومان و در دیگر مناطق کشور ۲۰ میلیون تومان ارزیابی شده است.

همچنین لایحه بودجه سال آینده، ۴۷۶ هزار میلیارد تومان کسری عملیاتی دارد که نسبت به امسال، ۵۸ درصد بیشتر شده است. دولت از همین ابتدای کار با کمبود منابع برای پوشش هزینه‌های گنجانده شده در لایحه بودجه روبروست و در نتیجه مانند امسال و سالهای پیشتر باز هم استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول برای جبران کسری بودجه در دستور کار قرار خواهد گرفت. این اقدامات سبب افزایش نقدینگی در کشور می‌شود که مهمترین محرک افزایش نرخ تورم است.

از سوی دیگر بانک جهانی در گزارشی تازه درباره رشد اقتصاد جهان از کاهش رشد اقتصادی ایران خبر داده و نوشته در حالی که درصد تغییر تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی نسبت به سال قبل از آن رشدی ۷/۴ درصدی داشت، یک سال بعد این رقم به ۹/۲ کاهش پیدا کرده است.

اینهمه بیانگر اینست که ویرانی اقتصادی در سال ۱۴۰۲ خورشیدی و در صورت ادامه حکومت تباه جمهوری اسلامی افزایش یافته و تعداد افراد زیر خط فقر، و زیر خط فقر مطلق با افزایش روبرو شده و ایران با فلاکت و ویرانی بیشتر دست به گریبان خواهد بود.

آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان با اعلام حمایت از خیزش آزادیخواهانه مردم ایران خواستار قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریسم از سوی اتحادیه اروپا شد. وی ۹ ژانویه در توییتی نوشت: «قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی از نظر سیاسی مهم و منطقی است.»

حدود چهار ماه پس از آغاز خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی گذشته و حمایت‌های بین‌المللی از جنبش مردم ایران رو به افزایش است اما با وجود اینکه یکی از حامیان اصلی جنبش آزادیخواهانه در ایران دولت آلمان است اما همچنان مهمترین شریک تجاری جمهوری اسلامی در اروپا نیز هست. آنهم در شرایطی که طی ۱۲۰ روز گذشته ۷۰۰ تن از معترضان کشته و بیش از ۱۹ هزار نفر بازداشت شده‌اند.

فاکس‌نیوز ۱۱ ژانویه در گزارشی نوشت برلین به دلیل ادامه تجارت با رژیم ایران با انتقادات شدیدی مواجه است.

بر اساس آمار اخیر منتشر شده از اداره آمار فدرال آلمان، این کشور از ژانویه تا اکتبر۲۰۲۲ بیش از ۲/۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده. در همین مقطع آلمان بیش از ۲۷۷ میلیون دلار کالا از ایران وارد کرده است.

برآوردها نشان می‌دهد آلمان در سال ۲۰۲۲ حدود۲۹۳ میلیون دلار ماشین‌آلات و فناوری مهندسی به ایران صادر کرده است.

این در حالیست که مقامات آلمان اعلام کردند که به دلیل سرکوب اعتراضات در ایران بخشی از اعتبارات تجاری در زمینه صادرات به ایران و تضمین بیمه‌های سرمایه‌گذاری را به حالت تعلیق در می‌آورد.

در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی تجهیزات و کالاهایی با مصرف دوگانه غیرنظامی- نظامی از آلمان وارد کرده است. فاکس نیوز سال ۲۰۱۸ گزارش داد که آلمان موادی را به شرکت‌های ایرانی فروخته که در حملات شیمیایی در سوریه استفاده شده است. پرتاب این راکت‌ها ده‌ها غیرنظامی از جمله کودکان را مصدوم و مسموم کردند.

با وجود اینکه آلمان خدمات بانکی به شرکت‌های مستقر در ایران را متوقف کرده اما برخی بانک‌های آلمان در سال‌های اخیر با زیرپا گذاشتن تحریم‌ها با شرکت‌های وابسته به رژیم ایران مراودات مالی داشتند.

ریچارد گرنل سفیر پیشین آمریکا در آلمان در اینباره به فاکس نیوز گفت: «آلمان تمایل دارد تهدید رژیم رادیکال ایران را نادیده بگیرد. رهبران آلمان پیوسته بر این باورند که تهدید جمهوری اسلامی برای آنها و اروپا یک دغدغه جدی نیست، اما دلیل این خوش‌خیالی آنها این است که به اندازه کافی وقت برای گفتگو با مقامات اطلاعاتی آلمان نمی‌گذارند تا تهدیدها را مشاهده کنند.»

هرچند که اولاف شولتز صدراعظم آلمان در پیامی ویدیویی گفت آلمان در کنار مردم ایران ایستاده و از «شجاعت» آنها در مقابل رژیم سرکوبگر ملاها حمایت می‌کند اما تحلیلگران بر این باورند تجارت آلمان با ایران مانع حمایت کافی از خیزش ضدحکومتی است.

گرنل که در دوران دولت ترامپ سفیر ایالات متحده در آلمان بود و بعدها به عنوان سرپرست سازمان اطلاعات ملی (DNI) نیز خدمت می‌کرد می‌گوید آن دوران واشنگتن به دولت آلمان فشار آورد تا ورود هواپیماهای شرکت «ماهان ایر» را که اقدام به انتقال تسلیحات نظامی به به سوریه و لبنان کرده بود ممنوع کند.

او تأکید کرد: «دولت آلمان آن زمان رژیم ایران را به دلیل نقض حقوق دگرباشان جنسی و نقض حقوق بشر تحریم کرد. همچنین فعالیت حزب‌الله لبنان به عنوان اصلی‌ترین شریک رژیم ایران در آلمان متوقف شد.»

صبا فرزان عضو حزب لیبرال دمکرات (دمکرات‌های آزاد) آلمان و از مخالفان جمهوری اسلامی می‌گوید: «تغییرات در سیاست آلمان در قبال رژیم اتفاق افتاده اما کافی نیست. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شود.»

موریتز کریمر اقتصاددان ارشد بانک نیمه دولتی LBBW در ایالت بادن وورتمبرگ ماه مه گذشته در مورد آلمان اعلام کرد که «مذاکرات فشرده‌ای در پشت پرده با ونزوئلا، ایران یا الجزایر برای واردات نفت و بنزین در جریان است.» با این حال، وزارت خارجه آلمان به فاکس نیوز گفت: «هیچ مذاکره یا برنامه‌ای برای خرید نفت یا گاز از ایران وجود ندارد.»

اینهمه در حالیست که بخش عمده اقتصاد ایران در سلطه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. در آلمان فشارها به مقامات دولتی برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی افزایش پیدا کرده است. اقدامی که می‌تواند ضربه‌ای سنگین به تأمین منابع مالی سپاه و در نتیجه تروریسم مزمن جمهوری اسلامی شود.

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | محمد حسینی شهروندی با خانواده‌ای به بزرگی ایران: آموخته‌ام که به جنگ ناپاکی‌ها بروم.
حتی در سخت‌ترین شرایط خواهم جنگید با تاریکی و خواهم دوید به‌سوی روشنایی!